

عنديك





عبدالیب

نشریه مصلح و حافظی می بہایان کا نوادا
بربان فارسی



شماره سی و یکم "مسن"

No. 31

سال هشتم

VOLUME VIII

۱۴۶
بسیع

تابستان ۱۳۶۸ شمسی

Summer 1989

'ANDALÍB

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

حق چاپ محفوظ است

فهرست مُسْدَر جَات

- ٤ - ٣
- ٥
- ٧ - ٦
- مَآخذ بَالا (مرحّمتي معهد اعلى بواسطه دارالانشاء)
- ١٠ - ٨
- ١٣ - ١١
- ١٦ - ١٤
- ١٩ - ١٧
- ٢١ - ٢٠
- ٢٢
- ٢٨ - ٢٣
- ٣٦ - ٢٩
- ٣٧
- ٤٣ - ٣٨
- ٤٨ - ٤٤
- ٤٩
- ٥١ - ٥٠
- ٥٢
- ٥٣
- ٥٤
- ٥٨ - ٥٥
- ٦٣ - ٥٩
- ٦٤
- ٦٥
- ٦٧ - ٦٦
- ٧٤ - ٦٨
- ٧٨ - ٧٥
- ٨٠ - ٧٩
- ١ - آثار قلم اعلى
- ٢ - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ٣ - بيانات شفاهيه حضرت مولى الورى
- ٤ - صعود ايادي محبوب امرالله دكتر يوگو جيماكرى
- ٥ - كلمه و كلمات
- تاریخ زرین شهادت
- ٦ - الف - شهید مجید رحیم رحیمیان
- ٧ - ب - شهید مجید جدید الله اشرف
- ٨ - بیت الله الاعظم (شعر)
- ٩ - اطلاعیه معهد اعلى
- ١٠ - پاسخ
- ١١ - مبانی صلح بین الملل
- ١٢ - شعر و ادب فارسي
- ١٣ - تاریخچه مدرسه عصر جدید پنجمگنی
- ١٤ - خضر پیغمبر
- ١٥ - شرح تصدیق شمس الواعظین
- ١٦ - تصحیح
- ١٧ - شعر "عاشقان باوفا"
- ١٨ - معرفی گلزار عشق
- ١٩ - شعر "قسم"
- ٢٠ - یادی از گذشتگان - جناب ملا علی جان ماهروزکی مازندرانی
- ٢١ - بیاد مهاجران عزیز
- ٢٢ - جمال و وقار
- ٢٣ - درد دل جوانان
- ٢٤ - انجمن شور روحانی ملی بهائیان کانادا
- ٢٥ - اخبار و پیشرات امریمه
- ٢٦ - اخبار مصوّر
- ٢٧ - نامه هائی از دوستان
- عکسها: روی جلد بیت الله الاعظم
- داخل روی جلد. میسیس کهر در اصفهان با اطفال دروس اخلاقیه (فرستنده جناب رحمت الله توفیق)
- پشت جلد خارج. بیت الله الاعرم پس از تحریر بوسیله معاندان پرکین
- داخل پشت جلد سمینار اطفال دروس اخلاقیه تاسمانیا

جناب محمد رضا ابن من استشده

هو لا قدس اعظم العلی الابحی

یا محمد رضا انشا الله بعیات محبوب عالیان فائز باشی و از جنی بیانش بیاشمی . ندایت مرّة بعد مرّة شنیده شد و آنچه از حق جل جلاله سرآوجهر آطلب نبودی در مرّات علم الّهی ظاهر و مشهود . امروز روزیست که جمیع باید لله ناطق باشند ولی الله متوجه ولا مرته قائم بشنویم کویند که مکتارا و باموکیده سبب وعلت ارتفاع امر الله است متسک شو جمیع اشیاء اهل انشا را بافق اعلی دعوت نهایت دلکن هیا کل تربیه ناما مسئول و از رتب اداری بمعرض غافل . امروز عرف قصص متصوّخت و ندای الله مرتفع باید کل وقت راعینه شمرند چه که هر واقعیتی از این ایام را فرون اوی معاوله نهاید قدر این عطیه کبری را بدان و بخدمت امر مسئول باش بگوای دوستان حق موعود از افق عالم ظاهر و مشهود و ام الکتاب از سما عدایت نازل آن ظهر باحق ولا پیش فی طر فلم و سبلکم نظر و اظہر صراطه مستقیم . امروز را نماید نبوده عنیت گنجید نهاید تا اهتاب حقیقت مشرق و سما فضل مرتفع و بحر کرم موج بقصمتی فائز شوید آنچه مشاهده مینماید غیریب بغير اربع شود مگر کلمه که از قلم اعلی نازل گردد او بدوم ملک دملکوت باقی و پاینده است . بگوای دوستان وقت را

صایع مکنید باقی امرالله متوجه باشد امروز کل مایدشت واردۀ حق ناظر باشند نه باعذنم
 و اراده من هست ربک آن بعده لک ما اراد ان ربک لهو العدم اخبار آن یعم مانع پیغام بر عباده و عنده علم
 کل شئ فی کتاب میین لاتحرن من شئ توکل علی همه اش مع عباده المیتوکلین . طوبی از برای غشیده
 الیوم این اوقات را که اعز از بکریت احمر است صایع شود و بخدمت امر فائز شد و خدمت امرالله در
 رتبه اولیه و مقام اول ذکر او بجهت بیان بوده و خواهد بود . بشنوید ای مظلوم را آنچه امروز بدوسن
 برسان . یا محمد قبل رضا امروز روز استقامت است هر شخصی بآن فائز شد کل خیر فائز است
 اگر بروح الله فائز شدی و عرف قمیص استشام نمودی ول وجدک شطر همه المیمین القویم قبل بایه
 استکن بالاسکم الدنی جعله سهیماً علی مکان و مایکون بآن تکت لی من قلک الاعنی یا یعنی فی
 کل عالم من عوالمک اشده ای لاعلم یا یعنی ان زمام لعسم فی قبضتک امک انت یعم اخباری .
 ثم استکن بآن تجھی نستیقاً علی امرک اشده باشده به لسان عظمتک
 قبل خلق اسوات والارض فلت و قولک الحق ان امر عظیم یعنی عظیم

لهم يحيى عظمتك حمد لله لا يقدر بعده سليم

شیلز جناب میرزا سید شهاب الدین عجمی میرزا شکر تبدیل شهزادی جناب مخداد روی جناب مکتباً باخان جنبد محمد
جنب همچو جنبد آنعب الدین جنبد همچو علیه السلام بده ابا خان جنبد محمد
هو لمه

ای یاران آنی این عصر عصر حمایت و این قرن قرن روحانی ذات استیا در وجود و طربند
و کافه مکنات در حرکت و اتهراز حرارت شمس حقیقت چنان تاثیری در حقائق موجودات نموده که جمیع
استیا در شوونماست ملاحظه نماید که عقول بشری و همت انسانیه و اوراقات قلبیه و اکتشافات
عقلیه و فنون عالیه و تدقیقات ریاضیه و تعمیقات طبیه و سایر فنون مادیه و علوم روحانیه و صنایع
بدیعه و بدیع لطیفه و مدینت کامله و تغییل اخلاق و تقویر آفاق در جهان انسانی بخششی بی پایان
در شوونماست ولی یاران آنی باید از کل سبقت گیرند و در این فضائل و خصال که مدینت
حقیقت انسانیت بکمال جهد کوشیده اکتاب نمایند زیرا این نقوص مقدسه بیش از کل موئید
و بهتر از کل موفق و بحرزب الله اکتاب کمال معنویه و صوریه بصیری آیات بنیات فرض و حسب
است و احمد لله اسعد اوشان کامل و در هر امری موفق و موئید لهم باید یاران آنی شب
روز در فکر آن بشنند که مرکز این انوار گردند و مجمع این اسرار و مصدر این افعال و الاسب حضرت
واحزان گردند هر شخصی باید ملاحظه کند که رضایی حضرت پروردگار در چه چیزی است و ببینی
حضرت احادیث چه احوال و چه اطوار و چه گفتار و بحاجان دل بکوشد و بخواست و آن عمل نماید

و عیکم لجتیه و لشناء ع ع

از بیانات شفاهیه حضرت عبد‌الله بن جابر آقا میرزا عنایت به پنگام امتحان اطفال

علیه السلام باشد. چون در جمیع مراتب سیر فرمود ملاحظه کرد که شمس حقیقت در هیکلی که از خاک و آب وجود یافته مستور و نهان است، فوجدها تغرب فی عین حمّاًه. اینست که حضرت رسول به اصحاب خطاب میفرمایند که کلموا الناس علی قدر عقولهم. حدّوهم بما یعلمون اتحبّون آن یکذب الله و رسوله.

خطابات الهیه در مدح اولوالعلم بسیار است و در امریکا در سن فرنسیسکو در مدرسه کلیه آنجا نطقی ایراد شد از جمله مضامین آن نطق این بود که سلطنت علم سلطنت ابدی است اما سلطنت سیاسی موقعی است، هر پادشاهی بمجرد فوت سراجش خاموش میشود، علمش منکوس میگردد، نجمش غروب میکند. ولکن اساطین علوم و سلاطین فنون اثرشان باقی. مثل فلاسفه که در قدیم بوده اند و دو هزار و پانصد سال یا بیشتر از زمان آنها میگذرد در جمیع مدارس علمیه نامشان بلند و بنیانشان متین و علمشان رفیع است. چقدر ملوک آمدند که جهان گیر شدند و در نهایت اقتدار، ولکن بمحض اینکه از این دنیا رفتند نه اثرب و نه ثمری و نه صیت و صدائی از آنها باقی . بكلی فانی و منعدم شدند. باری در این امر مبارک، علم رکن عظیم است. لهذا امیدواریم مدارس عالیه تأسیس شود و مکاتب در نهایت انتظام بنیان گذارده گردد و علم در این کور مبارک ترقیات نامتناهی نماید. الحمد لله در ظل عنایات مبارک در چنین سنه و سالی در وقت حرب عمومی در وقتیکه جمیع نقوص و قلوب مشغول و در نهایت

علم رکن اعظم دین است. سابقًا جمیع ملل بر این بودند که علم مخالف دین است. علم مخصوص طایفه مسیحیین. هر کس متنسک به علم میشند میگفتند از دین بیزار است مثلاً ملاحظه مینمودند که کشفیات علمیه مخالف نصوص تورات است زیرا تورات منقسم به چند قسم است یک قسمش تاریخی است یک قسم ریاضی و این از قلم عذر است نه از قلم حضرت موسی. مثلاً مذکور است که در زمین دریاست و در آسمان دریا. این در قسم ریاضی و تاریخی تورات است و هم چنین در خلقت و ایجاد بیاناتی است که مخالف اکتشافات علمیه است. لهذا حکم کرده اند که علم مخالف دین است، هر کس تحصیل علم نماید مبرای از دین است. و همچنین در عالم اسلامی میگویند مسائل دینیه جمیعاً تعبدی است خواه علم و عقل تصدیق کند و خواه نکند. مگر حزبی از احزاب اسلام مسائل دینیه را تأویل کردنده گفتند ما حکم به الشرع حکم به العقل، این هم من باب تأویل بود. اما در این امر الهی نصوص الهیه است که باید دین و عقل و علم مطابق باشند. مثلاً اگر مسئله از مسائل دیناً ثابت و عقلًاً غیر ثابت یا عقلًاً ثابت و دیناً غیر ثابت باید تحری حقیقت نمود تا این هر دو تطبیق شود، زیرا در آیات بعضی مسائل بحسب استعداد سائل و اعتقاد آن زمان نازل شده مثلاً در قرآن مسئله ذوالقرنین و مسئله یاجوج و ماجوج. چون سائلین چنین تصور مینمودند لهذا بسان تأویل بحسب افکار آنان نازل شده و فی الحقيقة مقصود از اسکندر اول من آمن است که علی

نور ظاهر فیضی از فیوضات الهیه است و تجلی از تجلیات الهیه است. چون دیدند مرکزش شمس است شمس را پرستیدند و حال آنکه اگر نور ظاهر عند الله قیمت یا مقداری داشت باید روی انسان روشن باشد نه کرم شب چراغ. اما او چون مواد فوسفوری دارد لهذا روشن است در این صورت کرم شب چراغ از انسان افضل است ابدا روی انسان مثل آن روشن نیست و این واضح است که انسان اشرف است در این صورت اگر بگوئیم که این نور ظاهر حکمی دارد این ذبایه که در شب روشن است اخّص است و انسان خاص چرا که انسان این روشنایی را ندارد. پس معلوم شد که این نور ظاهر کیفیتی است عرضیه که در اجسام نورانیه ظاهر است اما مظہر اشیاء است یعنی جمیع کائنات را آشکار مینماید. یعنی مظہر اشیاء است لکن کافش اشیاء نیست مثلاً این نوری که الان از این سراج ساطع جمیع حاضرین را آشکار مینماید و خود سراج خبری ندارد، از حاضرین غافل است، اما نور بصر مظہر اشیاء است و کافش اشیاء است.

نور بصر اشرف است از این نور ظاهري، باز نور بصر هرچند مظہر اشیاء است و کافش اشیاء است، ولکن مدرک اشیاء نیست. همین است که اشیاء را آشکار میکند و کشف میکند اما مدرک نیست. اما نور عقل مظہر اشیاء است و کافش اشیاء است و مدرک اشیاء است. این نور اشرف اثوار است، هم مظہر اشیاء است هم کافش و هم مدرک ، لکن بعد از ظهور اشیاء، اما نور حق که "الله نور السموات والارض" است زمان در آن مقام حکم ندارد. ماضی و مستقبل و حال یکسان است. این است که میفرماید "الله نور السموات والارض". این نور الهی مظہر اشیاء است. کافش اشیاء است. مدرک اشیاء است. قبل از ظهور اشیاء و بعد از ظهور اشیاء، حکم زمان در باره او مصدق نمیکند.

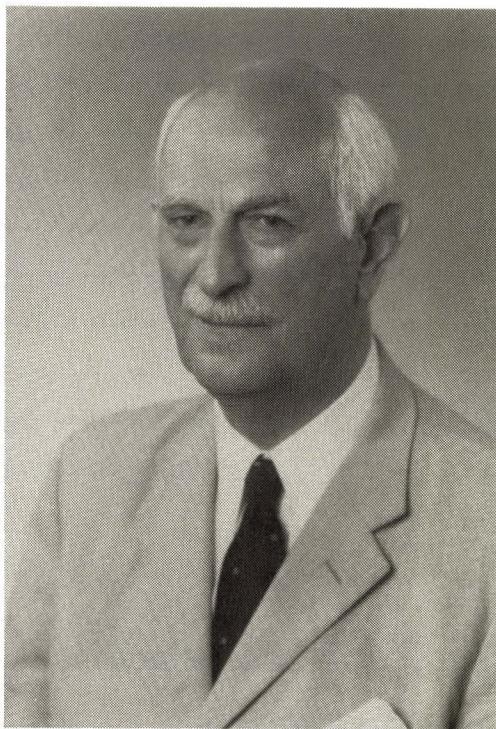
جزع و فزع، و فریاد و فغان از جمیع جهات بلند است و جمیع فرق عالم و اویلا می گویند ما در همچو زمانی در ظل مبارک محفل امتحان تشکیل می کنیم و اطفال مسائل علمیه و فنیه امتحان میدهنند، این از مواهب جمال مبارک است، امیدواریم دوام کند، همیشه در جمیع ممالک و شهرهائی که احبا هستند مجالس امتحان در نهایت انتظام تأسیس شود و در هر امتحانی اطفال بهائیان چنان اقتداری بنمایند که از جمیع تحسین بشنوند، بلکه تحسین از ملاً اعلیٰ باشند بررسد، امیدمان چنان است.

☆☆☆

از رسایت شفاهیه حضرت عبد البهاء در ساعت هشت و پنج دقیقه شب ۲ آگست ۱۹۱۹ در باعثه میت مبارک در حفظ

در کلمات الهیه ذکر نور است علمای قوم همچو گمان کرده اند که مقصود از نورکیفیت عرضیه ای است که از آفتاب سائل و عارض بر اجسام میشود که از او عصب بصر مؤثر میشود و آن مؤثر دیدن است، مشاهده است و حال آنکه این نور ظاهري عرضی از اعراض است، فضیلتی ندارد و حکایتی ندارد و فضیلتی بر سائر اعراض ندارد . اگر این نور ظاهري شأن و مقامی داشت جمادات اعظم از انسان بود، بجهت اینکه این گاز و یا شمع روشن از انسان اشرف میبود زیرا روی انسان مثل این شمع روشن نیست یا مثل این ستاره درخشش نیست. اگر این باشد اشرف کائنات آفتاب است که او مرکز نور است. عدم عرفان سبب شد که آفتاب را پرستیدند، زیرا نزد آنان این نور آفتاب خیلی رونق دارد همچو گمان میکردند که

صعود ایادی محبوب امرالله دکتر یوگو جیاکری



تاریخ امر را در دوران مجاهدات بی وقنه آن ایادی محبوب از غنای بیشتری برخوردار ساخته و بدون تردید ضامن اجری عظیم در ملأه اعلی برای آن وجود نازنین است.

محافل روحانی ملی را به اعقاد مجالس تذکر برای آن متصاعد الی الله بویژه در مشارق الاذکار به منظور تجلیل و گرامیداشت خدمات ارزنده و مقام بی نظیر آن شیدائی جمال اقدس ابھی دعوت میکنیم. ”
بیت العدل اعظم

با تأثیر بی حد و حصر فقدان دکتر یوگو جیاکری ایادی برجسته، خستگی ناپذیر، شجاع و فوق العاده محبوب امرالله را اعلام میداریم. صعود آن شخصیت جلیل القدر در جریان سفر تاریخی شان به ساموا، گوهر تازه ای بر اکلیل افتخارات مکتبه ایشان در زمان ولایت حضرت ولی محبوب امرالله میافزايد و حیات روحانی منطقه عظیم اقیانوس آرام را که قبل نیز هیاکل عنصری چهار تن دیگر از ایادیان امرالله را در برگرفته است تقویت مینماید.

موقفیتیای عظیم و مهم آن جناب در مقام عضو سیار شورای بین المللی بهائی در ارتباط با ارتفاع بنای رفیع مقام اعلی که منجر به نامگذاری یکی از دربهای آن بنامشان شد و پیشبرد و ارتقاء منافع فائقه امرالله در سطح محلی، ملی و بین المللی و موقفيت چشمگیرشان در تأسیس محفل روحانی ملی سویس - ایتالیا در آستانه اجرای نقشه جهاد کبیر اکبر روحانی و بالآخره خصائل برجسته ای چون شور و شوق، وفاداری، ثبات رأی و راه که از خصائص بارز کارنامه زوال ناپذیر خدمات دشوار ایشان است

صعود ایادی محترم و عزیز امرالله جناب دکتر یوگو جیاکری موجب تأسف و تحریر شدید این خادمان گردید.

سفر تاریخی آن برگزینه امر رحیان ب ایران وطنهاي تسویی ایشان در مجامع عمومی باران و خدمات برجسته آن نفس نفیس و اقطار جهان کرمه از آنها بواسطه دولت اسلامی همد امرالله تهیه و تضمیم شده و بنام "بیاد دوست" و صفات شماره ۹ و ۱۰ عین گراو گردیده هرگز از خاطره اه فراموش نخواهد شد.

پیام نیع مmph اعلی نماینگر مقام رفع و خدمات متازه آن ایادی برجسته امر خدا و منان میباشد، حرش در ملأه اعلی و جهودت امن شاد و روش تبانک باو، « بیت عزیز بندیب »

(بیادوست)

مُتصالع ای اسحاق جناب دکتر یوجیا کرمی در تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ بیان ایادی امانته متصوب شدند تا سال ۱۹۶۱ عضواً مُصلی شورای بین المللی بهائی بودند، در جولای ۱۹۵۳ آنها بینهاده حضرت ولی محبوب امانته ولی فرانس بین القارات استکملم (سوند) بودند در التبریزان سنه ده توکمین القارات هندستان (نیو دہلی) شرکت کردند، در سال ۱۹۵۵ غیر لیسته بین المللی رسیدیل بناگات (در سازمان ملل متحده مربوط تضمیمات و اردوه بهائیان مطبوعات) بودند، در آوریل ۱۹۵۷ بیانه مولای توانا در کانون شبه جزیره ایسلندیا، در آوریل - می ۱۹۵۸ بیانه میکل مبارک و مرکز جهانی بهائی ولی فرانس ایارات امریکا (شیکاگو) ویلت (در جولای ۱۹۵۸) در کشور فرانس بین القارات آلمان (فرانکفورت) شرکت نمودند، در سنه ۱۹۵۹ از مرکز جهانی شبه جزیره آیسلندیا - پاناما - ملزیک - هندوراس انگلیس - هائیتی جمهوری دمنیکن - جامائیکا - کوبا - پرتغال - جزائر ویرجین دیدن کردند در سال ۱۹۶۰ از یونیکو ۱۹۶۱ مجدداً بازدید کردند، در آوریل - می ۱۹۶۱ از مرکز جهانی نیکاراگوا - لواملا - استاریکا و ایالت متحده دیدن کردند و دهیم اوقات نماینده مرکز جهانی بهائی در کانون شنهاي هائیتی و نزد ملک بودند در آوریل - می ۱۹۶۲ بیانه میکرزا جهانی بهائی در کانون شهای ایطالیا دستویں این نفس نفیں عاشق شپر تقدیس شرکت کردند.

این ایادی غیر فریض المقام و ممتاز امانته و بسته دین ایهه و مروج شریعته ایهه دکتر صنایع شیعائی و بشایه همس محترم نازین و رقه منجد به خانم از رئیس اطیفه نجبا و محمد شکر ارشیع فدا کار برآزنده و جان شار مولای محبوب تو نا در ایطالیا مو تهیه سنجهاي تهیه مرمر برای ساختمان سطح خارجی مقام مقدس اعلیٰ و مدارک کا شیهای تهیه

آن طریف خاد رسماً قلیمی که سلطان آذربایجان ایمان هایت و بر سری سلطنت جا و دامن تقدیر باین متعقبت
علمی نتغیر نمود در تاریخ ۱۹۸۹. ۷. ۹ مملکت ابھی صعود نمود، آن سیم ریاض احیت بخپشان حقیقت جوع کرد و ان یا هی
تشنه لب ب ریای قدم شتافت و در بحر حمت سلطان اعمّم و محیی مردم مقرر داد می ساخت خمید فوز و فلاح در اعلیٰ قلل عالم
غصه از اخوت علمیه رضوان ایله و حسنه.

توقیر ایران ای ران با جزئ اند و فرادان مراتب تسلیت و تزیین عجیق خود را بساحت فیض محمد اعزاعیلی و حرم مبارکه امته البهاء حضرت دیلم خانم و همسران بهرامی قدسی آن مبلل فردوسی حضرات ایادی غیر زانه و جمیع احباب سراسر دنیا د جامعه لامعه موطن اعلیٰ تقدیم و از درگاه مدرس مولای کریم علوو رجات آن متعارج الی الله را خاص عناوه راجی و متسند.

کلمه و کلمات

«از جناب وکتر ایرج روحانی»

”... ای حبیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لاتحصی ...“ (۴) اهمیت کلمه الهی بطوری است که جمال اقدس ابھی میفرمایند ”... این عبد در کمال رضا جان برکف حاضر که شاید از عنایت الهی و فضل سبحانی این حرف مذکور مشهور در سبیل نقطه و کلمه علیا فدا شود و جان در بازد“ (۳)

یکی از امتیازات این دیانت مقدس در این است که بقلم مظہر ظہور و مبین آیات الله بطور صریح ، روشن و ساده به مواردی که احتمالاً سبب اختلاف در بین عقاید اهل بھاء میشود اشاره شده و جائی برای شک و شبھه و سؤوال باقی نگذاشته اند. یکی از آن موارد که از اهمیت بسیار پرخوردار است تأویل کلمات الهیه است که در اینجا اشاره به آن ضروری است .

تأویل کلمات : حضرت بھاء الله میفرمایند :

”... آنچه مقصود الهی است در الواح ظاهراً واضحًا معلوم و واضح است واحدی بتأویل کلمات الهیه مأمور نبوده و نخواهد بود ...“ (۷) در جائی دیگر میفرمایند :

”... این معلوم است که تأویل کلمات حمامات ازلیه را جز هیاکل ازلیه ادراک ننماید.“ (۳) حضرت عبدالبھاء میفرمایند .

”... هرکسی کلمه ای بدون نص بگوید اختلاف بین احباب بیاندازد. جمال مبارک این عهد را برای اطاعت گرفتند یعنی احده از خود کلمه ای نگوید، اجتهاد ننماید...“ (۷)

کلمه و کلمات در الواح مبارک مخصوصاً آثار جمال اقدس ابھی زیاد بکار رفته است . جمع آوری مطالبی در این مورد و اشاره به آنها بنظر میرسد مفید و آموزنده باشد. تفکر و تعمق در کلمات الهی و فهم و درک آنها تنها عاملی است که در سیر تکاملی بلوغ روحانی ما میتواند مؤثر و مفید واقع شود. برای سهولت در فهم و پی بردن به اهمیت کلمه ابتدا به معنی لغوی آن می پردازیم و سپس با استفاده از آثار مبارکه بحث را ادامه می‌دهیم .

معنی لغوی کلمه : هر قسمی از سخن ، کلام ، خطبه و شعر را که دارای معنی است کلمه گویند. در اصطلاح حکما ”کلمه“ واسطه فیض حضرت قدیم بالذات به حادث بالذات است و اول صادر از حق را ”عقل اولیه“

”مشیت اولیه“ و ”کلمه اولیه“ نامیده اند . اهذا مظاہر مقدّسه الهیه را به کلمه و کلمة الله تفسیر نموده اند زیرا اول صادر از ذات قدیم و واسطه فیض الهی و مظہراراده مقدّسه الهیه می باشد (۱) . کلمات که جمع کلمه می باشد در آثار مبارکه از جمله کلمات مکنونه ، کلمات عالیات ، کلمات فردوسیه بکار رفته است . نام هفتمنی ماه تقویم بھائی نیز کلمات می باشد .

اهمیت و مقام کلمه: جمال اقدس ابھی در آثار مبارکه خود و مناجاتها ، ذات باری تعالی را به کلمه قسم میدهند از جمله : ”... از یک کلمه علیا عالم وجود را موجود فرمودی ...“ (۲) ”... همه عباد تواند و از کلمه تو از عدم بوجود آمدند ...“ (۳)

عارفین معضلات مسائل الهیه جمیع در حکم یک کلمه مذکور است . چون اکثر ناس اطلاع بر مقامات مذکوره نیافته اند اینست که در کلمات مختلفه آن هیاکل متعدد مضطرب و متزلزل میشوند . باری معلوم بوده و خواهد بود که جمیع این اختلافات کلمات از اختلافات مقاماتست اینست که در مقام توحید و علوّ تجزید اطلاق ربویت و الوهیت واحدیت صرفه و هویه بحثه بر آن جواهر وجود شده و میشود زیرا که جمیع بر عرش ظهور الله ساکنند و بر کرسی بطون الله واقف یعنی ظهور الله بظهور شان ظاهر و جمال الله از جمالشان باهرو... و در مقام ثانی که مقام تمیز و تفصیل و تحدید و اشارات و دلالات ملکیه است عبودیت صرفه و فقر بحث و فنای بات از ایشان ظاهر است چنانچه میفرماید "... انى عبد الله " انا بشر مثلکم" (۲)

بيانات مظاهر ظهور :

برای رسیدن به بلوغ روحانی تنها شناخت مظاهر ظهور کافی نیست . مرحله بعدی آن تطهیر قلب است از آلودگی ها و آماده نمودن ذهن ، فکر ، اندیشه و نهایتاً وجود خود برای تشخیص ، فهم ، درک ، تفکر و اطاعت مجده از دستورات و کلمات الهیه است .

حضرت بهاء الله در یکی از آثارشان به این مطلب اشاره فرموده اند که بیانات مظاهر ظهور بدرو صورت می باشد یکی بی رمز و حجاب که فهم آن بسیار ساده است و دیگر در حالت ستر و حجاب می باشد که محکی است برای سنجش نیروی ایمان بندگان آن مظهر ظهور . میفرمایند . "... بر آتجناب معلوم بوده که اطیار هویه و حمامات ازلیه را دو بیانست . بیان پرحسب ظاهر بی رمز و نقاب و

با استناد بیانات مبارکه فوق افراد بشر در تأویل کلمات الهیه مجاز نبوده و وظیفه ای نداشته و ندارند . در مورد معنی لغوی کلمه ، مقام و تأویل آن به استناد آثار مبارکه به مطالبی چند اشاره شد اما مطلبی که حائز اهمیت است و از جان و دل همگی در جستجوی آن هستیم واقع شدن به رموز کلمات الهی است که خود طریق وصول به بلوغ روحانی است . راه رسیدن به این هدف چگونه است ؟ آنچه مسلم است برای رسیدن به این کیفیت روحانی برای همه پیروان بیک اندازه سهل نبوده و نمیتوان اصولی برای آن ارائه داد . دست یافتن و رسیدن به این مقام مسلماً نیاز به شناخت مظهر ظهور ، آگاهی به مقام و نحوه بیانات و تفکر و فهم آثار آن مقام دارد .

مقام مظاهر ظهور به تاریخ ادیان که مراجعه میکنیم متوجه میشویم که شناخت مقام مظاهر ظهور در اوایل امر برای افرادی محدود بسیار ساده و راحت بوده بطوریکه در اثبات آن جان شیرین خود را فدا نموده اند . اما در مقابل برای گروه کثیری قبول آن بسیار سخت و ناگوار بوده ، سالها وقت خود و عده دیگری را در بحث ها و ایراد ها و سوالات مربوط به مظاهر امریه گذرانده ، جنگ ها و خون ریزی هائی پا کرده و راه رسیدن به حقیقت را برای دیگران برای مدتی طولانی مسدود ساخته اند . در مورد شناخت مظاهر ظهور و مقامات آنها حضرت بهاء الله میفرمایند : "... از قبل دو مقام از برای شموس مشرقه از مشارق الهیه بیان نمودیم یکی مقام توحید و رتبه تفرید... و مقام دیگر مقام تفصیل و عالم خلق و رتبه حدودات بشریه است ... نظر باختلاف این مراتب و مقامات است که بیانات و کلمات مختلفه از آن ینابیع علوم سبحانی ظاهر میشود والا فی الحقيقة نزد

بعد علم ظاهري تدارد اين منوط بصفای قلب و تزکیه نفوس و فراغت روح است . " (۴) در جائی دیگر میفرمایند : "...در ظهور رسول روح ما سواه فداه علمای مکه و مدینه در سنین اولیه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و نفوسيکه ابدآ اهل علم نبودند بايمان فائز شدند قدری تفکر فرمائید بلل جبسی که کلمه از علم نخوانده بود بسماء ايمان و ايقان ارتقاء نمود و عبدالله ابی که از علما بود بنفاق برخاست ... اينست که میفرمایند : حتى يصير اعلام اسفلكم و اسفلکم اعلام ... " (۶)

حضرت بهاء الله بطور خيلي ساده و روان مسئولیت رشد و تکامل روحاني ما را بر دوش خودمان نهاده اند اگر کوتاهی کنیم ملامت آن بر نفس ما است میفرمایند : "...ای عباد لئالی صدق بحر صمدانی را از کنز علم و حکمت ربانی بقوه یزدانی و قدرت روحاني بپرون آوردم و حوريات غرف ستر و حجاب را در مظاهر اين کلمات محکمات محشور نمودم و ختم افاء مسک احديه را بيدالقدرة مفتح نمودم حال مع جمیع این فيوضات منیعه محیطه و این عنایات مشرقه لمیعه اگر خود را منع نمائید ملامت آن بر نفس شما راجع بوده و خواهد بود ..." (۶)

این مختصر را با زیارت بيان مبارک " سه کلمه طیبه " از کلمات مکتوفه با تمام میرسانیم :

"... ای دوستان .. جمیع در آن فضای قدس مبارک نزد من حاضر بودید و بسه کلمه طیبه تکلم فرمودم و جمیع آن کلمات را شنیده و مدهوش گشتي و آن کلمات اين بود : ای دوستان رضای خود را بر رضای

حجاب فرموده و میفرمایند تا سراجی باشد هدایت کننده و فوری، راه نماینده تا سالکین را بمعارج قدس رساند و طالبین را ببساط انس کشاند چنانچه مذکور شد و از روایات مشوفه و آيات واضحه و بیاناتی با حجاب و ستر فرموده و میفرمایند تا مغلین آنچه در قلب پنهان نموده آند ظاهر شود و حقایقشان باهر گردد . . اینست که صادق بن محمد میفرماید "والله لمحصن والله ليغربلن " اینست میزان الهی و محک صمدانی که عباد خود را با آن امتحان میفرمایند . (۳) " در جائی دیگر میفرمایند "... ای سلمان ملاحظه در امرالله نما که یک کلمه از لسان مظہر احديه ظاهر میشود و آن کلمه در نفس خود واحد بوده و از منبع واحد ظاهر شده ولکن بعد از اشراق شمس کلمه از افق فم الله بپر عباد در هر نفسی علی ما هو عليه ظاهر میشود مثلاً در یکی اعراض و در یکی اقبال و هم چنین حب و بعض و امثال آن و بعد این محب و بعض بمحاربه و معارضه قیام می نمایند و هر دو را رنگ اخذ نموده چه که قبل از ظهور کلمه با یکدیگر دوست و متّحد بوده اند و بعد از اشراق شمس کلمه مقابل بلون الله مزین شده و معرض بلون نفس و هوی . " (۵)

فهم و درک کلمات الهیه : وقتی به مقام مظہر ظهور آگاه شدیم و به نحوه و روش بیانات آن مقام آشنا گشتبیم آثار و نتایج این دو امر در زندگی و شخصیت انسانی ما منعکس میشود . در این ظهور مبارک حجاب کلمات برداشته شده و ابواب رضوان الهی در همه اشیاء مفتح گشته است لهذا فهم و درک کلمات الهیه ساده می باشد اما بفرموده حق منوط به صفات قلب می باشد . میفرمایند : "... فهم کلمات الهیه و درک بیانات حمامات معنویه هیچ دخلی

تاریخ زرین شهادت

شید محمد رحم رحیمیان علیه رضوان لہ



شرح زندگانی آن شادروان که حقاً باید در کتابی مستقل نوشته شود از عهدہ این عبد خارج است و فقط شرح مختصری از زندگانی ایشان را با استفاده از مکاتبات و ارتباط با برادر محترم ایشان جناب منوچهر رحیمیان که ایشان نیز از خدام صمیمی و وفادار امرالله بوده و هستند در اینجا می‌نویسم تا انشاء الله در موقع مقتضی شرح کامل زندگانی این شهید مجید و سائر شهدای فی سبیل الله و پروانگان شمع جمال بی مثال اقدس ابھی در تاریخ مشعشع امرالله ثبت و درج گردد.

جناب رحیم رحیمیان فرزند داود از ابناء خلیل در سال ۱۳۱۱ شمسی در شهر اراک در خانواده بهائی متولد شد و در محیط خانواده مؤمن با امرالله پورش یافت (جد ایشان حکیم رحیم در دوره میثاق بامر مبارک مومن گشت) رحیمیان در اراک و سپس در طهران بتحصیل و

"یا ابن الانسان . فکر فی امرک و تدبیر فی فعلک اتحب ان تموت على الفراش او تستشهد فی سبیلی على التراب و تكون مطلع امری و مظہر نوری فی اعلى الفردوس فانصف يا عبد " کلمات مبارکه مکنونه

شرح بسیار مختصر از حیات پر افتخار شهید سعید فی سبیل الله جناب رحیم رحیمیان

این عبد خاکسار جناب رحیم رحیمیان را می‌شناختم و مکرر ایشان را ملاقات کرده بودم مردی خلیق و مهربان و صمیمی بود ایمان بجمال اقدس ابھی و عشق و انجذاب و تمسک شدید پیوسته از الله در معاملات و معاشرتها و بطور کلی در زندگی روز مره ایشان ملحوظ و مشهود بود پیوسته عضو مؤثر تشکیلات امری بود و فعالانه برای اعتلای امر کوشش مینمود و خدمت با امرالله را بر امور شخصی مقدم و مرچح میدانست سالیان متمادی در قسمت نارمک و در دشت طهران عضو محفل روحانی بود و با افرادی پرازنده مانند جناب یوشنگ محمودی و خانم زینوس محمودی و یدالله صابریان که هرسه نفر نیز برتبه شهادت کبری نائل شدند همکار و همقدم بود و برای نشر نفحات الله و تقدیم امرالله از هیچ کوششی فروگذار نمیکرد جزئیات

ناچار به ایران مراجعت نمود و در طهران نیز از طریق سفارت هندوستان موفق باجازه اقامت در هند نگردید لهذا در طهران ساکن شد و دوباره با عضویت در لجنّه ناحیه ۷ - مشغول فعالیتهای امری گشت و خانم ایشان نیز که همیشه در خدمات امری ساعی و فعل و یار و معاضد صمیمی شوهر نیک اختر بود بسمت مساعد قبیله نارموده الهیه سعیده شهیره سرکار خانم رینوس محمودی انتخاب گردید و بخدمات فعالانه خود ادامه داد در موقع شروع انقلاب ایران و شدت تضییقات و مشکلات برای احبابی مظلوم رحیمیان بعضویت لجنّه ملهوفین انتخاب گردید و چون پس از مراجعت از هندوستان کار و شغلی نداشت لهذا تمام اوقات خود را در خدمات امری و مساعدت و دلجوئی از ملهوفین مظلوم صرف میکرد و احبابی مظلوم که بعلت صدمات و لطمات و غارت اموال و تهاجم بیرحمانه معاندین ناچار بطران میرفتند اکثراً بمنزل رحیمیان مراجعه میکردند و از طرف این زن و شوهر با کمال صمیمیت و مهربانی پذیرفته می شدند و مورد پذیرائی و دلجوئی قرار میگرفتند از موقعی که بعلت شدت تضییقات و فشار دولت ارتباط مکاتباتی محفل مقدس روحانی ملی ایران با محافل محلیه شهرستانها غیر ممکن شد رحیمیان بسمت پیک در خدمت محفل ملی قرار گرفت و دستورات و راهنماییهای لازمه را بشهرستانها می برد و تا روزی که دستگیر و زندانی شد این وظیفه روحانی را نیز بعده داشت تا اینکه در ساعت ۷ بعد از ظهر روز چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ چند نفر پاسدار بمنزل ایشان آمده و همه جای منزل را تقطیش کردند و در حدود پانصد جلد کتاب و نشریات امری و تعدادی شمایل مبارکه را با خود رحیمیان از منزل برداشتند و گفتند پس از چند سوال یا امشب و یا فردا صبح ایشان را برミگردانیم ولکن دیگر هیچ وقت ایشان را آزاد نکردند و چون فامیل ایشان بكمیته اسلامی مراجعت و پرسش کردند جواب دادند ما فقط

کسب معارف امری در کلاس‌های درس اخلاق و استفاده از محضر اساتید و افضل بهائی پرداخت و از همان اوan کودکی و نوجوانی در تضییقات و آزار و اذیتهای که توسط معاندین بخانواده ایشان وارد میشد ناظر و سهیم بود او نظر بعلقه ای که بکارهای فنی داشت چندین سال در قسمتهای مختلف از جمله در شرکت مهندس سیروس ارجمند کار کرد و در سال ۱۳۶۶ که در نارمک طهران شروع پشهر سازی شد و محفل مقدس روحانی ملی ایران آن محل را نقطه مهاجرتی اعلام فرمودند ایشان با والدین خود در نارمک مستقر شدند و رحیم بعضویت محفل روحانی آنجا مفتخر گردید و پیوسته یکی از اعضاء مؤثر و فعل آن محفل بود و تنفیذ و انجام اکثر مصوبات محفل روحانی را بعده میگرفت و اغلب نماینده محفل روحانی نارمک در هیئت بلوکی و لجنّه نشر نفحات الله بود و در لجنّات دیگر هم بعضویت داشت منزلش مرتبأ محل تشکیل جلسات امری و بیت تبلیغی بود در سال ۱۳۴۰ - کارخانه پلاستیک سازی دائز کرد ابتداء یکسال با برادر خود منوچهر رحیمیان و سپس مستقلأ در طهران و بعد در نارمک مشغول کار شد در سال ۱۳۵۰ قسمت امری دردشت از نارمک جدا و مستقل گردید چون منزل رحیمیان در قسمت دردشت بود بعضویت محفل روحانی آن محل انتخاب و بخدمات فعالانه امری خود ادامه داد پس از مدتی بعضویت لجنّه ناحیه طهران انتخاب گردید و فعالیتهای امری ایشان از محدوده دردشت در سطح ناحیه گسترش یافت در سال ۱۳۶۳ با خانم آفاق مرادعلی ازدواج کرد و ثمرة این ازدواج دو فرزند پسر بنامهای کیوان و کامران میباشند که بفضل جمال مبارک از لحاظ ایمان مصدق الولد سرّابیه هستند در سال ۱۳۵۶ کارخانه پلاستیک سازی را جمع کرد و بقصد مهاجرت عازم کشور هندوستان گردید و در شهر کوچکی بنام اجمیر ساکن شد و مدت هشت ماه در آن شهر مقیم بود ولکن با وجود تلاش زیاد موفق باخذ اجازه اقامت نشد و

جسمًا ضعیف شده که دوستان بهائی ایشان را نشناختند همان جوان اظهار داشته که رحیمیان همه روزه ساعت چهار بامداد از خواب بر میخیزد و ساعتها مشغول نماز و مناجات میشود بالاخره یک روز چند نفر پاسدار اسلامی بمنزل رحیمیان آمده و تمام اثاثیه منزل را با لیستی که قبلًا تهیه کرده بودند مقابله میکنند و بعد همسر و دو فرزند او را بالباس تنستان از منزل بیرون میکنند و منزل و اثاثیه را مصادره میکنند در روز ۲۷ اسفند ماه بمنزل یکی از برادران تلفن میکنند و میگویند با رحیم صحبت کنید از قضا همسر و دو فرزندشان هم آنجا بودند و با صدای خیلی ضعیف که نشان دهنده شکنجه های سخت بوده خیلی مختصر احوال پرسی میکند و تلفن قطع میشود و این آخرین مرتبه بود که صدایش را شنیدند. از چند روز قبل از شهادت همسر و فامیل خواهائی می دیدند که علامت شهادت رحیمیان بود و مکرر بدفتر زندان مراجعه میکردند و جواب منوع الملاقات میشنیدند تا در شب ۱۹ فوروردین ماه ۱۳۶۳ خوابی دیدند که کاملاً حاکی از وقوع شهادت بود بدفتر زندان مراجعه کردند و با اصرار و التماس زیاد فقط شماره تلفنی داده شد و گفتند باین شماره تلفن کنید بپرسید خانم رحیمیان چندین مرتبه با شماره مذبور تلفن کرد تا یک مرتبه متصدی مربوطه سؤال کرده بود که جرم او چه بوده؟ جواب داده که چرمی نداشته فقط بنام بهائی او را دستگیر کرده اند و مدت یک سال است که در زندان میباشد و در این موقع خانم رحیمیان خیلی اصرار و خواهش میکند که حقیقت را هرچه هست بگوئید متصدی زندان میگوید بلی چون او بهائی بود و هرچه کردند ارشاد نشد لهذا او را اعدام کردند فوراً فامیل رحیمیان به دفتر بهشت زهرا که گورستان مسلمین است مراجعه میکنند نام رحیم رحیمیان در دفتر ثبت شده بود و لکن محل دفن معلوم نشد بهرحال وقوع شهادت ثابت گردید احیای الهی با شنیدن این واقعه تا چند روز مرتباً

مامور بودیم ایشان را دستگیر کنیم و تحويل پنهان و بیش از این خبری نداریم و با همه تلاش و کوشش که همسر و خواهر و برادرها کردند تا دو ماه هیج اثری از رحیمیان بدست نیامد تایک روز از زندان گوهر دشت اطلاع دادند که رحیمیان در این زندان است برایش پول و لباس بیاورید و فقط در مدت یک ماه دو مرتبه اجازه ملاقات بفamilی داده شد که طبق اطلاع آنها جسمًا خیلی ضعیف ولکن از لحاظ روحیه بسیار قوی و پایدار بود و مکرر میگفت برای استقامتم دعا کنید و پس از این مدت یک ماه مجددًا منوع الملاقات گردید در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۶۲ رحیمیان را بمنزل پرادرانش بردن و منازل را نفتیش کردند هرچه کتب و نشریات امری و هرچیز دیگر را که دلشان میخواست بردن و چند روز بعد او را بمنزل خودش بردن و با حضور مادر و همسر و فرزندانش تمام اموال و اثایه منزل را صورت برداری کردند و خیلی توهین و تهدید کردند که ایشان را بتبری از امرالله وادار کنند ولکن همه آزار و شکنجه های زندان و توهین و تهدید هیچکدام کوچکترین تزلزلی در ایمان و ایقان و اطمینان خاطر و عشق و علاقه این مرد پاکدل وقوی الاراده نسبت با مر اعز ابهی ایجاد نکرد و کماکان ایمان و اعتقاد و ثبات قدم خود را نسبت بدیانت مقدس بهائی اظهار نمود و این جریان که سه ساعت طول کشید آخرین ملاقات رحیمیان با عائله خودش بود و او را مجدد بزندان بردن و منوع الملاقات بود ضمناً در مدت زندانی بودن رحیمیان عائله ایشان را نیز مکرر آزار و شکنجه روحی میدادند بدین طریق که اغلب تلفن میکردند رحیمیان را اعدام کرده اند بیائید لباسهای او را تحويل بگیرید وقتی مراجعه میکردند مأمورین زندان منکر تلفن میشنند یک روز یکنفر از جوانان بهائی که از زندان اوین آزاد شده بود بمنزل رحیمیان آمده و گفته بود که رحیمیان را بزندان اوین منتقل کرده اند و بقدرتی از شدت شکنجه و آزار



شید محمد جدید الله اشرف علیه رضوان لله

جناب جدید الله اشرف فرزند "زائر خوش الحان" میرزا فضل الله خان و ربانی خانم در نوروز سنه ۱۳۰۴ شمسی در قزوین متولد گردیدند. پدر، مباشرت قریه قدیم آباد را بعده داشت و نام ایشان را جدید الله گذاشت تا قدیم آباد جدید آباد گردد. خداوند به میرزا فضل الله خان و ربانی خانم یک پسر دیگر بنام "نجات الله" و یک دختر بنام "نجاتیه" عطا کرد، نجات الله در کودکی و نجاتیه در سن چهل سالگی در سنه (۱۳۴۹) شمسی به ملکوت ابی صعود نمودند و میرزا فضل الله خان نیز در حالیکه جدید الله فقط ده ساله بود بعالی بالا صعود نمود و او را با مادر و خواهر کوچکتر (نجاتیه) در این دنیای بیکران تنها و بی سرپرست گذاشت.

جناب جدید الله اشرف سینین صباوت و نوجوانی را با همه سختی های مرتقب بر فقدان پدر در آغوش مادر مُمن ، فداکار و مهربور در قزوین گذراندند و در عین تحصیل به کارهای مختلف اشتغال ورزیده در عین حال از فرا گرفتن معلومات روحانی و شرکت در کلاس های معارف امری غفلت نورزیدند. مخصوصاً از محضر مریبی بی نظیر و معلم پر تدبیر جناب ابوالقاسم فیضی (ایادی امزالله) فیضی موفور بردند. در حقیقت سنگ اول بنای وجود روحانی ایشان را (بعد از پدر و مادر مُمن) آن معمار پر شور و حوصله بنهایت اتقان نهاد و سپس استادانی چون فاضل مازندرانی ، اشراق خاوری و عباس علوی اعلی الله مقاماتهم هر یک بهم خود سعی در تحکیم آن بنا نمودند و استعداد فوق العاده آن جوان زحمات اساتید را ثمر بخشید. از این جهت آن صخره صماء تا طاق ثریا سرفراز و گردنشان بالا رفت "هل من ناظر ینظرفی " گویان " بكمال رضا به

میرزا فضل الله خان پسر میرزا اشرف کندي بزاده ملا مهدی کندي و ملا باقر شهادت رسیدند و هر دو در قلعه طبرسی پدرجه شهادت رسيدند و شرح حیات ایشان در صفحه ۲۱۳ تاریخ ظهور الحق بخش سوم مندرج است. میرزا فضل الله خان بحضور حضرت مولی الوری مشرف و تمثی شهادت از حضور مبارک مینما يد که به عز قبیل فائز نکشته و به اظهار عنایت مفتخر میگردند، لهذا در مراجعت بایران در مقابل تهدید اعداء با کمال اطمینان میگویند " نه شما دارای چنین شهامتی هستید و نه من واجد چنین لیاقتی که در راه این امر عظیم شهید گردم".

از اردیبهشت ۱۳۴۶ تا آذر ماه ۱۳۵۴ مدت ۹ سال در طهران ویلا اقامت نموده همیشه عضویت محفل روحانی آن محل را دارا بودند در یکی از کانونشن های ملی که بعنوان نماینده از محل خویش شرکت داشتند بنا به تأکیدی که بر خروج از طهران و توطّن در ولایات بود تعهد کردند که از طهران خارج شوند، بوعده خود وفا نموده به تبریز رفته مدت دو سال و نیم از آذر ماه ۱۳۵۴ تا خردادماه ۱۳۵۶ در آن شهر اقامت نموده قائم بخدمات امری بودند. در خردادماه ۱۳۵۶ به قزوین آمدند بنا به نیازی که به مهاجر در شهر صنعتی قزوین بود در آنجا سکنی گزیدند و تا روز ۲۱ فروردین ۱۳۶۱ مدت ۵ سال در نقطه مهاجرتی ساکن و همیشه ریاست محفل آن محل را عهده دار بودند. بقدرتی حُسن خدمت و صداقت و امانت نشان دادند که بیگانه و خویش شیفته ایشان شد و تا روزی که گرفتار سجن شدند همچنان مشغول کار بودند.

وقتی در روز ۲۱ فروردین ۱۳۶۱ شمسی مطابق با دهم آوریل ۱۹۸۲ میلادی بهمراه سایر احبا مسجون شدند چند نفر از همکاران غیر بهائی برای استخلاصشان خیلی تلاش کردند ولی موفق نشدند. مدت ۳ ماه در زندان بودند و در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۶۱ شمسی مطابق با ۹ جولای ۱۹۸۲ میلادی مقارن با یوم شهادت حضرت رتب اعلی روح ماسواه فداء (بتاریخ میلادی) ترک ماسوی الله نمودند بکمال چرئت و جسارت سینه بی کینه را آماج تیر بلا تموده در راه دوست هستی خویش را فدا نمودند و سرافراز و شادمان برفیق اعلی پیوسته در ملکوت ابھی داخل گشتند. در زندان این دو بیت شعر را از ابو سعید ابوالخیر در دفترچه یادداشت خود مرقوم فرموده اند:

آنکس که ترا شناخت جان را چه کند؟
فرزنده عیال و خانمان را چه کند؟

مشهد فدا در سبیل دوست یکتا " من دون خوف و هراس شتافت " از کأس عرفان ، زلال محبت رحمن " را بیاشامید و " از ایثار جان در سبیل چانان محزون نگردید".

از شدت خضوع و خشوع کمتر نفسی متوجه میزان معلومات امری و استعدادهای بی نظیر ایشان میشند معلم کلاسهای دوازدهم و عالی درس اخلاق بودند و شاگردان بسیاری تربیت کردند هم مرتبی بودند و هم معلم ، روش زندگی و رفتار و اخلاق ایشان سرمشق شاگردان بود. به زبانهای فارسی ، عربی و انگلیسی مسلط بودند، خط خوشی داشتند ، بتمام دستگاههای موسیقی اصیل ایرانی وارد بودند و تار و ویلن را بخوبی و شیرینی مینواختند. لحن خوشی داشتند و الواح و مناجات را بنحو بسیار مؤثری تلاوت مینمودند. بسیار بدیهه گو و شیرین سخن و مزاح بودند ولی هیچگاه از حَد ادب خارج نمیشدند. خیلی بلند نظر و منبع الطَّبْعِ و سخّی و بخشنه و رئوف بودند. سکون و قراری داشتند که از ایمان عمیق ایشان سرچشمeh میگرفت. هرگز کره و کدری از کسی بدل نگرفتند ، بعكس معامله میکردند هرچه جفا بیشتر میدیدند وفا بیشتر مینمودند. هیچکس را نمی شناسم که از ایشان کدورت و یا حتی گلهای داشتباشد. بسیار مظلوم و متحمل بودند، در محل کار در طهران خیلی ظلم دیدند ولی بعكس معامله کردند. در صداقت ، امانت ، درستی و راستی زبانزد خاص و عام بودند و همه بر پاکی ایشان گواهی میدادند. به تنهائی طبق شهادت مسئولین مربوطه کار پنج نفر را بخوبی انجام میدادند و عامل به بیان مبارک بودند که اگر کار با اخلاص انجام شود حکم عبادت دارد. از ابتدای جوانی در طهران مشغول بخدمات امری بودند در کمیون احتفالات جوانان طهران برای جوانان و در لجه مخصوص اماء الرحمن برای ترقی نسوان خیلی زحمت کشیدند.

دیوانه کنی هردو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند؟

بزرگوار بعنوان یکی از شیدائیان پرشور و حال
جمالقدم و اسم اعظم پشتوانه خدمات آتیه آنان
بامر مبارک بوده روح پر فتوح آن مظلوم از افق
اعلی و عالم بالا ناظر بر احوال عائله خویش بوده
و آنان را مساعدت و یاری خواهد نمود.

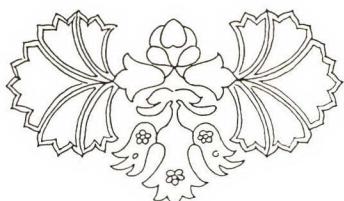
برای اینکه قارئین محترم این سطور بهتر به
روحیات ایشان و طرز تفکرشنان نسبت به امر
مبارک واقف گردند ذیلاً قسمتی از یکی از نامه
های ایشان را که در سالهای اخیر جهت این
عبد ارسال فرموده اند نقل مینمایم :

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰ در هر حال تا بحال که
الحمد لله گذرانده و بعد هم به مشیت الهی
خواهیم گذراند بفرموده حافظ :

گر تیغ بارد از کوی آن ماه
گردن نهادیم الحكم لله

در همین نامه پس از شرح شهادت شهدای یزد
مینویسند:

اینان تاج افتخار بر سر نهادند و خاطره
شهدای سبعه طهران و اراک و هرمزگ را دوباره
تجدید نمودند و سبعه دیگری بر سبعثات قبل
افزودند... البته این مختصراً از این حکایت
بود یقیناً تاریخ مشعشع امر با خطوطی زرین شرح
این ماجرا را در آینده نزدیک خواهد نکاشت
تا آیندگان نیز چون ما داستان عشق و فدایکاری
این دلدادگان را بخوانند و از بیقراری و
شیفتگی آنان آگاهی یابند.



باری حیات ۵۷ ساله ایشان که مشعون از خدمت
، وفاداری، صداقت و امانت بود به اکلیل
شهادت مکمل و به تاج رضای الهی متوج گردید.
دقایقی قبل از شهادت در وصیت نامه خود
بنها یات قوت و استقامت مرقوم فرموده اند:

عزیزانم از حادثه ای که پیش آمد و بالاخره
منجر باudام این مسکین گردید ناراحت و
اندوهگین نباشد یقیناً بدانید که اراده متعالیه
حضرت بهاء الله بر این تعلق گرفته بود که چند
قطره خون این ناچیز را فدای سقايه شجره امر
نازنینش بنماید و این خود خیر محض و مایه
افتخاری بس عظیم در خانواده است

جتاب جدیدالله اشرف حدوداً در سن ۲۷ سالگی
با سرکار خانم فاطمه اشرف فرزند متصاعدالی
الله جناب عطاءالله اشرف که پسر عم و شوهر
حاله ایشان باشند ازدواج و از این اقتران
مبارک سه پسر و دو دختر پا بعرصه وجود
گذاشتند . یک دختر ایشان بنام لادن در سن
پنج سالگی بر اثر عارضه منازیت بملکوت ابی
صعود نمود. دو پسر بزرگتر ایشان جنابان
شروین و شیدان اشرف تحصیلات عالیه خود را
یکی در رشته مدیریت بازرگانی و دیگری در
رشته مهندسی الکترونیک با تمام رسانیده بهمراه
همسران و فرزدان خود در حال حاضر (سنه
۱۹۸۲ میلادی) در افريقا مشغول بخدمت
پاستان مبارک میباشند. دختر ایشان دوشیزه
شیمن اشرف و پسر دیگرشنان جناب شاهین
ashraf بهمراه مادر مهربان و مظلوم بنها یات
شهامت و اطمینان و استقامت این رزیه عظمی
را از نزدیک ناظر و شاهد بوده صبر و
استقامتی از خود ظاهر نمودند که سزاوار چنین
عائله مبارکی است. یقیناً نام همسر و پدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و مکان و مدت

خانه امیر به بیشتر از هشت
و هشتاد و سی هزار پسر و دختر داشت
و ملکه آن خانه نمایند
خشت دست رفت و لر روح خان
خانه امیر به مهر
آن زیارتگاه پیمان خدا
زیارتگاه ولهمس بر زمین صوف
سعده خانه عقر
عقر خانه که هر یک هزار فلامکو شد خانه مهر سعده
سعده خانه که هر یک هزار فلامکو شد خانه مهر سعده
هزار آن روح زرفت
دست بیانگر آن شعله فرد از ترکی

بهره ذات زریل آن خانه حق
نور ز محمدرش در دل عشق سفت
شد چنان دل پنهان خدا
تاره همچ وصفا پیمانه
با بخشند بسیار لذت
همست انگارند هر شمند ندا
ما همانند ولایت و ملکه هم
عشق در در بکھار آموزد
غزد لام مند پیک خشنده را در
علم رساند ز محسره وفا
پیام علوت برسته نویه
عشق دایران مسید

از جناب ہم ند فتح عظیم

عطر دشیشہ ٹیٹھے چون شکست
عطر ابادم صبا پوست

خاور و باختصار معلت شد
مشک اذ فر و باغ پرور شد

نکست دل نواز دل پرداز
کرو پروا ز از دل شیراز

شد مشام جهانیان خوشبوی
از نیسمی که آمد از آن کوئی

خرم آن دل که بُوی جانان یافت
وزدم روح بخش او جانان یافت

مقدم عشق بود و مرکز نوز
مشعل پر فروع آتش طور

مبطب و حی و مخزن اسرار
منع فیض و مطلع انوار

عنصر ش ارز خاک بود و رخشت
داشت بُوی خوش فضای هشت

گرن بید ادخلن ویران شد
عطر او منتشر به کیهان شد

نفحہ اش جان به مردگان بخشید
رس تیختری نمود و روح میشد

مرحب ای جیل محمودی
ای که پویسته در نظر بودی

دوستی کردی و صفا کردی
از سر لطف یاد ما کردی

نامه نامیت ز راه رسید
پر ز آیمان عشق بود و امید

ذکر آن حن نه مبارک بود
آنکه بر فرق چیخ تارک بود

خانه نه آشیان طیر بقا
شرق آفتاب صبح لفت

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

۱۰ شهر العزّة ۱۴۶
۱۷ سپتامبر ۱۹۸۹

Department of the Secretariat

هیئت مجله تحریریه مجله عندلیب دامت تائیداتها

با تقديم تحييات بهائي . بيت العدل اعظم الهي مقرر فرمودند اعلان
ضميه که حسب هدایت ساحت رفيع تهیه شده است در آن مجله شريفه هراري
اطلاع عموم دوستان الهي درج گردد.

معهد اعلى مؤيد توفيق آن ياران و ياوران امر حضرت رحمن را در
نشر آثار الهي و اعلان حقائق روحانيه امر حضرت رب البريء رجا فرمایند.

با تقديم تحييات
از طرف دارالافتاء بيت العدل اعظم

مُؤسِّس

من اطلاعیه

اختيار دارند آن اطلاعات را بصورت شجره نامه
ای مدون و یا بصورت یاد داشتهای متفرقه
مرقوم فرموده و باساحت اقدس بيت العدل اعظم
ارسال دارند. مقصود اينست که متدرجًا
اطلاعات جامع و دقیقی از نسبت ها و بستگیهای
خانوادگی گذشتگان با نسل حاضر جمع آوري
شود تا بر مبنای آن بتوان افراد مذکور در
آثار بهائي را شناسائي و نيز شجره نامه خاندان
هاي بهائي را تنظيم نمود.

اميده است دوستان عزيز اين تقاضا را بنظر
مرحتم ملاحظه فرماسد و بعال گوناگون خدمت
خود را بي اهميت نشمارند و از اجرای اين وظيفه
و جданی دریغ نفرمایند.

از دوستان تقاضا ميشود شرح زير را ملاحظه
فرمایند

دائره مطالعه نصوص و الواح که در ظل هدایت
بيت العدل اعظم الهي بتحقيق و تتبع در آثار و
الواح مباركه مأمور است بمنظور تكميل اطلاعات
در باره تاريخ امر بشناسائي افراد متقدمين
احباء نيازمند است زيرا باين وسiele است که
میتوان افراد مذکور در الواح و آثار مباركه را
شناخت و وقایع تاريخی را توضیح و تشریح
کرد.

تقاضا اينست که اگر دوستان راستان راجع به
اجداد خود و يا ديگر افرادي که نامشان در
آثار مباركه بهائي مذکور گشته اطلاعاتی در

پاسخ

«ارجحات بیشترین طرز»

را به قبول و تبعیت گفته های موسی ، مسیح یا محمد دعوت میکنم و خود من در نظر شما در زمرة کسانی قرار گرفته ام که کورکرانه و بدون تعقل هرچه را گفته اند می پذیرند و تبعیت مینمایند و تا ابد آنرا معتبر میشناسند.

من در نامه قبلی فقط سعی کرده بودم تفاوت دیدی را که نسبت به چند موضوع بین من و شما وجود داشت توضیح دهم و مطلقاً نیت من آن نبود که شما را به اسلام یا دیگر ادیان عتیقه عهود گذشته معتقد و پای بند کنم چون خود من مطلقاً پای بند آنها نیستم. در آن نامه سعی کردم نشان بدهم که وقتی اجتماع بشری از یک مرحله خاص مربوط به یک زمان خاص گذر کرد و به مرحله تازه قدم گذاشت تمام روابط و ضوابط و قوانین و مقررات مربوط به آن مرحله خاص بلا اثر و فاقد فایده و ثمر شده و منسخ میگردند و قوانین و مقررات تازه که موافق آن مرحله تازه است جایگزین آن قوانین نسخ شده میگردد. بصراحت اشاره کرده بودم که ادیان گذشته برای زندگی امروز بشر نارسا و بی اثر و ثمر هستند و تبعیت از آنها جز عقب افتادگی، فساد و تباہی چیزی بیار نمیآورد. متأسفانه سوء تفاهی که صد درصد معلول ناقص نوشتن خود من بود باعث شد که شما تصور کنید که نیت من توجیه فعالیت پیروان ادیان عتیقه بخصوص دین اسلام در زمان حاضر است و دارم شما را تشویق میکنم که کور کرانه و بدون تعقل هرچه را گفته اند بپذیرید و تبعیت نمائید و تا ابد آنرا معتبر بشناسید. بقول طرفا زبانم لال و دست و قلم شکسته باد اگر چنین نیتی میداشتم. خیر قربان

سرور گرام و دوست بسیار عزیز: نامه ارسالی رسید و معلوم شد که در بیان مطالب و تشریح موضوعات بسیار ناقوان و بی تجربه میباشم. من سعی کرده بودم توضیح دهم که انبیاء برای مأموریت خاصی در طی زمان خاصی مبعوث میشوند و شما مرقوم فرمودید که (آیا محمد ادعا نکرد که خاتم النبیین است و تکالیف بشری را برای همیشه در کتاب قرآن روشن و مشخص کرده است) . من سعی کردم توضیح دهم که گفتار و رفتار پیامبر ها در ارتباط با سطح فرهنگ و فهم مردمان آن زمان بوده است و شما به سوره های مکی و مدنی و تغییر لحن آیه های قرآن اشاره میفرمائید. من از قطعیت ارتباط پیامبران با یک منبع مافوق بشری صحبت کردم و شما مرقوم میفرمائید که (با شما موافق نیستم که منبع ما فوق بشری که تحت کلمه خدا خلاصه میشود وجود دارد. خدا زائیده فکر بشری است و بس !) و در قسمت آخر نامه ذکر میفرمائید که (اکثریت پیروان ادیان دسته دوم را تشکیل میدهند که نماز و روزه آنها ترک نمیشود ولی دروغ و دو روئی و ریا کاری را در مواردی که بصلاحشان باشد تعویز میکنند، ربا میخورند و کلاهبرداری میکنند و با رفتن زیارت و حج و قربانی کردن گوسفند و یا بر آوردن نذر و نیاز حساب گناهان و خطای کاریهای خود را تسویه شده میدانند). و در قسمت دیگری از نامه مرقوم فرموده اید که (من حاضر نیستم کورکرانه و بدون تعقل هرچه را گفته اند بپذیرم و تبعیت نمایم و تا ابد آنرا معتبر بشناسم) کوتاهی گفتار و ضعف انشاء من تا آنجاست که شما تصور کردید که من شما

نفی کنم و عمیقاً به آنها معتقدم. از صمیم قلب هم سپاسگزار تقدیر یا تصادف هستم که در یک خانواده بهائی بدنسی آدم و شانس گرفتن این تعلیمات را داشتم. من اگر در یک خانواده یهودی بدنسی آمده بودم احتمالاً حالاً یک یهودی یا یکنفر مخالف ایده آلیسم بودم چون خودم را میشناسم و میدانم که جزو آن دسته افرادی که چون شما ذاتاً و در اثر دانش و بیشن واقعی مراعات اصول اخلاقی و انسانی را که مورد تائید و قبول همگان است میکنند و احتیاج به تعلیم این اصول ندارند، نیستم. نبوغ ذاتی جهت فهمیدن این اصول ندارم و محتاج تعلیم بودم و هنوز هم هستم. باری در همان سنین کودکی جملات کوتاهی که به من و سایر همکلاس‌های من تعلیم داده شد شامل مسائل مختلفی بود که از طرف معلم توضیح داده میشد و بعد مورد بحث آزاد قرار میگرفت. در طی ساعات کلاس محیط حاکم بر این مذاکرات و تعلیمات برای من جالب بود. ما میباید میفهمیدیم که چه میشنویم و آنرا تجزیه و تحلیل و خوب و بد میکردیم. وقتی جواب میگفتیم باید با همان درک بچه گانه دلیل میآوردیم که چرا نظافت پهتر از کثافت است. اصل مورد نظر در این تعلیمات این بود که انسان باید متحری حقیقت باشد، باید جستجوی حقیقت نماید، باید فکر کند بفهمد و قبول کند. نباید تعبدی چیزی را قبول کرد و کورکرانه بدنیال کسی یا چیزی رفت. به من توضیح داده شد که در امر بهائی کشیش و خاخام و ملا و آخوند نیست. همه سواد دارند و باید داشته باشند. کتابهای امری هم فراوان و در دسترس است. هر کس باید خودش مطالعه کند خودش بفهمد و اگر پسندید عمل کند. هر کس باید تحری حقیقت نماید. کسی را بدلیل اینکه پدر و مادرش بهائی هستند بهائی نمی‌شناسند مگر اینکه بعد از بلوغ شخصاً با تکاء مطالعات و تحقیقاتی که کرده خود را بعنوان بهائی تسجیل نماید و بخواهد که عضو جامعه بهائی باشد.

هیچکدام از ادیان یهود، مسیحی، اسلام، زرتشتی، بودائی و مذاهب منشعبه از این ادیان در حال حاضر مفهوم و معنای ندارند و تبعیت از آنها مایه فساد و تباہی اجتماع است. بحث و مذاکره راجع به آنها هم به نیت توجیه و انطباق آنها با زمان حاضر عملی ابهانه و بیمعنی است. کدام آدم عاقلی در دوران دانشکده جزو ها و کتابهای کلاس سوم ابتدائی اش را به نیت چیز یاد گرفتن بررسی و مرور میکند؟

از این بدتر آن بود که از نامه شما اینطور استنباط کردم که از دید شما حالا جزو پیروان ادیان محسوب هستم که اکثریت آنها نماز و روزه شان ترک نمیشود ولی دروغ و دوروثی و ریا کاری را در مواردی که به صلاحشان باشد تجویز میکنند. ریا میخورند و کلهبرداری میکنند و با رفتن زیارت و حج و قربانی کردن گوسفند و یا بر آوردن بذر و نیاز حساب گناهان و خطاکاریهای خود را تسویه شده میدانند. حالا این را چگونه جبران کنم؟ از نظر شما به عقاید سخیفانه مذاهب عتیقه آلوده شده ام و حالا باید سعی کنم خودم را تطهیر کنم و سر و روی آلوده را پاک نمایم. خود را تبرئه کردن عمل آسانی نیست و من به آن هیچوقت رغبت نداشته ام اما در این مورد چاره ندارم که خودم را تبرئه کنم و برای اینکار برای شما بازگو کنم در حالیکه فکر میکنم با این عمل که یک خود خواهی ابهانه است فقط وقت شما را تلف خواهم کرد اما با تکیه بر صیر و تحمل و لطف و شکیباتی شما این کار را میکنم. بد نیست بعنوان سیر در افسس و آفاق بدانید دیگران چگونه فکر میکنند.

من از بچگی یعنی شش سالگی به کلاس‌های درس اخلاق بهائی رفتم و تعلیماتی را آموختم که هنوز پس از ۶۵ سال عمر هیچکدام آنها را نمیتوانم

امیدوارم با این توضیحات حالا مرا از زمرة آن قبیل دین داران که نماز و روزه شان ترک نمیشود ولی دروغ میگویند و دوروئی و ریاکاری میکنند، ربا میخورند و کلاهبرداری میکنند خارج کنید و الطاف دیرین و حسن نظر قدیم را (اگر بوده) شامل حالم دارید.

در مورد خدا هم به من تعليم داده شد که نیروی متفوق بشری وجود دارد که احتمالاً مبدأ همه چیز است و آنرا خدا (خودآ - خودآمده) نامیده اند و این همانست که یک عدد دیگر آنرا بعنوان طبیعت ذیشور میشناسند. این نیروی متفوق بشری چون محیط بر همه هستی و احتمالاً موجود همه هستی و وجود است فهم ما از درک مشخصات آن بعلت رابطه خالق و مخلوق یا محیط و محاط عاجز است بنابراین هر تعریفی برای او کفر و بی معنی است. در ضمن توضیح دادند که اگر کسی او را با کلماتی از قبیل مقدار و توانا، عادل، مهربان ، کریم و امثاله توصیف کند فقط برای آن است که ذکر شده باشد که این نیروی محیط بر همه چیز عاجز، ظالم ، کینه توز و بدخواه نیست نه اینکه صفتی برای او ذکر کرده باشند زیرا این صفات در مغز کوچک ما و در دنیای سه بعدی و محدود ما مفهوم دارند نه در خارج از آن. بزرگتر که شدم آموختم که تعریف و توضیحی که برای خدا میدهنند سمپولیک و در حد فهم و درک بشری است. آنهم در حد درک آدمی که اصرار دارد چیزی از خدا برای او بگویند و او بفهمد که خدا چیست . عطف به مرقومه شما چنین خدائی البته زائیده فکر بشری است. در همان دوران با مطالعه کتب فلاسفه و طرفداران و مخالفین وجود خدا (تا آنجا که در دسترسم بود) باین نتیجه رسیدم که چیزی هست اما کسی نمیداند که چیست و کاری میکند اما کسی نمیداند که چه میکند و این حد شناسائی ما به آن نیروی محیط بر همه چیز یا خالق است.

در این جامعه هم هیچ فردی بر فرد دیگری رجحان و مزیت ندارد. با توجه باین آتسفری که حاکم بر محیط مطالعاتی کلاسهاي درس اخلاق من بود قطعات دلنشیینی از دستورات اخلاقی و اجتماعی که چکیده تعلیمات پهائی است آموختم که هنوز هم تا حد مقدور حاکم بر رفتار و گفتار من است. یاد گرفتم که "زبان برای ذکر خیر است آنرا به گفتار رشت میالاید." یاد گرفتم که "راست گو و کفر گو بهتر از آنست که کلمه ایمان بر زبان رانی و دروغ گوئی . " یاد گرفتم که "محبت نور است در هر خانه پتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید." تا توانید خاطر موری میازارید چه جای انسان و تا ممکن سر ماری مکوبید تا چه رسد به مردمان . " سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید." همه بار یک دارید و برگ یک شاخصار." لیس الفخر لمن يحب الوطن بل لمن يحب العالم." و خیلی دیگر قطعات مشابه اینها راجع به سایر مسائل. این مجموعه تعلیمات مبنای فکری من شد و هنوز هم پس از سالها دلم میخواهد قدرت داشته باشم و سعی میکنم که باین تعلیمات عامل باشم یک موضوع را هم در این میان نگفته نگذارم که من از این تعلیمات و دستورات (که بنظرم دوای دردهای اجتماع فعلی بشری است) بدلیل اینکه تعلیم آن نیروی متفوق بشری است تبعیت نمیکنم. من از اینها بعلت اینکه مطابق و موافق احتیاجات فعلی اجتماع بشری است و فهم من آنها را تأیید میکند تبعیت میکنم. ادعای هم نمیکنم که خودم اینها را ذاتاً و با دانش و بیشن شخصی در یافته ام. خیر ، همه اینها از جانب معلمی به من آموخته شده است. من مریضی هستم که دوای دردم را از دست طبیبی گرفته ام و با او ارادت میورزم. اگر این طبیب نگوید که این دوا را پدرتو توسط من برای تو فرستاده باز هم من با او ارادت خواهم ورزید چون درد مرا درمان کرده است.

سئوالی هم کرده بودید که آیا محمد ادعا نکرد که خاتم النبیین است و تکالیف بشری را برای همیشه در قرآن روشن و مشخص کرده است؟ در این باره چون طرف سؤال هستم به نوشتن این سطور مبادرت میکنم و الا همانطور که قبل امروز شد بحث و مذاکره راجع به ادیان عتیقه اصولاً اتفاف وقت است. باری در هیچ کجای قرآن نوشته نیست که تکالیف بشری را برای همیشه در کتاب قرآن روشن و مشخص کرده است. در قرآن چنین ادعائی هم نشده است. این ادعائی دکانداران و پیشوایان بعدی دین مسلمانی براساس تعبیر و تفسیر شخصی است. در قرآن ذکر است که تکالیف بشری را تا روز قیامت (آخرالزمان) که ظهور بعد باشد مشخص کرده است. بعد از آمدن موعد همه این تکالیف ساقط است همچنین در قرآن ذکر شده است که این کتاب شامل همه مطالب مورد نیاز است و این البته عطف است به همه مطالبی که در ۱۴۰۰ سال پیش مطرح بوده مثل رابطه غلام و اربابیش نه فی المثل رابطه کارگر و کارفرما . این گفته هم دلالت بر تعیین تکلیف برای همیشه ندارد.

و اما داستان خاتم النبیین : این عنوان فقط در سوره احزاب و فقط در یک مورد به محمد داده شده و آن موقعی است که مردم وعده از مسلمین به محمد اعتراض کردند که چرا زن مطلقه پسر خوانده اش را تزویج کرده است. در جواب اعتراض مردم در آن سوره بزبان جبرئیل از محمد تجلیل شده و او را خاتم النبیین توصیف کرده است . در تشریح و تفسیر این عنوان بعضی معتقد شدند که چون هدف از این آیات تجلیل محمد بوده لذا منظور از خاتم، خاتم بفتح تا معنی انگشتی نگین دار است و محمد را سرور انبیاء توصیف کرده و منظور ختم نبوت نیست. بعضی دیگر هم معتقد شدند که منظور از خاتم خاتم به کسرتا است که بمعنی

اجر دیگران را نباید ضایع کرد این استنتاج باین صورت و با این کلمات تعلق به موریس متولینگ دارد و بنظر من بسیار موجز و زیبا و با معنی گفته شده است. هرکه پیش از این چیزی گفت بیهوده گفت. علی هم در ۱۴۰۰ سال پیش در این باره گفت (السبیل مسدود وطلب مردود) . علمای بیولوژی ، شیمی آلی ، فیزیک هسته ، نجوم ، زمین شناسی و فیزیک شناسی هم بهمینجا رسیده اند که چیزی هست اما نمیدانیم که چیست و کاری میکند، فعال است ، اما نمیدانیم که چه میکند. هیچکدام آنها نظام طبیعت و روابط حاکم بر هستی وجود را معلوم هرج و مرج و تصادف ندانستند و روابط دقیقی که در نظام طبیعت هست مؤید وجود آن چیز معرفی کردند. چه زیبا فرموده اید شما که (پیدایش طبیعت و نظام آن معمائی است که هنوز عقل و دانش بشری برای آن جوابی پیدانکرده و باید بعنوان علامت استفهام باقی بماند و هر نوع توضیح و توجیه در باره آن جز کورمالی و حدس و فرضیه چیز دیگری نیست) . در مطالعات نجومی مربوط به سوراخ یا حفره سیاه در میان منظمه های فلكی از یک رابطه ریاضی صحبت میکنند که وجود یک فضای حداقل ۱۱ یا ۱۲ بعدی را مستلزم است و تائید میکند و ماموجودی سه بعدی هستیم که سایر ابعاد برایمان جلوه بعد زمان دارد. باین ترتیب شاید عقل و دانش بشری هیچوقت برای آن جوابی پیدا نکند. بنابراین آنها که از صفات خداو بارگاه او ملایکه مقرب او با بالهای کوچک و بزرگ برای صعود و نزول بحث میکنند دکانداران دین و دلان دنیا هستند که دنبال مرید میگردند تا مرید سواری کنند. عظمت آن نیروی محیط بر هستی و کوچکی و حقارت و نقص ما در برابر آن خود مؤید این نکته است که پسر هیچوقت از رمز خلقت و وجود سر در نخواهد آورد و محاط هیچوقت از محیط چیزی نخواهد فهمید.

بیش از نیمی از کتاب عهد عتیق یا توراه را تشکیل می‌دهد در حالیکه گفته هایشان سالها بعد از موسی گفته شده است.

در انجیل هم همین حالت هست . بعد از مسیح چهار نفر (متی ، یوحنا ، لوقا و مرقس) شرح حال و گفته های او را نوشتند و اناجیل اربعه درست شد که هر کدام آنها به تنها و گاهی همه آنها یکجا کتاب آسمانی انجیل (Gospel) شمرده می‌شوند. بعد از آن ها حواریون مسیح که برای تبلیغ باطراف میرفتند نامه ها و گفتارهایشان که خطاب به رومی ها ، یونانیها و اهالی سایر قسمتی اطراف مدیترانه شرقی بود جمع آوری شد و بصورت ضمیمه جزو کتاب انجیل محسوب است. آخرین فصل کتاب مقدس انجیل هم مکاففات یوحنا است که او تعریف می‌کند در روایای صادقه دیدم که اینطور و آنطور بود و آخرالزمان را تعریف می‌کند. از همان ایام که کتاب انجیل با یادآوری تدوین شد همه این ضمائم بعد از اناجیل اربعه مورد استناد ، تعبیر و تفسیر و بهره برداری کشیش ها است. هر کسی یکی از گوشه های صحبت ها یا نامه های این حواریون را بطرز خاص تعبیر کرد و کلیساي تازه ساخت و انشعابی در مسیحیت بوجود آورد.

با قبول این فرضیه که منظور از خاتم النبیین ختم نبوت است منطقی است قبول کنیم که محمد برای بر چیدن بساط روایای صادقه و الهام و برای اینکه بعد از او هر فردی با ادعای الهام و خواب دیدن افسار مردم را قبضه نکند اعلام کرد من که رسول خدا هستم ختم نبی و انبیاء هم هستم و بعد از این نبی و روایای صادقه نداریم. باین ترتیب ملاحظه می‌فرماییم که خاتم النبیین بودن محمد در هر حال هیچ ارتباطی به ختم رسالت ندارد و بر عکس در قرآن در قسمتی از دین یهود و نوشه گفتارشان

ختم کننده است و منظور آنست که بعد از محمد دیگر نبی نخواهد آمد . سوالی که بعد از این تعبیر و تفسیرها پیش آمد و مطرح شد آن بود که در قرآن همه جا از محمد بعنوان رسول الله یاد شده است. رسالت و نبوت چه رابطه ای دارند؟ و آیا وقتی بعد از محمد دیگر نبی نخواهد بود مستلزم آن است که بعد از محمد دیگر رسول هم نخواهد بود؟. نبوت ختم شده است آیا رسالت هم ختم شده است و آیا فیض روح القدس هم قطع شده است و هدایت خداوند دیگر مقطع است؟ این سوابق را مینویسم که بدانید کلمه و داستان خاتم النبیین بچه مناسبت بوده و از کجا سرچشمه گرفته است. در اینجا به نتیجه بحث علمای اسلام کار ندارم و برای توضیح موضوع جهت شما بهتر است به تاریخ مراجعه کنیم و فرض کنیم که منظور از خاتم النبیین ختم نبوت است. سوابق نشان می‌دهد که در ادیان ما قبل اسلام غیر از موسی و عیسی که آوردن کتاب مقدس یا کتاب آسمانی (توراه و انجیل) منسوب به آنهاست یک عدد نبی (انبیاء) وجود داشته اند که راهنمای مردم بوده اند کتاب آسمانی مستقلی نداشته اند ولی گفته ها و روایاهای صادقه منسوب به آنها مضبوط و بتدریج بصورت قسمتی اساسی از کتاب مقدس در آمده است. توراه از ۱۲۴ هزار نبی صحبت می‌کند که در گرد و غبار تاریخ گم هستند و اطلاعاتی از آنها نمی‌دهد اما در دنبال چند فصل اول توراه که بنابر روایات جاری گفته موسی است نصیحت ها و روایاهای صادقه کسانی مثل دانیال نبی ، اشعیای نبی ، زکریای نبی ، شموئیل ، عزرا ، ایوب ، یونس ، سلیمان ، داود ، ارمیا ، حزقيال ، حبقوق ، حکی ، ملاخی و غیره نوشته آمده که همه آنها بعنوان انبیاء یعنی اسرائیل ذکر شده اند و زیر چتر موسی که صاحب کتاب آسمانی و نبی اولوالعزم است ارائه طریق کرده اند. گفته های آنها قسمتی از دین یهود و نوشه گفتارشان

نقل از صفحه ۱۳

من اختیار مکنید و آنچه برای شما نخواهم هرگز نخواهید . و با دلهای مرده که بآمال و آزو آلوده شده نزد من می‌آمیزد.

متابع مورد استفاده :

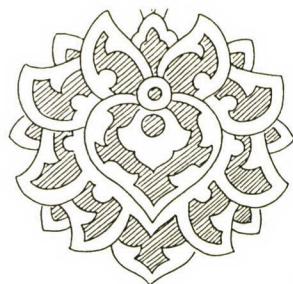
- ۱ - فرهنگ لغات منتخبه سال ۱۹۸۶
- ۲ - ادعیه محبوب
- ۳ - ایقان . مؤسسه مطبوعات ملی بهائیان پاکستان چاپ سوم ۱۳۷ بدیع
- ۴ - دریای دانش چاپ سوم معفل ملی هندوستان ۱۹۸۵
- ۵ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ۱۹۲۰
- ۶ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله
- ۷ - گلزار تعالیم بهائی

نقل از صفحه ۱۶

برای اظهار همدردی و تلاوت مناجات بمنزل ایشان مراجعه میکردند و در روز ۳۰ فروردين بدفتر زندان مراجعه کردند مقداری لباس و وصیت نامه ایشان را تحويل گرفتند وصیت نامه اینطور شروع شده: بنام خداوند بخششده پس از اقرار بودن ایشان خداوند بزرگ و تمام پیامبرانی که برای هدایت بشر آمدند اینجانب رحیم رحیمیان بدبینوسیله وصیت می نمایم در ضمن وصیتname از همه فامیل و آشنایان خدا حافظی کرده و آنها را بخدا سپرده و خواهش کرده که در حق او دعا کنند در خاتمه وصیت نامه میخواسته یکی از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء را بنویسد " ای خدای من جام فدای احبابت . این خون افسرده را " دیگر نگذاشته اند بنویسد و روی کلمات یارانت به بعد را با خودکار سیاه کرده که خوانده نشود ولکن میشود خواند .

در آخر الزمان می‌آید و ناجی بشریت است. در هیچ کجای قرآن هم نیست که تکالیف بشری را برای همیشه در این کتاب روش و مشخص کرده است اگر پیشوایان اسلام با تعبیر و تفسیر و تلفیق این دو موضوع که هیچ ارتباطی با هم ندارند میخ حکومت را بروزمن میکوبند و قلاده اسارت را برگردان معتقدین به اسلام محکم میکنند هنرمندان و روان شناسان ماهری هستند که فهمیده اند چگونه باید مرید آفرید . متسافانه در گذشته هم همیشه همینطور بوده. خاخام های یهودی ، کشیش های مسیحی و پیشوایان بودائی و هندو هم عیناً دارند الان همین کار را میکنند. مردم باید با شعور و متحرّی حقیقت باشند.

از دیدار صحبت کنیم . هوا رویسردی میرود . لابد چند وقت دیگر عزم فلوریدا خواهید فرمود. اگر لطف کردید و وقت آزادی داشتید سعادت ما خواهد بود اگر در لوئیزیانا سری هم به ما بزنید و مدتی مهماندار شما باشیم و از اطلاعات وسیع و دانش شما بهره گیریم. من و خانم پعرض سلام خدمت خانم مصدع هستیم و یکدنیا راحتی و آسایش و سلامتی برای شما و بستگان آرزو میکنیم.



مبانی صلح بین الملل

گفتار نخست - تاریخ جنگ

تاریخ گویای آنست که جنگ وحشتناک ترین پدیده جامعه زاد است و از آغاز تشکل زندگی گروهی بصور گوناگون در جوامع انسانی دیده شده است. به همت تنی چند از جامعه شناسان بزرگ عالم پژوهش‌های گسترده‌ای در باب جنگها و آمار تلفات ناشی از آنها شده است. رایت WRIGHT جامعه شناس آمریکائی در آثار خویش که در مجموعه‌ای تحت عنوان "A STUDY OF WAR" پژوهش در باب جنگ "(۳) انتشار یافته است آمار ترس آوری از کشتکان جنگی در تاریخ فرانسه از دهه های نخستین سده هفدهم تا سال ۱۹۲۰ میلادی بدست می‌دهد.

سوروکین SOROKIN جامعه شناس برجسته و استاد سابق دانشگاه هاروارد در اثر معروف خویش "پویایی شناسی اجتماعی و فرهنگی" (۴) SOCIAL AND CULTURAL DYNAMICS وقوع قریب یک هزار جنگ را در اروپا از سده پنجم تا سال ۱۹۲۵ میلادی مورد بررسی قرار داده است و نتیجه می‌گیرد که کشورهای اروپائی هر دو سال یک بار تن به جنگ داده‌اند. بگفته سوروکین ۲۸ درصد سالهای تاریخ آلمان را جنگ فرا گرفته است و این درصد در باب کشورهای دیگر اروپا بسیار زیر است: ایتالیا ۳۶، اتریش ۴۰، هلند ۴۴، روسیه ۴۶، فرانسه ۵۰، انگلیس ۵۶، لهستان ۵۸ و اسپانیا ۶۷ درصد.

پیشگفتار

هزاران سال است که کابوس جنگ موجب دشمنی و گستاخی در میان جمع نواع انسان است. جنگ و بعبارت گویاتر علمی "ستیز" CONFLICT که از ویژگیهای زیستی جهان جانوران است هنگامی رخ میدهد که مصالح حیاتی حیوان به خطر افتاد. حیوان به اتکاء عوامل چندی چون زوربden، وزن جثه و شکل دندان با دیگر جانورشان امان تنابع بقاء SURVIVAL OF EXISTENCE و بقاء انساب THE FITTEST می‌شناسند(۱) و برخی از آنان در تلاش اند تا نتایج پژوهش‌های خویش را بر زندگی انسانی نیز تسری دهند. این تعمیم یا استنتاج بی‌شك پایه علمی ندارد و به هیچ روی قادر به تبیین علمی ستیزه‌های موجود در جامعه انسانی نیست. انسان اگر چه برحسب ظاهر نوعی حیوان است ولی از آغاز پیدایش از جهان زیست و طبیعت برتر خرامیده است. ستیزه‌های گروههای انسانی رفتارهای طبیعی و معلوم غرائز حیوانی چون پرخاشگری و جنگجویی نیست. زیرا انگیزه‌ها و غرائز حیوانی چون انگیزه گرسنگی، تشنگی و جنسی در فوائل معینی تجلی می‌کند. حال آنکه نفوس انسانی و اقوام و ملل منظماً خواستار جنگ و کارزار نبوده اند و بسا ملت‌ها از ستیز بیزار و گریزانند. (۲) انگیزه جنگ معلوم عوامل و مقتضیات نامطلوب اجتماعی است و بعبارت دیگر پدیده ایست جامعه زاد و نه مادرزاد.

زرف آنان ارج نهاد ولی چه توان نمود که زمانشان زمان تحقق صلح جهانی نبوده^(۹) و شیوه های اجرای مقاصدشان غالباً با مقتضیات و ضروریات صلح بین المل منافی بوده است. افلاطون حکیم در تصویر خویش از مدینه فاضله از آرمان مقدس صلح تجلیل نموده است ولی در عمل این شهر خیالی که در کتاب جمهور یا جمهوریت REPUBLIC (۱۰) او توصیف شده در بند ضوابط و قواعدی است که با صلح بین المل مباین است. فیلسوف یونانی با آنکه آرمان تأسیس مدینه فاضله داشت بارها به تصریح فریاد می زد که . " خدای را سپاسگزارم که یونانی هستم نه ببر، آزادم نه برد، مردم نه زن ".^(۱۱) بسیار کسان پس از افلاطون آرزوی تشکل مدینه فاضله نموده اند.

تامس مور THOMAS MORE ۱۴۲۸ - ۱۵۳۵ میلادی) نویسنده و حقوق شناس انگلیسی در اثر خویش " شهر خیالی " UTOPIA (۱۲) فرانسیس بیکن FRANCIS BACON ۱۶۲۶ - ۱۵۶۱ میلادی) فیلسوف و دانشمند انگلیس در کتاب " آتلانتیس جدید " THE NEW ATLANTIS (۱۳) توماسو کامپانلا TOMMASO CAMPANELLA ۱۶۳۹ - ۱۵۶۸ میلادی) فیلسوف و نویسنده ایتالیائی در کتاب " شهر ، THE CITY OF THE SUN " آفتاب (۱۴) جیمز هرینگتون JAMES HARRINGTON ۱۶۷۷ - ۱۶۱۱ میلادی) نویسنده انگلیسی در اثر خویش ، OCEANA (۱۵) ویلیام گراهام SAMNER WILLIAM GRAHAM SUMNER ۱۹۱۰ - ۱۸۴۰ میلادی) جامعه شناس آمریکائی در آثار خویش و از جمله " انسان فراموش شده " THE PEACE FORGOTTEN MAN (۱۶) و سرانجام گراهام والس GRAHAM GROUP ۱۹۳۲ - ۱۸۵۸ میلادی جامعه شناس انگلیسی در کتاب " جامعه بزرگ " THE GREAT SOCIETY (۱۷) به تقریب از مدینه

به استناد پژوهش DAVIE در کتاب " تکامل جنگ " ، ایالات متحده آمریکا از سال ۱۷۵۰ تا اوائل قرن بیستم در ۱۲ جنگ بسیار بزرگ و ۱۷۰ جنگ دیگر درگیر بوده است. نتایج جنگهای عهد باستان و قرون وسطی نیز در مطابق دهها پژوهش گسترده مورد بررسی قرار گرفته اند که در این تحقیق فشرده مجال اشارت به آنها نیست. صایعات هولناک و فلکت آور جنگهای جهانی نخست و دوم نیز وسیله پژوهشگران بررسی شده است (۵) رایت WRIGHT پژوهشگر آمریکائی در مجموعه سابق " الذکر " پژوهشی در باب جنگ " میزان مرگ های ناشی از عملیات خصم‌انه نظامی و بیماریهای کشنده وابسته به جنگ جهانی نخست را به تقریب چهل میلیون تخمین می زند. بگفته او این رقم در باب جنگ جهانی دوم بیش از شصت میلیون است. (۶) رایت WRIGHT میزان مرگ های ناشی از جنگ را در عصر حاضر به حدود ده درصد همه مرگ ها در سطح جهانی تخمین می زند. (۷)

گفتار دوم - آرزوهای تحقق صلح

الف - ادیان آسمانی . در نوشه های مقدس ادیان آسمانی بارها از روزگاری سخن رفته است که مهر و آشتی جهان انسانی را فرامیگیرد، در پاب مردم آن روزگار است در یکی از کتب مقدسه . " واشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه های خویش را برای اره ها خواهند شکست و امّتی بر امّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. " (۸)

ب - بزرگان علم و فلسفه : بسیار بوده اند اندیشمندان و دانشمندان جهان که در تاریخخانه قرون گذشته روزنه های امید از مهر و آشتی دیده اند. باید به آرمان مقدس و بینش

ب - تحول حقوق

در اندیشه فلسفی بهائی عالم وجود در تکامل است و از مظاهر این تکامل تحول ضوابط حاکم بر جوامع انسانی است. بدین روی مظاهر مقدسه الهیه در هر دور به تشریع قواعد لازمه مبادرت فرموده اند. در امر مبارک بهائی نیز با توجه به مقتضیات و روح عصر ضوابط ضروریه تشریع و به منظور تحقق صلح بین الملل به عالم انسانی ارائه شده است. با توجه به اصل تحول حقوق ، شارع مقدس امر بهائی به دیوان عدل الهی صلاحیت تشریع در قواعد غیر منصوصه عطا فرموده اند. از این دقیقه ربانیه بخوبی مستفاد می شود که حقوق یک جریان اجتماعی است و چون دیگر چریقات زندگی اجتماعی در تحول است. تمسک به ضوابط عتیقه که علت وجودی خویش را از دست داده اند از جمله علل مهمه ستیز گروههای انسانی است .

ج اولویت حقوق بین الملل

در نظام های حقوقی موجود قواعد حقوق بین الملل بظاهر از احترام برخوردارند ولی در عمل فقد ضمانت اجرائی کافی است. با تأسف باید گفت که قواعد معروف به اصول حقوق بین الملل در زمان ما بیشتر به ضوابط اخلاقی فقد ضمانت اجراء شبیه است و یک نوع نزاکت بین المللی تلقی می شود. هنوز در بسیاری از نظامهای حقوقی ، قواعد حقوق بین الملل باید به تصویب پارلمان ملی برسد تا ضمانت اجراء نسبی یابد. در امر مقدس بهائی حقوق بین الملل بهائی که منشاء الهی و الهامی دارد منبع اصلی حقوق است و قواعد حقوق ملی باید با ضوابط حقوق بین الملل بر طبق اصول بهائی تطبیق نماید.

د - تشکیل هیأت مقتنه جهانی

THE WORLD LEGISLATURE

تحقیق وحدت نوع انسان بدانگونه که در نظام

فاضله افلاطون متأثرند. (۱۸) بی آنکه نیات مؤلفان آثار مذکوره را تضعیف نمائیم و به وادی مشاجرات و مباحثات بی ثمر پای گذاریم باید به اختصار متذکر شویم که پژوهشگر منصف پس از قرائت و تعمق در محتوای این آثار خود بخوبی در خواهد یافت که تا چه حد افق فکر مؤلفان چون فیلسوف یونان محدود و در ضوابط و قواعد عصر خویش و مباین صلح بین الملل است و به نحو مطلوب در می یابد که "تأسیس بنیان مشید صلح عمومی " (۱۹) از خصائص این ظهور اقوم است .

گفتار سوم - مبانی حقوقی صلح بین الملل

الف - تساوی حقوق

پس از تحریم صریح برداشته در کتاب مستطاب اقدس و دیگر الواح جمال قدم، عصر حاضر عصر تساوی حقوق است. به بیان گویاتر به استناد آثار مقدسه بهائی همه انسانها صرف نظر از رنگ، نژاد، جنس، ملیت و دیگر ویژگیهای فردی و اجتماعی در برابر میزان عدالت متساوی الحقوقند. به استناد همان آثار ، تساوی حقوق انسانها و از جمله تساوی حقوق اعضاء نژادهای گوناگون ابزار اساسی تحقق صلح بین الملل است. پس از گذشت قرون تاریک گذشته برای توده های بی پناه انسانی و بفرموده حضرت ولی امرالله " جماعات گرسنه ، نا آرام THE HUNGRY ، THE RESTLESS " (۲۰) AND UNSHEPERDED MULTITUDES تحقق تساوی حقوق انسانها آغاز شدک بهشت برین در زمین است. تساوی حقوق رجال و نساء تعلیم اختصاصی این ظهور اعظم یک تجلی از اصل کلی تساوی حقوق است. با توجه به تعلیم تساوی حقوق در امر بهائی و حاصل پژوهش های علمی در تأکید بر وحدت نوع انسان ترک هر نوع تعصب و احساس برتری از لوازم اصلیه تحقق صلح بین الملل است.

شناسان جهان است. در این خصوص مضمون بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله بفارسی چنین است : "در امر بهائی مسائل فنی اقتصادی چون سیستم پانکی و قیمتها در عمل مطرح نشده است. امر بهائی یک مکتب اقتصادی نیست و مؤسسات امرالله نیز عالم اقتصادی در مفهوم فنی خویش بشمار نمی روند. شرکت امر بهائی در حل مسائل اقتصادی اصولاً غیر مستقیم است زیرا اصول روحانی را در نظام اقتصادی عصر حاضر دخالت می دهد. حضرت بهاء الله به ارائه چند اصل اساسی مبادرت فرموده اند که در آتیه اوقات راهنمای علمای اقتصاد در تنظیم روابط اقتصادی عالم خواهد بود."

(ترجمه از نگارنده) (۲۳)

نکته دوم آنکه اگر چه بر حسب ظاهر چیزیات مسائل فنی اقتصادی بطور مستقیم در امر بهائی مطرح نشده است ولکن پس از پژوهش و تحلیل دقیق می توان دریافت که برنامه ریزی کلی مربوط به حل مسائل اقتصادی در امر بهائی بسیار وسیع و راجع است به اصل و بنیان بیماریهای اجتماعی . زیرا انسان را یک واحد کلی تلقی می نماید و نه واحد بی تفاوتی از مصرف و تولید. این اصول کلیه معالج امراض اجتماعی اند و نه صرفاً مسکن . ظهور مدنیت جهانی بهائی در عالم تدریجی است (۲۴) ولکن دیرپا .

گفتار پنجم - توزیع ثروت بر پایه عدالت

عبارت " تعديل معيشت " بکرات در آثار حضرت عبدالبهاء بچشم می خورد. مراد از تعديل معيشت توزیع منابع اقتصادی است در سطح جهانی و در هرجامعه انسانی بر اساس موازین عدالت. انباشتگی ثروت نزد نفوس محدوده و محرومیت جماعات کثیره از مایحتاج و وسائل ضروریه بکلی در امر بهائی مقدوح و

بدیع حضرت بهاء الله پیش بینی شده مستلزم تشکیل یک هیأت مقتننه جهانی است. اعضاء این هیأت مقتننه که بعنوان امناء جامعه جهانی و بر اساس اصول انتخابات بهائی تعیین می شوند با توجه به اصول مشورت بهائی و به استناد تعالیم و ضوابط موضوعه وسیله شارع امر بهائی به توضیح مبهمات و تشریع قواعد، مقررات و قوانین لازمه مبادرت خواهند نمود. حقوق و تکالیف اعضاء این هیأت مقتننه جهانی چون دیگر اعضاء جامعه است ولی به هیأت اجتماع واحد خصیصه عصمت موهوبی اند. بعبارت دیگر در ظل عصمت جمال ابھی به انجام وظائف حتمیه خویش می پردازند. عنوان این هیأت مقتننه جهانی در امر بهائی " بیت العدل اعظم " است. تصمیمات متعدد و مقررات موضوعه هیأت مقتننه جهانی وسیله قوه مجریه جهانی که در ظل قیادت آن معهد اعلی است ضمانت اجراء می یابد. نیروهای نظامی عالم در ظل قوه مجریه جدیده به نیروهای پلیس بین الملل بدل خواهند شد و در حفظ انتظام جامعه واحد جهانی تلاش خواهند نمود. (۲۱)

۰ - تشکیل محکمه کبرای بین الملل

THE WORLD TRIBUNAL

بمنظور رفع اختلافات ناشیه از روابط بین الملل ، امر بهائی تشکیل یک محکمه جهانی را ضروری شناخته است. این محکمه در ظل قیادت معهد اعلی به اختلافات ملل در سطح جهانی رسیدگی نموده و به صدور رأی نهائی لازم الاجراء مبادرت خواهد ورزید. (۲۲)

گفتار چهارم - مبانی اقتصادی صلح بین الملل

در این گفتار به دو نکته مهمه اشاره می شود. نکته نخست آنکه امر بهائی یک مکتب خاص اقتصادی در مفهوم تنگ و محدود خویش نیست ولی تعالیم حضرت بهاء الله راهنمای اقتصاد

قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروعه است.

۹ - تساوی حقوق کار و مزد ناشی از اصل کلی تساوی حقوق در امر بهائی و از جمله در میان بانوان و مردان.

۱۰ - پرداخت حقوق الله و وجوب روحانی شرکت در امور خیریه و کمک به مؤسسات مربوطه.

۱۱ - جواز اخذ ربع نقدود بر اساس انصاف و عدالت.

گفتار ششم - دیگر امور مؤثر در صلح بین المللی

۱ - اهمیت مقام کار : کار در امر بهائی عبادت محسوب و اشتغال به حرف و صناعات بر کل واجب است. ۲ - تقدم فعالیت

کشاورزی : در امر بهائی فعالیت های مربوط به کشاورزی تقدم بر دیگر اقدامات تولیدی دارد. این تقدم ناشی از توجه کامل امر به تولید ضروریات اولیه زندگی است. در نظام جامع

بدیع بهائی با توجه به اهمیت نقش کشاورزی و تعاون جهانی ، گرسنگی عمومی و یا قحطی بی مفهوم است. ۳ - امحاء موانع اقتصادی:

تحقیق وحدت در جامعه جهانی مستلزم رفع موانع اقتصادی است. تعلیم زبان و خط جهانی در

کنار زبان و خط مادری در مدارس عالیم پنوعیکه امر بهائی توصیه می نماید و نیز اتخاذ نظام واحد جهانی در باب پول، اوزان و مقیاسات

دیگر از وسائل عده وحدت جهانی و رفع موانع فرهنگی و اقتصادی است. ۴ - لزوم اتباع از

دیگر تعلیم امر بهائی: حل مشاکل اقتصادی جهان و تحقق صلح بین الملل مستلزم اتباع از همه تعالیم جمال قدم است و اصولاً انتزاع عوامل اقتصادی از دیگر عوامل اجتماعی نا ممکن است. یکی از اصول اساسیه امر بهائی تعلیم و تربیت عمومی و اجباری است. نصوص مبارکه

مذموم است. تا " جماعت گرسنه ، نا آرام و بی شبان " از حقوق اصلیه انسانیه خویش محروم اند تحقیق صلح پایدار بسیار دشوار بل غیر ممکن است. (۲۵) با حفظ حق مالکیت فردی امر بهائی به وضع قواعدی مبادرت نموده که ضامن و کافل توزیع عادلانه ثروت است. اشاره به برخی از قواعد مذکوره مناسب مقام است:

۱ - اجراء برنامه های مخصوص رفاه اجتماعی بمنظور حمایت از بیماران ، معلولان ، کهنسالان، یتیمان و فقیران. (۲۶)

۲ - ازاله اختلافات فاحش طبقاتی . حضرت ولی امرالله در توضیح این اصل بعنوان یکی از خصائص اساسیه نظام اجتماعی مدنیت جهانی بهائی در توقيع مبارک " ظهور مدنیت جهانی " می فرمایند:

"... THE INORDINATE DISTINCTION
BETWEEN CLASSES WILL BE OBLITRATED"

۳ - مقررات مربوط به تقسیم ارث در امر بهائی و توزیع عادلانه ثروت میان طبقات هفتگانه وراث.

۴ - مقررات مربوط به حرمت قمار، مسکرات و مخدرات و نتایج اقتصادی ناشی از تعزیم.

۵ - تعیین اجرت عادله برای کارگران. (۲۷)

۶ - وابستگی متقابل کار و سرمایه و تمتع کارگران از سود و سهام کارخانه ها و کارگاهها.

۷ - همکاری نزدیک کارگران و کار فرمایان (کار و مدیریت) ناشی از تعلیم اساسی وحدت نوع انسان، هدف امر مقدس بهائی ، و نیز اصول مشورت بهائی و تبادل نظر میان کارگر و کارفرما در محیط آنکه از روابط انسانی .

۸ - ارجاع دعاوی مربوط به کار به محکم مربوطه. بفرموده حضرت عبدالبهاء : "مداخله

ائین الهی است و موسس وحدت عالم انسانی. تعصبات را زائل نماید و کافه دول و ام را در بسیط زمین متوجه و متمسک و مررّ و حدت اصلیه گرداند جهانیان را به تأسیس محکمه کیرای الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را برفع لوای صلح اعظم مطابقاً لمانزل من القلم الاعلی و من آیاته الکبری موئید و مفتخر گرداند. عالم را یک وطن نماید و مصدق اذاتی الارض جنة الابھی بر کافه ایام ظاهر و آشکار فرماید. ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بسیط غبراء را آئینه ملاء اعلی گرداند. " (۲۹)

یاران عزیز بفرموده حضرت ولی امرالله : " عالم کون تشنه و حیران ، نفوس کور و خسته و پریشان ، سرگردان و هراسان " (۳۰) این وظیفه حتمیه ما آحاد جمع اهل بهاء است که با توجه به پیام صلح معهد اعلی تعالیم شفا بخش جمال قدم را پسماع اهل امکان رسائیم و از این گذر تحقق صلح جهانی را تسريع نمائیم.

گفتار هشتم - صلح اصغر و صلح اکبر

صلح اصغر ناشی از توافق سران دول عالم در ترک مخاصمات موجوده است. بعبارت دیگر صلح نمایندگان منتخب ملل و یا صلح بین الدول است. صلح اکبر صلح بین الملل است در مفهم کامل خود. صلح اکبر پس از صلح اصغر تحقق یابد و مبادی و مقدماتش اجراء همه تعالیم جمال قدم است. حضرت ولی امرالله به استناد بیانات جمال قدم و حضرت عبدالبهاء به تفصیل مشخصات صلح اصغر و صلح اکبر را در آثار مبارکه خویش توضیح و تبیین فرموده اند. بفرموده حضرت ولی امرالله صلح اکبر انحصاراً وسیله پیروان اسم اعظم و مالاً تأسیس می گردد. (۳۱)

حضرت بهاء الله ، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در این باب از حد احصاء خارج است. به کودکان جهان باید آداب ملکوتی و آئین محبت الله و محبت به خلق تعلیم گردد. به کودکان جهان در مدارس عالم باید تعلیم شود که اساس ادیان الهی یکی است ، انسان نوع واحد است: تعصبات دینی ، نژادی و جنسی از اوہام افهام است. دین با علم موافق است و اخلاق در اقتصاد نفس بسیار حسّاس دارد و انسان اقتصادی فاقد فضائل اخلاقی جز اشباع نفس خویش انگیزه دیگر نمیتواند داشته باشد.

گفتار هفتم - هفت شمع وحدت

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک هفت شمع به هفت شمع وحدت اشارت فرموده اند. شمع نخست وحدت سیاسی، شمع دوم وحدت آراء، شمع سوم وحدت آزادی، شمع چهارم وحدت دینی ، شمع پنجم وحدت وطنی ، شمع ششم وحدت جنسی و شمع هفتم وحدت انسان. به استناد بیان مبارک در لوح هفت شمع تحقیق این انواع وحدت "قطعی الحصول" است.

حضرت ولی امرالله پس از نقل بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء از لوح هفت شمع، پنجاه و هفت سال پیش در توقع مبارک سنه ۸۹ بدیع خطاب به جمهور احبابی شرق می فرمایند: "... این تعصبات جاهلیه از دیاد یابد و مفاسد قویه شدت نماید و حرکتهای تازه عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید و غلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد و آفات و بلیات من کل الجهات هیأت اجتماعیه را احاطه نماید و عاقبة الامر طغیان این طوفان منتهی به انقلابی گردد که شبه آنرا چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدون نکشته. و این انقلاب اعظم بنفسه ممد

بیماری، بہبود کامل و سلامت انسانی، افزایش توقع زندگی و طول حیات، ازاله فقر و توسعه دائیره افکار است. جهانی که آنده از مهر و آشتی است، دنیاگی که بفرموده حضرت ولی امرالله علامات بلوغ چون وحدت سیاسی، دینی، فردی، اقتصادی و اجتماعی در آن ظاهر است، (۳۳) جلوه گاه ملء اعلی و آینه عالم بالا" (۳۴) است. تحقق وعد جمال قدم در عالم واز جمله صلح بین الملل حتم است. به امید طوع " انوار شفق صبح صلح عمومی ".

زیر نویس

- ۱ - در باب تنافع بقاء و بقاء انساب از جمله رجوع فرمائید به کتاب "بنیاد انواع" THE ORIGIN OF SPECIES و نیز کتاب "نسل اثر انسان" THE DESCENT OF MAN دانشمند انگلیسی چارلز داروین CHARLES DARWIN (۱۸۰۹ - ۱۸۸۲ میلادی).
- ۲ - دیوی DAVIE جامعه شناس آمریکائی و استاد سابق دانشگاه ییل YALE در پژوهش تفصیلی خویش " تکامل جنگ " اشاره به نمونه های کلاسیک فقد عناصر ستیز در میان برخی از طوائف و از جمله قبائل اسکیمو نموده است. رجوع شود به :

DAVIE, M.R. THE EVOLUTION OF WAR CHAPTER FOUR,
KENNIKAT PRESS INC.
1968

۳ - رجوع فرمائید به :

WRIGHT, Q. A STUDY OF WAR
CHICAGO, ILLINOIS,
THE UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS
1964

۴ - رجوع فرمائید به :

SOROKIN, P.A. SOCIAL AND CULTURAL DYNAMICS VOL 3.
NEW YORK,
THE BEDMINISTER PRESS, 1962

۵ - رجوع فرمائید از جمله به :

حضرت ولی امرالله در توقع مبارک سنه ۱۰۵ بدیع می فرمایند: " اعلان صلح اصغر عالم را از بلند عقیم و داء و بیل نجات دهد. موهبت وحدت عالم انسانی رخ بکشاید و قطعات خمسه حکم یک قطعه یابد و وحدت اصلیه در هیأت اجتماعیه تحقق پذیرد. محکمه کبری تأسیس شود، دوره صباوت عالم انسانی منتهی گردد و علامات بلوغ عالم که در الواح الهیه مصوح ظاهر و پدیدار شود... هیکل امرالله در انجمن بنی آدم جلوه ای محیّر العقول نماید و صیحه ایادی غالبه اش مرتفع شود و سطوت اعضاد قاهره اش واضح و عیان گردد. رایت صلح اعظم بر اعلی الاعلام موج زند و مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه بساطی جدید در جهان بگستراند. عالم بدرجه کمال رسد و جلوه سلطنت بهائیه و غلبه ظاهره شریعت الهیه من علی الارض را به اهتزاز آرد و ملوک و سلاطین را در ظل سیطره محیطه کلمه الله مجتمع گرداند. ملکوت الله ... در عالم شهود تأسیس شود و سطوت رب الجنود چهره بکشاید و مجدآب سماوی عالم را منور فرماید. عالم ناسوت جلوه گاه عالم لاهوت و عالم ادینی مرآت ملء اعلی و تصویر عالم بالا و قطعه ای از ریاض ملکوت ابھی گردد..." (۳۲)

هیکل مبارک حضرت ولی امرالله در موضع متعدده از آثار مقدسه خویش و از جمله در توقع جلیل " ظبور مدنیت جهانی " به نتایج تحقق صلح بین الملل اشاره نموده و تصویر گویائی از جهان پس از صلح ارائه فرموده اند. به استناد بیانات مبارکه آن حضرت حذف مبالغه سرسام آور نظامی موجود و استخراج منابع مختلف انرژی تحت نظر حکومت واحد جهانی و افزایش تولید در سطوح بسیار گسترده، نتایج درخشنان و پایدارش از جمله گسترش دائیره اختراعات و صناعات، نابودی ریشه های

- ۱۳ - متن انگلیسی " اتلانتیس جدید " THE NEW ATLANTIS در مجموعه بالا.
- ۱۴ - ترجمه انگلیسی " شهر آفتاب " THE CITY OF SUN در مجموعه بالا.
- ۱۵ - متن انگلیسی OCEANA در مجموعه بالا.
- ۱۶ - از جمله رجوع فرمائید به مجموعه ای از SOCIAL STOW PERSOUS مقاطع مطبوعه سامنر تحت عنوان DARWINISM با مقدمه ای از چاپ سال ۰۱۹۶۳.
- ۱۷ - رجوع فرمائید به متن انگلیسی " جامعه بزرگ " THE GREAT SOCIETY چاپ سال ۱۹۶۲، مطبعه دانشگاه نبراسکا.
- ۱۸ - در باب تأثیر اندیشمندان مذکور از مدینه فاضله افلاطون از جمله رجوع شود به صفحه چهار مقدمه HENRY MORBY بر کتاب جمهوریت IDEAL COMMONWEALTH افلاطون در مجموعه ۱۹۴۴ - WENDELL WILLKIE . وندل ویلکی (۱۸۹۲ میلادی) حقوقدان آمریکائی نیز در تألیف کتاب " دنیای واحد " ONE WORLD از مدینه فاضله افلاطون متأثر است.
- ۱۹ - توقعات مبارکه حضرت ولی امرالله، جلد اول، مؤسسه ملی مطبوعات امری ، طهران ، سال ۱۲۹ بدیع صفحه ۷۶.
- ۲۰ - رجوع فرمائید به توقيع مبارک حضرت ولی امرالله THE ADVENT OF DIVINE (ظهور عدل الهی) .
- ۲۱ - رجوع فرمائید به توقيع مبارک حضرت ولی امرالله THE UNFOLDMENT OF DIVINE CIVILIZATION (ظهور مدنیت جهانی) .
- ۲۲ - رجوع فرمائید به لوح صلح لاهه و خطابات حضرت عبدالبهاء و نیز توقيع حضرت ولی امرالله " ظهور مدنیت جهانی " .
- ۲۳ - رجوع فرمائید به بیان حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۲۲ مجموعه I PROCEDURES منتخباتی از بیانات مبارکه آن حضرت.
- ۲۴ - در صفحه نخست از توقيع مبارک THE UNFOLDMENT OF DIVINE CIVILIZATION

بقیه در صفحه

- 1- BALDWIN, H.W. BATTLES LOST AND WON: GREAT CAMPAIGNS OF WORLD WAR II.
- 2-FALLS, C.B. GREAT MILITARY BATTLES
- 3-FALLS, C.B. THE SECOND WORLD WAR
- 4-FAY, S.B. THE ORIGINS OF THE WORLD WAR
- 5-LIDDLE HART, B.H. HISTORY OF THE SECOND WORLD WAR.
- 6- ibid.
- 7-SCHMITT, B.E. THE ORIGINS OF THE FIRST WORLD WAR
- 8-WRIGHT, Q. A STUDY OF WAR
- ۹ - رجوع شود به صفحه ۶ کتاب THE STUDY OF WAR WRIGHT, Q. اثر ۷ - مأخذ بالا.
- ۸ - کتاب حضرت اشعیای نبی باب دوم آیه چهارم (متن فارسی کتاب مقدس ، فتوگرافی از نسخه مطبوعه در لندن ، انگلستان ، سال ۱۹۰۴ میلادی) .
- ۹ - در باب عدم تجمع شرائط تحقق صلح بین المللی در ادوار سابقه رجوع فرمائید به رساله مدنیه و لوح مبارک هفت شمع اثر قلم حضرت عبدالبهاء و نیز توقيع مبارک سنه ۸۹ بدیع بقلم حضرت ولی امرالله.
- ۱۰ - رجوع فرمائید به متن انگلیسی جمهوریت افلاطون ترجمه I.A. RICHARDS طبع دانشگاه کمبریج . سال ۱۹۶۶ میلادی. ویل دورانت (۱۸۸۵ - ۱۹۸۱ میلادی) پژوهشگر آمریکائی در باب تنوع مطالب مندرج در جمهوریت افلاطون می گوید: " کتاب جمهوریت خوان پهناوری است که میزانی دریا دل گسترده باشد. " (صفحه ۱۵ تاریخ فلسفه THE STORY OF PHILOSOPHY سال ۱۹۶۹ چاپ ۰۲۲
- ۱۱ - متن انگلیسی تاریخ فلسفه ویل دورانت، چاپ ۰۱۲ صفحه ۲۲
- ۱۲ - رجوع فرمائید به متن انگلیسی " شهر خیالی " IDEAL UTOPIA در مجموعه HENRY MORBY با مقدمه COMMONWEALTHS KENNIKAT ، واشنگتن، PRESS INC. ، چاپ سال ۱۹۶۸

طبیب بیمار

هر طبیب یکند چاره این مروده دلان
که دوامی دل ما در کف عیسی نفسی است
علقای الشعرا بیمار

میند اخم چه تائیر است در عشق
که بیمارش بمحبت نیست مایل
غبار حمدانی

کی میرسد خیال طبیبان به در دمن
در دم به دان رسید که نتوان خیال کرد
ہمال جناتی

کاش در دمی که مردیست طبیبان را بود
تاید امی که چه در مذده در این درمان شد
صالح شیرازی

گر طبیبان بیانی بسر باینم
بد عالم ندم لذت بیماری را
سعدی

از هجر کمن باله چو معشوق طبیب است
چون در عطا کرد به صدقه لطف دوا کرد

آنکه بیمار و در دست تو شد
ہوس دارو و دوانکند
ہوشند نخ عطنم
طبیب شهر که هر در در دوامی گفت
به در عشق مذاکسی چه درمان کرد
صالح شیرازی

در دست طبیب است علاج بحمد در دمی
در دمی که طبیب هم ده آن را چه علاج است
شیرازی

در دفتر طبیب خرد باب عشق نیست
ایل بر دخوکن و نام دو اپرس
حافظ

تاریخچه مدرسه عصر جدید پاکستان

تازه ای یافت... این قریه بعلت خوش آب و هوا بودن در تمام طول مدت سال و مقدار باران کم آن نسبت به شهر مجاورش مهابالشور، در زمان سلطه انگلیسیها بعنوان مرکز تحصیلی و تدریسی در آمده و مدارسی چند تا آنزمان افتتاح و مشغول بکار بودند. از آن جمله مدارس: مسیحیان، (کاتولیکها، و پروتستانها) زرداشتیان، هندوها، مسلمانان و .. غیره.

در یکی از جلسات پر شور و حال محفل مقدس روحانی محلی جناب رستم مهر شاهی پیشنهاد فرمودند که حال که از سایر ادیان و مذاهب مرکز تدریسی و تحصیلی موجود چرا ما بهائیان نیز اقدام بتاسیس یک چنین مؤسسه‌ای ننماییم؟

از آنجائیکه همواره پیشنهادات در جهت پیشرفت این امر نازنین بدون تعمق و تقکر مورد پذیرش قرار میگیرد، بلاخلاصه با اکثریت آراء رای صادره به محفل مقدس روحانی ملی که آنزمان مرکزش در شهر پونه بود ارسال گشت... مدت زمانی طول کشید تا محفل مقدس روحانی ملی تمامی جوانب آنرا بررسی فرموده نتیجه را اعلام فرمایند... آخرالامر در کانونشن سنه ۱۹۴۵ این پیشنهاد با اکثریت آرای اعضاي محفل مقدس ملی بتصویب رسید ولکن آنرا بدین صورت بیان فرمودند که بعلت ضيق بودجه مالي بهتر است شروع آنرا بصورت پرورشگاهی تأسیس نمایند و از اطفال بهائي که از شهرهای مختلف هندوستان آمده و در مدارس دیگران درس خواهند خواند سرپرستی و نگهداري

در اوج جنگ جهانی دوم سنه ۱۹۴۲ ميلادي منشی محترم محفل مقدس روحانی ملی هندوستان و بربه جناب عباسعلی بت علیه رضوان الله بجناب اسفندیار یکانگی که صاحب هتل عظیم و بزرگی بنام نشنال در شهر پونه هندوستان بودند پیشنهاد فرمودند که در صورت امکان بهمراه عائله‌شان به قریه پنجگنی که در ۱۰۰ کیلومتری شهر پونه قرار دارد مهاجرت نمایند. این پیشنهاد بلاخلاصه مورد موافقت‌شان واقع گردید، چه موهبتی اعظم از موهبت هجرت و خدمت در سبیل محبوب... کمر همت بسته و در اسرع وقت راهی گشتد... عزیمت این فاتح روحانی باعث عزیمت تعداد بیشمار دیگری از عزیزان الهی از جمله: جناب رستم مهربان سهیلی علیه رضوان الله و فامیل محترم، جناب رستم دینیار مهرشاهی علیه رضوان الله و فامیل محترم، جناب رستم وفاداری علیه رضوان الله و فامیل محترم، جناب عزیزالله اشراقی، جناب قدرت الله روحانی، و جناب جمشید جمشیدی و جناب اسفندیار گشتاسب و سایرین گردید.

این موج مهاجرین تازه وارد منجر به تشکیل و تأسیس محفل مقدس روحانی محلی آن قریه گردید... قریه خوش آب و هوائی که روی تپه ای واقع گردیده و توسط چندین کوه محاصره شده... دارای فصل بارانهای موسمی پسیار شدیدی است در حالیکه مقدار باران سالیانه آن گاهی نزدیک به ۳ متر در سال میرسد. با ایجاد محفل مقدس روحانی و ذکر الهی، روح دیگری در این قریه کوچک دمیده گشت و حیات

اطاعت محفل مقدس روحانی ملی واجب است. ضعف خودت را نبین بتائیدات الهیه امیدواریاش. باید اول تصمیم خودتان را بگیرید که آیا میتوانید از عهده این کار بر آئید یا خیر؟ چون شاید محفل ملی نتواند بعد از یکسال کسی را پیدا نمایند که عهده دار این مسئولیت گردد، اگر میخواهید بروید برای همیشه باید بروید چون یکسال تا چشم بهم بزند تمام میشود. تصمیم که گرفتید صرفاً جهت اطاعت باشد بقیه را بحق واگذارید.

شب فرا رسید... خانم مؤبد زاده دامه توفیقاتها دست بدامن جمال مبارک گشتند، گریه ها کردند و زاریها نمودند و با خواندن الواح و مناجات نفهمیدند چطور بخواب رفته و که صحگاهان بدون ادنی تفکری بلافاصله جواب مثبت خود را کتاباً به محفل مقدس روحانی ملی دادند.

مادر همسر باوایشان که زردشتی و بسیار محب بودند ضمن تعجب از این عمل گفته بودند..."هرچند بینهایت تو عزیز را دوست دارم و به وجودت در این منزل افتخار میکنم ولکن همینقدر که میدانم که اطاعت یک چنین تشکیل عظیمی ، افتخاری را نصیب خاندان ما میسازد که همواره نسلهای بعد خواهند گفت یک نفر از خانواده ما بانی و مؤسس این مدرسه عظیم در شبه قاره هندوستان گشته است، حرفی ندارم... .

یکسال شد دو سال، دوسال شد ده سال ودها سال نزدیک به نیم قرن رسیده نزدیک به نیم قرن است که براثر راهنمائی ها و مشورتها، تذکرات مفیده و پند و اندرز مادرانه ایشان، تائیدات الهیه ، شامل حال این مؤسسه و خدمتگزاران و محصلین آن شده است. یک پاسخ مثبت سیل تائیدات لاریبیه غیبیه الهیه را آنچنان شامل حال این مؤسسه و مملکت نمود که

نماید، تابعدها بصورت مدرسه ای مناسب شروع گردد که در شان ولایق این امر اعظم افحتم باشد.

در آنزمان خانم محترمه ای بهمراه همسر خود در شهر پونه زندگی میکردند که فکر و ذکرشان تنها خدمت باستان جمال اقدس ابیه و همواره در فکر انجام عملی بودند که بدان وسیله بالاترین و عظیمترين دین خود را نسبت باين امر نازنین ادا نمایند... بی خبر از آنکه جمال مبارک ایشانرا برای انجام یکی از سنگین ترین وظائف روحانی آنزمان که در تاریخ امر بیسابقه خواهد بود انتخاب فرموده بودند تا آرزوی قلبی شان را بر آورده نمایند... بلی رضوانیه خانم مؤبدزاده (بهی) فرشته پاک سیرت و نیک فطرت... مادر مدرسه عصر جدید و تمامی محصلین آن از شروع تا باامروز، سرپرست کل تمامی امور اخلاقی و اداری و ... هر چه گوئیم کم است...

محفل مقدس روحانی ملی در طی تشکیل جلسه ای و دعوت کتبی از ایشان پیشنهاد سرپرستی این پرورشگاه را به معظم لها لاقل برای یکسال دادند... خاصان حضور درگاهش چون همیشه شکسته نفسی نموده اظهار عدم لیاقت خود را نموده میفرمایند این کمینه نه تجربه دارم و نه راه و روش آنرا بلدم. بعد از جلسه محفل خارج شده همگان را مأیوس مینمایند. شبانگهان موضوع را با همسر باوفا و گرامیشان معاون عزیز ایادی امراض جناب مؤبد زاده روحشان شاد در میان میگذارند و ایشان اختیار و اخذ تصمیم نهائی را به خودشان و امیگذارند تا اینکه پدر بزرگوارشان جناب بهمن بهی ناشر نفحات الله بر این امر مطلع شده و فقط با یک جمله دری از امید و نور بر روی ایشان و تمامی طالبان آنزمان و چند نسل بعد باز مینمایند... مرحوم جناب بهمن بهی فرموده بودند...:

- ۴ - جناب اسفندیار بختیاری
 - ۵ - جناب رستم ثابت
 - ۶ - جناب عباسعلی بت
 - ۷ - جناب دکتر لقمانی
 - ۸ - جناب نورالله اختر خاوری (شهید مجید در دوران اخیر در یزد)
- و تعدادی دیگر از عزیزان الهی و والدین محترم اولین محصلین بهمراه اطفال نازنین خود شرکت نموده بودند. ۱۲ نفر از اولین نونهالان گلشن توحید گرد هم جمع شده بودند تا بعنوان اولین محصلین این مؤسسه فخیمه بروش و آداب بهائی نشو و نما نمایند. از آن ۱۲ تن محصلین اولیه تعداد زیادی در میادین هجرت و خدمت قائم میباشند و هزاران خاطره از آنروزهای فراموش نشدنی دارند.

بعد از تلاوت ادعیه و آثار الهی و نطق تنی چند از یاران شرکت کننده اکثریت مدعوین آن ده کوچک با سه تن از مسئولین مدرسه را بامان جمالیبارک رها کرده عازم پونه گشتند. در شروع داشتن خوابگاه احباب توانستند کودکستان و تا کلاس سوم ابتدائی را برای بیندازند و از کلاس سوم بعد چون در آنزمان تعداد دیگری از مدارس پیشرفته و با سابقه در پنجگنی بود اطفال ذکور بهائی به مدرسه پسرانه سن پیترز و نوبا و گان اثاث بهائی به مدرسه دخترانه کانونت میرفتد. در طی این مدت سعی و تلاش مسئولین و جامعه نازنین پنجگنی در این بود که محلی را بجهت زمین مدرسه خریداری نمایند. بدین جهت همواره در فکر جمع آوری تبرعات کریمانه یاران الهی بودند.

محل فعلی مدرسه عصر جدید متعلق بدوخواهر مسیحی بود که قصد فروش آنرا داشتند در سال ۱۹۷۴ تابلوئی بر سر در ملکشان زده بودند که جهت فروش آماده است... بلافضله محفوظ مقدس روحانی محلی پنجگنی اقدامات فوری جهت

در طی دهه دوم و سوم، محصلین بیش از ۳۵ کشور دنیا مشغول تحصیل در این مؤسسه بودند.

بعد از مدتی محفوظ مقدس روحانی ملی هندوستان طی ارسال متعدد المالی از احبابی سراسر هندوستان دعوت بعمل آوردن تا بجهت شرکت در افتتاحیه این پرورشگاه حضور بهمرسانند. از آنطرف احبابی مخلص و فداکار پنجگنی بمحض وصول دریافت تائیدیه و تصویب محفوظ مقدس ملی مبنی بر تأسیس پرورشگاهی، جشنی بپا کرده و با سرور و خوشی فراوانی اقدامات فوری را راجع به کرایه منزل و هزینه اش نمودند... پرداخت کرایه پرورشگاه در محلی دیگر بمدت ۳ سال را جناب رستم سهیلی متقبل گردیدند. جناب اسفندیار یکانگی تمامی وسائل مبلمان پرورشگاه را تقدیم نمودند، بجهت شروع کمک در شروع این امر خطیر بهمراه سرکار رضوان خانم مؤبد زاده سرکار خانم محترمه سلیسه خانم کرمانی که بعدها مشاور امیرالله در خطه هندوستان گشتند نیز تشریف آوردند.

تمامی مقدمات بجهت تأسیس این پرورشگاه آماده بود... صبحگاه روز اول ماه اوت ۱۹۴۵ روز تاریخی و فراموش نشدنی بود، هرچند فصل بارانهای موسمی پنجگنی بود ولکن آنروز از شدت باران کاسته شده بود چنانکه بنظر میرسید حتی ابرهای آسمان هم دست از فعالیت برداشته تا شاهد یک چنین جشن پر شکوهی، باشکوهتر از هر جشنی در روی زمین باشند. هرچند جمعیتی بظاهر کم جمع شده بودند ولکن طلیعه فردائی بس روشن را بشارت میدادند... هشت تن از اعضای محترم محفوظ مقدس روحانی ملی آنزمان بنامهای:

- ۱ - خانم شیرین فوزدار
- ۲ - جناب خدارحم پیمان
- ۳ - جناب ایزدی یار

مقدس روحانی ملّی و تنی چند از عزیزان یکی از احبابی فدایکار و جانفشن که صاحب چاپخانه کوچکی در بمبهی بودند بنام چناب غلامحسین امری والا تمام چاپخانه خود را در گرو بانک گذاشته و حدود ۶۰ هزار روپیه وام اخذ و بعلاوه ۱۰ هزار روپیه جمع آوری تبرعات یاران گرد آوری و بصاحب زمین پرداخت گردید و بیش از صد هزار متر مربع زمین بهمراه ۴ عمارت از پیش ساخته یکجا بتمک امر در آمد.

بپر حال پس از مدتی که از خرید ملک گذشت یکی از مسئولین مدرسه دخترانه کانونت یگناب اختر خاوری میگوید که حال شما خواهید دید مدرسه بهائی چطور به پیشرفت نائل خواهد شد و حتی از سایر مدارس پیشی خواهد گرفت. یگناب اختر خاوری پاسخ میدهنند کجاست آن زمان که ما بدان پایه برسیم... ولکن ایشان میگویند با سابقه پشتکاری که از شماها داریم از هم اکنون آنروز را میبینیم و براستی هم که چنین شد و هنوز این پیشرفت نسبت بسایر مدارس ادامه دارد.

دولت هندوستان بعد از مدتی تصمیم گرفت که بتمامی مدارس در هندوستان دستور دهد که برای مدرسه خود اسمی پیدا نمایند و نسبت آنرا به مذهب و مسلک جدا نمایند... روحشان شاد پروفسور کیانرا دیپچند (مشاورقاره ای) علیه رضوان الله که خدمات بیشماری بجهت مدرسه انجام داده اند در جلسه ای روزی اسم عصر جدید را پیشنهاد فرمودند که مورد تصویب و تأیید دیر اعضای لجنه مدرسه و محفل مقدس ملّی قرار گرفت و از سال ۱۹۵۳ بعد یعنی هفت سال بعد از افتتاح مدرسه، مدرسه بهائیان تبدیل بمدرسه عصر جدید گشت.

در سال ۱۹۵۴ بود که توقيع منيعی از حضرت

ابتیاع این زمین را فراهم نمودند. خواهر بزرگتر مبلغی را در خواست نمود که به پول آنزمان بینهایت گران قیمت و غیر قابل تحمل برای یاران بود. او مبلغی در حدود ۱۵۰ هزار روپیه که معادل ۱/۵ میلیون روپیه هندی فی الحال است پیشنهاد نمود که توسط محفل مقدس روحانی ردشد.

چند ماهی از این موضوع گذشته بود که تلگرافی از ارض اقدس از حضرت شوقی ربانی مولای توانا بمحل مقدس روحانی ملّی واصل گردید که بجهت خرید زمین حظیره القدس ملّی در دهلي نو جمیع احبابی هندوستان در تبرعات شرکت نمایند. محفل مقدس روحانی پنجگنی نیز تصمیم گرفتند وجهی را که برای خرید زمین مدرسه جمع آوری نموده بودند به دهلي نو ارسال دارند.

از طرف دیگر برای ۵ سال آن تابلو بجهت فروش زمین همچنان آب و خاک میخورد و رنگ و رویش پریده شده و کسی حتی بخودش زحمت سر بلند کردن و خواندن آنرا هم نمیداد... سال ۱۹۵۲ فرا رسید... خواهر بزرگتر دار فانی را وداع گفت... بار دیگر باراده و امر حضرت محبوب ولی عزیز ام رالله مبنی بر اقدامی دیگر جهت خرید زمین، احبابی عزیز موقعیت را مناسب دانسته سراغ خواهر کوچکتر که بمراتب مهرباتر و با محبت تردد رفتند... او که از نیت پاک جامعه امر مطلع گردید اول آنرا بمبلغ صد هزار روپیه هندی و بعد که با اصرار اعضا لجه ابتدیع زمین مواجه شد که حال این مبلغ را نداریم زمین را بنصف قیمت کمتر یعنی ۲۰ هزار روپیه هندی فروخت و ملک هند را ترک و عازم انگلستان گشت.

هنوز هم قیمت پیشنهادی با آنمه تخفیف و گذشتی که کرده بود خارج از قدرت پرداخت یاران پنجگنی بود... با مشورت با محفل

- برای خرید زمین مدرسه در سال ۱۹۵۳
- ۱۳ - خانم گلستان معنوی علیها بهاء الله .
 - ۱۴ - خانم سور حکیم زاده علیها بهاء الله .
 - ۱۵ - خانم شعره گشتاسپی علیها بهاء الله .
 - ۱۶ - جناب رشید حکیمیان عضو لجنه خرید زمین مدرسه .
 - ۱۷ - جناب خداداد نجمی عضو لجنه خرید زمین مدرسه .
 - ۱۸ - جناب اسفندیار روحانی عضو لجنه خرید زمین مدرسه .
 - ۱۹ - خانم فلیپ سامسون (مسیحی) که در زمان ایشان مدرسه بثبت رسید .
 - ۲۰ - دکتر دین که خدمات زیادی نموده اند .
 - ۲۱ - جناب شهریار نوریزدان علیها بهاء الله .
 - ۲۲ - خانم روحی نوریزدان علیها بهاء الله .
 - ۲۳ - پورفسور رای (منشی محفل ملی آنزمان) و مدیر محترم مدرسه برای نزدیک به ۵ سنه .
 - ۲۴ - خانم شیرین فروودی ، بیش از ۱۲ سنه خدمات شبانه روزی
 - ۲۵ - جناب قلیلی و قرینه محترمه
 - ۲۶ - خانم کیان بیش از ۲۰ سنه خدمات شبانه روزی که فی الحال نیز ادامه دارد
 - ۲۷ - و تعداد بیشماری از دیگر یاران فداکار و عزیزان الهی که اسامی آنها بخاطر نیست .
- در طی سال‌های گذشته مدرسه دستخوش بسیاری از حوادث کوچک و بزرگ ، شیرین و تلخ بوده که همگی بحمدالله با تائیدات جمال‌البارک بنفع مدرسه و بضرر مخالفین تمام شده ... در حادثه ای مسئولین دیگر مدارس از شدت بعض و عناد و حسادت به بازارس دولت شکایت مینمایند که این مدرسه از مقررات دولتی سربیچی مینماید ... بازارس دولت ضمن سرکشی و شنیدن توضیحات کامل توسط مادر مهریان و فداکار مدرسه نه تنها مدرسه را میرا و عاری از آن معاایب میداند بلکه ضمن تبریک برعایت تمامی اصول برطبق قوانین دولتی آنرا تشویق نیز

محبوب ولی عزیز امرالله خطاب به محفل مقدس روحانی بمبنی واصل شد که در آن قید فرموده بودند :

... این پرورشگاه دانشگاه آینده بهائی خواهد شد .

- این بیان همچنین در توقيعی دیگر بافتخار جناب رستم سهیلی تأکید گردیده است .
- اشخاص بسیاری باین مؤسسه فخیمه خدمات قابل تقدیر و ذیقیمتی انجام داده اند . چه از نظر مالی ، اخلاقی ، تدریسی و غیره ذیلاً تنی چند از این عزیزان را نام میبریم تا بنوعی جنبه قدردانی و تشکری نیز شده باشد :
- ۱ - سرکار خانم سلیسه کرمانی - ۵ ماه خدمت در شروع مدرسه .
 - ۲ - جناب رستم مهرشاهی علیه رضوان الله - دو سال اولیه و مدرسه و سالها عضویت کمیته
 - ۳ - جناب کیخسرو اختر خاوری ۱۸، سال متما دی بعنوان منشی مدرسه .
 - ۴ - جناب اسفندیار بختیاری علیه رضوان الله ، رکن رکین امرالله .
 - ۵ - جناب عبدالمیثاق میثاقیه ، مخارج ساختمان اصلی مدرسه را تأمین نمودند .
 - ۶ - دکتر ری جانسون بعنوان مدیر برای ۱۲ سنه خدمت نمودند .
 - ۷ - سرکار خانم گلوریا فیضی ، ۶ ماه خدمت مداوم و کوشش مستمر .
 - ۸ - جناب محمد لبیب ، مشوق محصلین ایرانی بهائی .
 - ۹ - جناب زائری مخارج بنای چهار دستگاه از منازل معلمین را تأمین نمودند .
 - ۱۰ - جناب دکتر واسودهوان نایر مدیر فعلی مدرسه از سال ۱۹۸۲
 - ۱۱ - تعداد کثیری از یاران عزیز ایرانی بهائی متقبل پرداخت ساختمان سالن نمایشات و سالن غذا خوری .
 - ۱۲ - جناب غلامحسین امرلی والا ، فداکاری

مینماید...

در حال حاضر مدرسه عصر جدید دارای ۵ هکتار زمین ورزش در دو کیلومتری خارج از مدرسه میباشد که از آن بعنوان تمرینات ورزشی روزانه محصلین استفاده مینمایند و دارای بیش از ۶۰۰ محصل روزانه و شبانه دختر و پسر میباشد.

منابع و مأخذ :

- ۱ - مادر محترم مده خانم رضوانیه مُبید زاده (بهی) از روز اول افتتاح مدرسه تا بحال که در حال حاضر نیز بخدمت و راهنمائی این مؤسسه مبارکه و اهالی آن مشغول و مألفند.
- ۲ - جناب کیخسرو اختر خاوری که بیش از ۱۸ سنه در این مؤسسه فخیمه بخدمت اشتغال داشتند و اکنون نیز بطور غیر مستقیم به تقویت مبانی این مؤسسه قائم بخدمت میباشند.
- ۳ - جناب حبیب الله بهی که بیش از ۳۰ سنه در این مؤسسه مشغول تدریس زبان احلى فارسی میباشد و فی الحال با قرینه محترمehشان در این مدرسه مشغول بخدمتند.
- ۴ - مقاله سه صفحه ای مختصری از روز افتتاح مدرسه.



در تواقیعی مختلف حضرت محبوب عزیز امرالله فرمایشات بیشماری در مورد ترقی و پیشرفت این مؤسسه چه خطاب به محافل روحانیه و یا با فراد ارسال داشته اند که دور از دسترس است ولکن لازمست به یکی از تشویق نامه های معهد اعلیٰ بیت العدل اعظم الهی بجهت مادر مهربان و مدرسه و مؤسس اولیه آن اشاره گردد. (ترجمه آزاد)

بیت العدل اعظم

مرکز جهانی بهائی - ۸ اکتبر ۱۹۷۵
رضوان خانم مُبید زاده :
توسط مدرسه عصر جدید، پنجگنی، مهاراشترا،
هندوستان
یار عزیز بهائی :

در این موقع که مدرسه عصر جدید جشن سی امین سالگرد خود را برگزار میکند، ما میخواهیم سپاسگزاری عمیق و صمیمانه خود را برای خدمات خستگی ناپذیری که باین مؤسسه مبارکه از بد شروع آن نموده اید اظهار نمائیم.
خلوص نیت، ثبوت و پایداری، عشق و علاقه، حکمت و رعایت شما همیشه سرچشم و منشاء نیرو برای این مدرسه بوده است. صدها نفر محصلین و محصلاتیکه در دوران تمام این سالها در تحت توجهات مادرانه شما بوده اند و اکنون اغلب بر خدمت امرالله مشغولند خود شاهد زنده موفقیت شما در خدمت در میدان تعلیم و تربیت که در این امر مقدس یکی از بهترین طرق عبادت و پرستش حق محسوب میشود، میباشند. ما از طرف شما در اعتاب مقدسه دعا و سپاسگزاری نموده و از حضرت پیاء الله ملتعمیم که ممتازترین الطاف خویش را به شما عطا فرماید.

با تکبیرات محیانه بهائی
بیت العدل اعظم

حضرت سعید

چیزی نپرسی و علت کاری را که میکنم جویا
نشوی مگر آنکه خود بخواهم از آن مطلب ذکری
نمیان آورم.

با این شرط همراه و همسفر شدند تا اینکه در
 محلی بر کشتن سوار شدند که از آبی بگذرند.
 در بین راه آن بنده خدا کشتن را سوراخ کرد.
 حضرت موسی گفت " آیا کشتن را سوراخ کردی
 که ساکنین آن را غرق کنی ؟ و کار نا شایسته
 ای کردی " آن بنده خدا گفت " ای موسی مگر
 بتون نگفتم نمیتوانی با من صیر داشته باشی " لن
 تستطيع معی صبراً ؟

حضرت موسی گفت " پوزش میطلبم زیرا فراموش
 کردم مرا باز خواست مکن و در عسر و اشکال
 میفکن . " و راه را ادامه دادند.

به پسر بچه ای بروخورد کردند او را بقتل
 رسانید. حضرت موسی باز ناراحت شد گفت
 " نفس بیگناهی را بدون جرم و خطای قصاص
 کردی و کشتنی و امر قبیحی را مرتکب شدی " گفت
 " ای موسی نهفتم شکیبائی و تحمل مرا
 نداری ؟ " حضرت موسی مجدد معذرت خواست
 و گفت " اگر دیگر بار از تو سوالی کردم و
 ایرادی گرفتم مصاحبت و رفاقت را با من ترک
 کن و عذر مرا بخواه. "

با این شرط برآه خود ادامه دادند تا بقیه ای
 رسیدند و از مردم آنجا غذائی طلب نمودند
 اهل آن ده از دادن غذا بانها و ضیافت خود
 داری کردند و امتناع ورزیدند.
 در آن قریه دیواری مخربه مشاهده کردند که
 نزدیک بفروریختن بود آن بنده خدا بحضورت
 موسی گفت " باید این دیوار را مرمت کنیم تا

گر خضر در بحر کشتی را شکست
 صد درستی در شکست خضر هست

این بیت از مثنوی مولوی است که حضرت
 بهاءالله جل ثنائه بمناسبتی دقیق در رساله هفت
 وادی ذکر فرموده اند رساله مذکور در جواب
 مسئله شیخ محی الدین قاضی خانقین است که
 بلسان و شیوه و اصطلاحات عرفا در اوایل ورود
 به بعداد نازل گردیده است.

مأخذ این مطلب و داستانش در قرآن مجید
 سوره کهف (۱۸) است راجع بحضرت موسی. از
 آیه ۶۴ شروع تا آیه ۸۲ که شامل ۱۸ آیه است
 اینطور شروع شده :
 " فوجداً عبداً من عبادنا اتبناه رحمةً من
 عندنا و علمتناه من لدنا علمًا ... " الى آخر آیه
 ۸۲ مضمون آیات مزبور بفارسی چنین است :

" حضرت موسی با یوشع بن نون در راهی
 میگذشتند بیکی از بندگان خاص ما بروخورد
 کردند که از رحمت ما بهرمند بود و از نزد
 خود باو دانشی آموخته بودیم. حضرت موسی
 مصاحبیت با او را راغب شد و غنیمت شمرد.
 او را گفت " آیا اجازه میدهی همراه تو بیایم
 و از تو پیروی کنم؟ شاید آنچه را آموخته ای
 بمن نیز اندکی بیاموزی " آن مرد خدا بحضورت
 موسی گفت " تو هرگز نمیتوانی با من شکیبائی و
 تحمل داشته باشی زیرا دانش تو با آن احاطه
 نیافته است " حضرت موسی گفت " انشاء الله
 اگر خدا خواست مرا صابر خواهی یافت و از
 فرمان تو سریچی نخواهم کرد " آن بنده خاص
 پروردگار گفت " ای موسی اگر میخواهی با من
 باشی و مرا پیروی کنی شرطش اینست که از من

گرفت." آنکه از حق یابد او وحی و خطاب هرچه فرماید بود عین صواب پاک بود از شهوت و حرص و هوی نیک کرد او لیک نیک بد نما (۲)

عرفا و مفسرین این بند خدا را بنام خضر ذکر کرده اند که مردی افسانه مانند است و در ادبیات عرفانی بسیار از آن یاد شده و گاهی در شعر خضر آمده. گفته اند وجودی روحانی است که هر زمان اراده کند برای ارشاد و راهنمایی خلق بصورت آدمی در آید یا عبارت از روح القدس است.

حافظ در شعر از او اینطور یاد کرده است :
آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ پی کجاست
گل بگشت از رنگ خود با دبهاران را چمشد

دریا و کوه درره و من خسته و ضعیف
ای خضر پی خجسته مدد کن به همتمن
گذار بر ظلماتست خضر راهی کو
مداد کاشش محرومی آب ما بپرد
مگر خضر مبارک پی تواند
که این تنها بدان تنها رساند
سعدي گويد:
چو خضر پیمپر که کشتی شکست
وزاو دست جبار ظالم به بست

نام او را بعضی ارمیا و بعضی تالیا و لقبش را خضر گفته اند " لانه کان لاچلس علی خشبته " یا پسته ولارض بیضاء الا اخضرت " یعنی بر هر زمین خشک و بایر می نشست سبز می شد. حکیم نظامی در خردنامه داستان خضر و الیاس را با اسکندر که در ظلمات جهان بجستجوی چشميه آب زندگی بودند و داستانی است افسانه‌ای و Symbolic بنظم آورده است. هرچند از نظر تاریخی با حقیقت وفق ندارد و

از فرو ریختن جلو گیری شود" و شروع بکار کرد. حضرت موسی دیگر تحمل نتوانست گفت " ای بند خدا این چه کاری است که با شکم گرسنه میکنی اقلام میتوانستی برای اینکار اجرت بگیری ، کاری بی مزد چه کیفیتی دارد؟ "

آن بند خدا گفت " ای موسی نگفتم با من شکیبائی نتوانی " هذا فراق بینی و بینک " باید از یکدیگر جدا شویم و هر یک راه خود و کار خود گیریم" هر کسی را خدمتی داده قضا .

اما ای موسی تأویل و حکمت آن کارها را که نتوانستی تحمل کنی برای تو میگوییم و جدا می شویم : ۱ - آن کشتی را که سوراخ کردم مال چند نفر کارگر فقیر و مسکین بود که با آن امرار معاش میکردند و زندگی آنان و خانوادشان با آن بستگی داشت. آنرا سوراخ کردم که بظاهر معیوب بنظر آید زیرا بزودی مأمورین پادشاه برای لشکر کشی میامدند و همه کشتی ها را بدون اجرت بغضب میبردند چون باین کشتی رسند و عیب آنرا نگرفند آنرا نخواهند برد و ترمیم و اصلاح آن آسان است. ۲ - آن طفیل که کشتم پدر و مادرش مومن بودند و بیم آن داشتم که این فرزند آنها را بکفر و طغیان و عصیان کشد حال خداوند بعوضش با آنها فرزندی دیگر خواهد داد که در پاکی و عطوفت شایسته آنها باشد.
(آن پسر را کش خضر بپرید حق)

سر آنرا در نیابد عام خلق) (۱) ۳ - دیواری را که تعمیر کردم تا از فرو ریختن مصنون ماند متعلق به دو کودک یتیم بود که در زیر آن گنجی مخصوص آنها پنهان بود و والدین آنها مومن و صالح بودند. خداوند میخواست که آنها پس از رشد و بلوغ از آن گنج بهرمند شوند و اگر قبل از موعد معین خراب می شد گنج بدست دیگران میافتداد و همه این امور با مر پورده کار و اراده حق انجام

چو ماهی بچنگ آمدش زنده بود
پژوهنده را فال فرخنده بود
بدانست کان چشمہ جانفزای
باپ حیات آمدش رهنمای
بغورد آب حیوان پفرخندگی
بقای ابد یافت در زندگی

عرفا و حکمای الهی داشت و حکمت و آیات
پروردگار را آب زندگانی و چشمہ آب حیات
دانسته اند که منبع و سرچشمہ آن مظاهر الهی
هستند که موجب حیات روحانی می شود،
چنانچه حضرت مسیح فرموده : " من قیامت و
حیات هستم هر کس که بمن ایمان آورد اگر
مرده باشد زنده گردد"
و حدیث " المؤمن حیٰ فی الدارین " مؤید
آنست . حضرت بهاء الله در لوحی پارسی
میفرمایند: " این شبتم که نخستین گفتار
کردگار است آب زندگانی نامیده میشود،
چه که مردگان ببابان تادانی را باپ
دانایی زنده نماید" ۳

و در جائی دیگر فرمایند: " هر که از این
چشمہ چشید بزندگی پایینده رسید و هر که
ننوشید از مردگان شمرده شد " ۴ و اینکه
گفته اند : " آب حیوان درون تاریکیست "
کنایه از آنست که این چشمہ حیات در محیطی
ظلمانی از جهل و فساد ظاهر میشود. چنانچه
حضرت ولی امرالله میفرمایند: " ظهور مظاهر
مقدسه الهیه همواره در بین ملل و نحل
صورت گرفته که در حضیض غفلت ها بط و
در پیداء ضلالت سایر و سالک بوده اند" ۵

و از جهتی دیگر نیز میتوان کلمات و آیات الهی
را که چون آب زندگانی است ظهورش را در
قالب الفاظ و کلمات که در نوشتن بوسیله مرکب
جريان دارد آن مرکب را بظلمات تشبيه نمود
یعنی هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی و

اسکندر مقدونی و ذو القرنین قرآن و اساطیر
دیگر را در هم آمیخته ولی از حیث شعر و نظر
ادبی زیبا و ارزشمند است.

یکی از نتایج عالی آن اینست که بالاخره اسکندر
با آن همه زور و زر و گنج و سپاه و لشکر به
آب زندگانی دست نیافت ولی خضر بتوفیق الهی
از آن بهرمند شد. بگفته حافظ :

اسکندر را نمی بخشنده آبی
بزور و زر میسر نیست کاری
فیض ازل بزور و زرار آمدی بدست
آب خضر نصیب اسکندر ر آمدی

جناب نعیم فرموده.
تکیه بر زور و زر مکن که نشد
آب حیوان نصیب اسکندر

در این سبیل جلیل فیض الهی و عنایت ربائی
باید شامل حال گردد نه قدرت و مکنت و خدم
و خشم.

فیض روح القدس از باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد
در داستان خضر و اسکندر آمده که وقتی خضر با
الیاس بچشمہ آب حیات رسیدند و ماهی خشک
سفره ایشان در آب بحرکت آمد دانستند آب
زنده کانیست از آن نوشیدند و جاوید شدند
نظمی در خردنامه فرموده است:

بجائی رسیدند کز آفتاب
ندیدند بیش از خیالی بخواب
گشودند سفره بر آن چشمہ سار
که چشمہ کند خورده را خوشگوار
بر آن نان که بپیاتر از مشک بود
نمک یافته ماهی خشک بود
ز دست یکی زان دو فرخ همال
در افتاد ماهی در آب زل

زیرا خداوند میفرماید: " و علمناه من لدنا علماً " یعنی ما باو دانشی از نزد خود آموختیم و خداوند قادر است که در هر زمان و بهر کسی که بخواهد بیاموزد حدیث " العلم نور یقذفه الله فی قلب من يشاء " و آیه "اتقوله و یعلّمکم الله " نیز موّید است. بعد میفرمایند. " عدم اقبال یذکر اقوال ایشان نه از غرور است بل بواسطه ظهور حکمت و تجلی موهبت است " و سپس اینگونه تعلیم اخلاقی میفرمایند: "این بنده خود را در ساحت یکی از احبابی خدا معدوم میدانم و مفقود میشمرم تا چه رسد در بساط اولیا" " زیرا علم کسبی غرور می انگیزد و کبیر، ولی علم موهبته تواضع و خلوص ایجاد میکند. " در جایی دیگر از هین رساله هفت وادی با اشاره بدین داستان این بیت مثنوی مولوی را ذکر فرموده اند:

وهم موسى با همه نور و هنر
شد از او محبوب تو بی پرمپر" بعد
میفرمایند: " اگر از اهل راز و نیازی به
پرهای همت اولیا پرواز کن تا اسرار
دوست بینی و بانوار محبوب رسی. "

بعضی از عرفاء و مفسرین خضر را نبی و بعضی او را ولی دانسته اند و مقام ولایت را بالاتر از نبوت شمرده اند مولوی نیز فرموده حضرت موسی با همه نور و هنر نبوت از مقام و منزلت او محبوب ماند. مقام انبیا نیز اگر چه بمصدق آیه شریفه " لانفرق بين احديهم "(۲) بینشان فرق و جدائی نیست ولی بعضی بجهاتی ممتاز گشته و آیه " وفضلنا بعضهم على بعض "(۳) در حقشان نازل گردیده است . بعضی نیز مانند حضرت موسی مقام رسالت و نبوت را توأمًا بعده داشته اند مانند " واذکر في الكتاب موسى و انه كان مخلصاً و كان رسولًا نبياء ... و وهبنا من رحمتنا اخاه هاروننبياً "(۴) یعنی حضرت موسی مقام رسالت و

لفظی تشبيه و استعاره که از صنایع متداول ادبی مخصوصاً در کتب مقدسه است بکار رفته است.

جتاب نعیم اعلی الله مقامه تشبيه زیبائی در این موضوع دارد. متحرّی حقیقت را بخصر و خود را بیاهی مرده تشبيه کرده که در اثر رسیدن بچشمہ آب زندگانی یعنی آیات الهی و ایمان باآن زنده و جاوید گردیده :

تکیه بر زور و زر مکن که نشد
آب حیوان نصیب اسکندر
لاف دانش مزن که در ظلمات
ماهی مرده خضر را رهبر
خویش را خضردان مرا ماهی
دین حق آب زندگی بشمر

بهترین تشبيه را جتاب استاد محمد علی سلامانی در این مقوله درباره قلم معجز شیم حضرت عبدالبهاء نموده است:
خامه عبدالپها یا خضر باز آمد ز ظلمت
یا که مرغی آب حیوان جاری از منقاردارد

اما مناسبت ذکر این بیت در این مقام: حضرت بهاء الله جل ثنائه در این قسمت از گفتار اشاره بعلم اکتسابی و علم لدّنی و موهبته نموده میفرمایند: " دوست ندارم اذکار قبل بسیار اظهار شود زیرا که اقوال غیر را ذکر نمودن دلیل است پر علوم کسبی نه موهبته الهی ولكن اینقدر هم که ذکر شد بواسطه عادت ناس است و تأسی باصحاب. " از اظهار چنین مطلب ممکن است خواننده بفکرش خطور کند که چگونه ممکن است کسی بدون کسب دانش و تحصیل علوم میتواند چنین مطالبی را بیان کند؟ لذا میفرمایند از موهبته الهی است و این بیت مولوی را که اشاره بآیه قرآن و کلام الله است شاهد میاورند

کند میتواند امواج منتشره را ضبط و استقاده
نماید بقول شاعر
موسیئی نیست که آواز انا الحق شنود
ورنهاین زمزمه در هر شجری نیست که نیست
امواج فضل وحی الهی بلاقطع و مستمر است
دستگاه گیرنده میخواهد تا در یابد و قلب
ممرد مظہر اعزّ الهی مستعد است.

از حضرت عبدالبهاء اکثر رموز و استعارات و
مسائل غامضه کتب مقدسه قبل را سؤال کرده
اند و تعبیر و تاویل آنرا با فرموده اند
منجمله در باره خضر در لوح جناب نوش آبادی
فرموده اند : " و اما حضرت خضر حقیقت
موسی بود نه شخص دیگر بحکم حقیقت
احکامی صادر می شد که عقول پسریت از
ادراک آن عاجز بود زیرا خارق العاده بود
مقصود از این قضیه اینست که مظاهر
 المقدسه الهیه بفعال مایشاء و بحکم مایردند
آنچه بفرمایند باید اطاعت نمود و ابدأ
شک و شبھه بخاطر نیاورد که این حکم
بظاهر موافق عدل و انصاف هست یا نیست
این ذهول فکری منتهی بعضیان و طغیان
گردد اینست حقیقت مسئله که باین عنوان
بیان شده " (۱۲)

زیر نویس :

۱ - ۲ - مولوی

۳ - مجموعه خط جناب زین المقربین صفحه
۲۳۶

۴ - همان مجموعه صفحه ۲۵۷

۵ - ظهور عدل الهی صفحه ۳۷

۶ - قرآن ۲۸۲/۲

۷ - قرآن ۱۳۱/۲

۸ - قرآن ۲۵۴/۲

۹ - قرآن ۵۳-۵۵/۱۹

۱۰ - مجموعه الواح چاپ مصر صفحه ۵۰

۱۱ - همان مجموعه صفحه ۳۳۴

۱۲ - مائدۀ آسمانی جلد ۲ صفحه ۴۲

نبوت را با هم داشت و صاحب شریعت بود
ولی برادرش هارون فقط نبی بود و نبی مروج
شریعت است و از خود کتاب و امت ندارد.

بعضی از انبیا در موقع خاص یا در رویا بآنها
وحی میرسید و بعضی در هنگام مشکلات و
برخورد با مسائل و مصائب مؤلمه با تضرع و
دعا منتظر وحی بودند و تائید می طلبیدند.
اما حضرت بهاء الله جل ذکرها الاعلى در هر هنگام
اراده میفرمودند ایات نازل میگردید و وحی
میرسید چنانچه در لوح حکمت میفرمایند: و
انک تعلم آناما قرأتنا کتب القوم و ما
اطلعننا بما عندهم من العلوم كلما اردنا ان
نذكر ببيانات العلماء و الحكماء يظهر ما
ظهر في العالم و ما في الكتب و الزبر في
لوح امام وجد ریک نری و نكتب انه احاط
علمه السموات و الارضين هذا لوح رقم فيه
من القلم المكتون علم ما كان و ما يكون و
لم يكن له مترجم الاسانی المبدع ان قلبي
من حيث هوهو قد جعله الله مرداً عن
اشارات العلماء و ببيانات الحكماء انه لا يحکي
الاعن الله وحده يشهد بذلك لسان العظمة
في هذالكتاب المعین " ۱۰ و در جائی دیگر
در جواب سائلی که از جبریل که فرشته وحی
پیغمبر بود سؤال میکند میفرمایند: قوله عز
بیانه: " و اما مسأللت من الجبریل اذا جبریل
قام لدى الوجه ويقول يا ايها السائل فاعلم
تكلم لسان الاحدیه بكلمته العليا يا جبریل
ترانی موجوداً على احسن الصور في ظاهر
الظاهر . لاتتعجب من ذلك ان ریک لهو
المقتدر القدير " (۱۱) یعنی هر وقت اراده
کنیم فرشته وحی حاضر است.

این کیفیت وحی را در اعصار گذشته و حال در
ظهور بدیع میتوان، تشبيه نمود به دستگاه تلفن
و دستگاه رادیو و تلویزیون. در تلفن تا
فرستنده پیام و کلامی نفرستند گیرنده چیزی نمی
شنود و سخنی نمیابد ولی در رادیو و تلویزیون
امواج دائماً موجود است هر هنگام شخص اراده

شرح تصدیق شمس الوعاظین

نمودند بناچار بساط وعظ و خطابه را در مسجد جامع که آخوند ملا محمد علی شریعت مدار در آنجا نماز میگذارد گسترد نا گفته نمایند که آخوند شریعت مدار که پیشمناز بود بعلت مذاکرات امریه با میرزا حسین قلبًا محبت بود.

در آن سال، ماه رمضان شمس الوعاظین ۱۹ روز در باره معنی بسم الله الرحمن الرحيم بیاناتی فصیح بالای منبر ایراد نمود و چون سخن را در روز اخر به بیان معنی واقعی "باء" رساند بتحریک و دستور یکی از علماء سوء بنام سید حسن امام او را از منبر پائین کشیده و توهین بسیار نموده و او باش چند سیلی محکم برویش زدند و با خفت و خواری از مسجد بیرونش انداختند.

بعد از این واقعه شمس الوعاظین بنام بابی مشهور خاص و عام شد و بدین نام نزد همه افتخار میفرمود. از خصوصیات این واعظ شهر حافظه قوی و عجیب او بود که بعد از آنکه کتاب مستطاب اقدس را مطالعه نمود بسیاری از آیات آنرا از حفظ میخواند و اگر قصیده ای را دو بار میشنید از حفظ میتوانست مقداری از آنرا بخواند. باید دانست که بعد از واقعه اهانت و ضربت بهمت چواثان بهائی و مساعدت آخوند ملا محمد علی شریعت مدار بار دیگر شمس الوعاظین در همان مسجد بمنیر رفت و ابتدا لوح مبارک برهان را از حفظ خواند و سپس چنان گرم ایراد خطابه نمود که مسلمین زار زار گریستند و از عمل گذشته خود اظهار ندامت و پشیمانی نمودند.

نقل باختصار از جزو شرح حال احبابی جوشقان نگارش یکی از اعضاء هیئت تحریریه

حاج شیخ حسین خراسانی معروف به شمس الوعاظین از علمای بنام و از وعاظ و خطبای مشهور خراسان بود که بعلت اختلاف با علمای دینی آن دیار قهرآ عازم کاشان شده و در آنجا رحل اقامت افکنده بود.

از آنجا که دمش گرم و بیانش بلیغ و نطقش دلنشیں بود اهالی جوشقان او را برای ماههای رمضان به منظور ایراد خطابه و نقط دعوت می نمودند و او هر روز چهار ساعت در ماه رمضان بمنیر میرفت و مردم بقدرتی مرید و شیفته او بودند که بعد از استحمام آب حمام را برای تبرک بخانه های خود میبردند.

دو نفر از احبابی بنامهای میرزا حسین جوشقانی و محمد صادق عبدالفتاح بنای محبت و الفت با واعظ مشهور مذکور گذاشته و در موقع مقتضی از تعالیم امر بدیع نیز با او صحبت ها میداشتند و چون او را دارای سمع یافته و مشتاق مطالعه آثار امریه دیدند لذا ابتدا کتاب مستطاب ایقان و سپس مجموعه الواح مبارکه عربی جمال قدم جل جلاله که ابتدای آن کتاب مستطاب اقدس مطبوع است بعالی مزبور داده و او بعد از مطالعه این دو اثر جلیل قلبًا مومن شد و ترک اعتیاد تریاک که سالها گرفتار آن بود نمود و بعلت ترک اعتیاد مریض و بستری گردید و آنجه اطباء اصرار بترک تدریجی نمودند با ذکر کلمه مبارکه "لیس منی" جواب رد میداد. بعد از آنکه با مرید مبارک ایمان آورد با وجود اینکه منیر و محرباب و وعظ و خطابه را ادامه میداد معد لک بعلت معاشرت مستمر با احبابی میان مردم ببابی مشهور گردید لذا آخوندهاییکه منتظر فرصت بعلت دشمنی با او بودند شروع بتحریک عوام علیه او

تصحیح

تصحیحات شماره ۲۹ و ۳۰ مجله زمستان سال ۱۴۵ بدیع و بهار سال ۱۴۶ بدیع. در مجلات شماره بالا بعضی اشتباهات و اغلاظ بنظر دوستان رسیده که مادرمراهون الطاف خود نموده و متذکر داشته اند. ضمن اظهار تشکر از مشتاقان صاحب نظر و تیزبین عندلیب اصلاحات مربوطه ذیلاً چاپ میگردد.

جناب محمد باهری در مورد مقاله "طلعت ثالث" کیست چنین مینویسند.

هیئت محترمه تحریریه عندلیب

بنده چون خلاصه و منطق این مقاله را در سی و چند سال قبل از استادی جناب فاضل مازندرانی علیه غفران الله بنقل از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء جل برهانه در قاهره مصر با حضور جناب ابوالفضائل گلپایگانی و حاجی ایمان زنجانی و خود فاضل مازندرانی شنیده بودم ولی لوحی زیارت نکرده بودم لهذا این مقاله را بدقت و امعان نظر مطالعه نمودم و چون در چند موضع ابهامات و مسامحاتی دیدم به آقای عبدالله ثابت و همسر محترمshan خانم مهین عهده ثابت که بترتیب خواهرزاده و برادر زاده نوری جان خانم بنت ملا محمد شفیع هستند بعلاوه کتب نیریز مشکبیز و طلعت الانوار تألیف میرزا محمد شفیع روحانی را در اختیار دارند، مراجعه نمودم و اصلاحیه زیر نتیجه تحقیقات ما سه نفر است که با امضای آن هیئت محترم برای درج در عندلیب نوشته ام. در خاتمه توضیح میدهم که جناب آقا سید جعفر سه فرزند باسامی سید موسی، سید محمد و فاطمه بیگم داشته اند که سید محمد مخاطب لوح حضرت بهاء الله عز اعزازه در لوح (وعز زناها بهذالجمل) بوده است. با عرض خضوع.

در سطر ۱ ستون ۱ صفحه ۱۲ جد بزرگوار تبدیل شود به پدر بزرگوار
در سطر ۴ ستون ۱ صفحه ۱۲ مهیمن تبدیل شود به مهیمن
در سطر ۱۴ ستون ۲ صفحه ۱۲ بعد از دختر ایشان اضافه شود فاطمه بیگم
در سطر ۱۷ ستون ۲ صفحه ۱۲ بعد از قصبه قطرویه اضافه شود حاج محمد اسماعیل ۰۱۰۰

اشتباهات و از قلم افتادگیهای شماره ۲۹ زمستان سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۴۵ بدیع)
صفحه ۱۹ ستون ۱ سطر ۱۹ رسايش تبدیل شود به رسايش

صفحه ۶۷ و ۶۸ اسمی و عناوین انگلیسی از قلم افتاده که در شماره ۳۰ مجله صفحه ۶۲ ستون دوم نوشته شده است و نیز صفحه ۶۹ ستون دوم سطر اول Chiken House و سطر دوم Teaching House است که از قلم افتاده لذا متنمی است جای خالی را با دو لغت مذبور تکمیل نمائید.

در مورد محل صعود خطاط شهیر بهائی جناب مشکین قلم علیه رضوان الله که نویسنده هندوستان ذکر نموده بتوضیح ایادی عزیز امرالله جناب علی اکبر فروتن در شماره ۳۰ مجله صفحه ۱۵ ستون دوم مراجعه فرمائید.

اشتباهات تایپ شماره ۲۹

نادرست	صفحه	ستون	سطر	درست
با الحق	بالحق	۱۰	۱	۱۱
لذا	فدا	۵	۲	۱۹

نادرست	درست	صفحه	ستون	سطر	نادرست	درست	صفحه	ستون	سطر
رحیمهٰ	رحیمهٰ	۲۴	۱	۴۷	اختیصالله	اختیصالله	۲۰	۱	۲۱
الا الله	الا اله	۲۰	۱	۵۶	پراغیشها	پراغیشها	۱۴	۲	۲۱
بومینه	بومیتة	۲۱	۲	۵۶	مدمن	مدّ	۱۶	۲	۲۱
مدون هتل	صورن هتل	۸	۱	۶۰	سادتها	ساداتها	۲۲	۲	۲۱
دانسته‌های	دانسته‌های	۲۷	۱	۶۲	نقد	فقد	آخر	۲	۲۱
کافی اری	کافی امری	۲۴	۲	۶۸	غفرالله له	غفرالله له	۹	۱	۲۲
پیام	پیام	۱۲	۱	۷۰	عل	علی	۲	۲	۲۶
امیمت	امیت	۱۲	۱	۷۰	ورود	وروده	۱۴	۲	۲۶
قایقی	دقائقی	۲۴	۱	۷۰	فتدی	فتیلی	۱۷	۲	۲۶
دارچیلینگ	دارچیلینگ	۲۴	۱	۷۴	ارکان	او کان	۲۰	۲	۲۶
صیافت	ضیافت	۲۶	۲	۷۸	تبیهور	بیطهور	۲۲	۱	۲۷
اوریسا	اوریسا	۱۶	۱	۷۹	فاماگوستا	فاماگوستا	۲۲	۲	۲۲
در مجله شماره ۳۰ صفحه ۵۵ شرح حال مبلغ نامدار بهائی حضرت ابوالفضل گلپایگانی که بقیه اش بصفحه ۶۸ انتقال داده شده متاسفانه ۷ سطر اول با ۷ سطر دنباله آن جابجا شده زیرا در چاپخانه این قسمت افتاده و متصدی مربوطه بعلت عدم اطلاع از زبان فارسی آنرا اشتباها جابجا گذاشته است.	اضریفی				علا الجیج	على الاجیج	۱۲	۱	۴۷
ضمن پوزش از مشترکین عزیز استدعا داریم که مجلات خود را با اصلاحات مذکوره بالا تصحیح و عندلیب را از این اهتمام در اصلاح خشنود فرمایند.	لهبیب				لاتخاف	لاتخاف	۲۲	۱	۴۷
"عندلیب"	مدا التمیح				مدا للهیج	مدا للهیج	۲۴	۱	۴۷
	و اعلی				الوقود	الوقود	۲۰	۱	۴۷

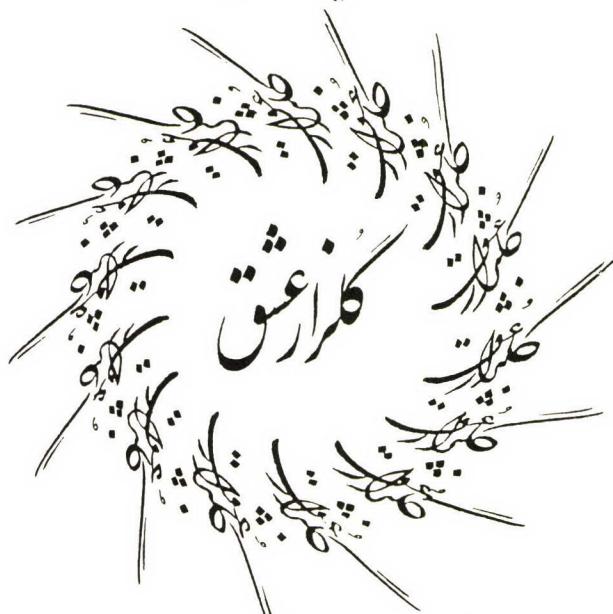
عاشقان باوفا

هریک از دیوانگان دارند خوش افسانه ئی همچو من افتاده در هر رهگذر دیوانه ئی
هرکجا شمعی است گردش پر زند پروانه‌ئی جمله اندر راه عشقش بی محابا جان دهند
گرچه بر دلدادگان تسخیر زند فرزانه ئی عاشقان باوفا را نیست پروائی زجان
کس برای سیل بنیان کن نسازد خانه ئی جز من دیوانه و دیوانگانی همچو من
میگذارد هر قدم در راه حبّش دانه ئی تا بیفتد مرغ دل در دام عشق آن نگار
سیل اشکم کرد هر کاشانه را ویرانه ئی آه قلبم کرد روی سر سفیدان را سیاه
کی دهم بر شیخ و زاهد ره به کوی میکشان خانقاہ ما نباشد جای هر بیگانه ئی
همتی کن تا بسوزم همت مردانه ئی شعله عشقت بدل باشد فروزان روز و شب
ساقیا پر کن زخم معرفت پیمانه ئی با امید جرعه ای از خمر باقی زنده ایم
شاکر درگاه اپهایم که فرموده نصیب هم وصال محرومی هم صحبت جانانه ئی

لجنہ ملی نشر آثار امری لسان فارسی و عربی

لائگنرین - آلمان غربی

۱۴ بیان - ۱۹۸۹ میلاد



اثر: عبدی

بانقد و گهاری از خضرات ایادی فقید ام راه جهابان :

حسن مؤمن بالیوزی ، ابوالقاسم فضی

و فاضل فیض دوبلیل جناب عبد الرحیم شاه ق خاور

دباره آثار این شاعر

با خط زیبای سنتی و چاپ و تجلیل فیض منتشر شد .

این مجموعه را زمینه مطبوعات امری آلمان یا سایر مرکز فروش کتب امری
دیافت فرمائید .

کتاب " گلزار عشق " مجموعه اشعار ماهر بهائی بهاء الدین محمد عبدی است که بتاذگی در دسترس یاران قرار گرفته است.

مجموعه مذبور که اخیراً چاپ شده تقریباً حاوی تمام سرودهای اوست. یقین داریم که مشتاقان ادب فارسی و دوستداران شعر از مطالعه این مجموعه نفیس حظّ وافر برده و در تهیّه آن اقدام خواهند نمود. برای تهیّه و خرید میتوان بكتابفروشی های امری محلّ و یا مستقیماً با " لجنہ ملی نشر آثار امری بزبانهای فارسی و عربی آلمان غربی " مراجعه نمود.

آدرس: Baha'i Verlag Eppsteiner Strasse 89, 6238 Hofheim/Langenhain, W.Germany

قسم نامه

« از جناب به آ، الدین محمد عبادی »
 « بخط جناب امانته موقن »

خدا یا به آئین ابھی قسم	بزندانی سجن عکا قسم
بشهبادی چهرق و خلیمیش	بتهنائی رب اعلی قسم
بخونی کزان سینه شین	شر رزد بجهان دل ما قسم
بهم الکتابی که اقدس بود	زائینه روح قوی قسم
به انوار میثاق عبد البها	که شد نیسه عالم آرا قسم
به شوقی مهین بده استان	بر آن گوهر ما پیکتا قسم
به دیوان عدل مصون اخلا	که ملهم بود چون میسحا قسم
به آن تاریخ غصن اهرمناز	که شد کشته در پای هولا قسم
به خون شیدان جان باز	به قدوس و کلبانگ ورقا قسم
که اجتابت تو جان شمار تو اند	
به سوگند عشق شیدا قسم	

جَنَابُ مَلا عَلِيْجَانُ مَاهْفُوزُكِي

هُوَ الْمَوْيِدُ الْمَحِبُّ

مازندران نمود. حکومت پس از ورود به مازندران در پارفوروش به مرحوم مغفور حجت الاسلام حاجی ملا محمد اشرفی علیه الرحمه که اجله علماء و صاحب فتوی بود در این خصوص مشورت نمود و اجازه خواست، مرحوم مغفور حاجی مذکور در جواب حکومت همچه مذکور نمود که من بر این طائفه و حقیقت شرعیه الهیه این فئه چیزی مسبوق نیستم و آگاهی نه ولی در روش و حرکاتشان نیز چیزی مشاهده نشد که مزاوار مضرت و اذیت و یا موجب قتل و غارت شوند و اجرای حکم شرع اثور شود و من اجرای این حکم را بر خود روا ندارم که اجرا نمایم. بعد این قضیه حکومت از پارفوروش عزیمت ساری نمود، چند یوم بعد ورود به ساری چهار صد سوار کرد، ترک مهیا نمود و یک یوم قبل مورخ ۲۱ جمادی الثانی سنه ۱۴۰۰ هجری شبیوی مطابق ۱۰ شهر نور طرف عصری یکنفر علی خان نام نوری با شش سوار روانه ماه فیروزک شدند، کمال پذیرائی در آن شب در پاره آن شخص با همراهانش شد و قبل از طلوع آفتاب رستم خان سردار با چهارصد سوار از جانب حکومت در این محل ریختند. حضرت شهید با هفت نفر احباء الهی که سه نفر اخوی کمیته بودند، جناب آقا سید آقامیرگ و جناب آقا سید حسین و آقا سید محمد و متعلقان دیگر جناب آقا سید عبدالله و جناب آقا سید حسین پرادر آقا سید عبدالله و جناب آقا سید خلیل و دیگری یکی از احباء رحمائی استاد نورالله سلمانی علیهم بهاء الله الامه و میثاقه را دستگیر کردند و هریک مت صهباً جام است بودند رها پرگای محبوب آمل و نائل، کتبسته وارد ساری نمودند و اموال را پغارた

حمد و مستایش و نیایش مرثیار عتبه جمال آفرینش اقدس امیهی چل عز کبریائیه و الکر التنبیه چل اجلاله للعبدیة الفرد الاحدیة روحی لتراب اقدام احبابه الفداء. خدمت دوستان و موالیان عظام روحی فدامم عرض میشود، وقوعات و تفاصیل شهادت حضرت شهید حضرت ملا علیجان علیه پهاء الله الامه و میثاقه را هرگاه توفیق رفیق شود شرح آن داده شود. چون انوار امر حقیقت نیز آفاق بطرف فوادش چنان انجذاب و تجلی فرمود، آنی آرام نبودند لیلاً و نهاراً بطور حکمت باشتنگ اعلاه امریه و انتشار نفحه الهیه بین همایه مشتعل میبود و نفوس مطمئنه راضیه مرضیه را پر ایقان یقین آشین مبین چهان آفرین دعوت و دلالت مینمود. علما در خصوص این آتش بغضبان شعله زد، اخبار و ارجاییف کذبهشان در فرود دولت ایران متواتراً در عبور و مرور بود که این شخص در مازندران اسلحه جمع نمود و پدلت نزاع دارد، دولت را اشتباه انداختند و دولت را چنان بهیم اخذ کرد، مجبور شد مفترش از طهران فرستاد به مازندران که تحقیق نماید و پس از تحقیق این مطلب معلوم شد مفتریات بود، باز لائحتی ترتیب دادند در محضر سلطان رساندند که این شخص محقق نبود دولت باز مفترش دیگر فرستاد مازندران، امیر دیوان مفترش پادشاه را مبالغ تعارفات باو نمود که مبادا دولت را مشتبه نماید و دولت متعرب عرایض شباهتشان نشود و آن شخص از آنجاشی که تعارفات و خدمات زیاد مشاهده نمود شرمنده شد و این مفتریات را صدرجه علاوه بعرض سلطان رساند، سلطان سهام الدوله را بجهت دستگیر کردن حضرت شهید مأمور حکومت

پحمدید خان سردار پنجاه خروار قورخانه و با پنج
نفر غلام شاه مأمور به مازندران نمود. حمید خان
سردار با دامادش تقی خان آمدند لاریجان حمید خان
چهارصد سوار از میرزا محمد خان لاریجانی گرفت
وارد ساری نمود، حمید خان چون خوف داشت که
مبارا کسی پشت سر بلند شود، چهارصد سرباز
پیاده از سهامالدوله خواست حکومت نیز چهارصد
سرباز دیگر مهیا نمود، سان عسکر دیدند نجار
آوردند و پایشان را گند نمودند، وزن هر یک
گند پنج من بود در حین گند نمودن خلق مثل
پاران پر سر آن مظلوم ریختند، گند از پس
سنگین بود آن مظلوم با پای گند نتوانست سوار
شود فرآشها بازویش را چسبیدند پرند در
سبزمیدان با سایر مظلومان سوار قاطر پرهننه
نمودند، چهارصد سرباز پیاده جلوی آن مظلوم با
طبیل و شیپور، چهارصد سوار میرزا احمد خان
لاریجانی پسر عبام قلی خان لاریجانی آن مظلوم را
وارد طهران کنند. حمید خان سردار یک فرسنگ
از خروج شهر دیگر مطمئن شد، خوف و خطری
نشد، این چهارصد سرباز پیاده را مرخص کرد و
چهارصد سوار مأمور تا طهران بودند، قبل از ورود
به بارفروش حمید خان قاصد فرستاد در نزد
حکومت که حکومت کوچه و بازار را تأمین نماید
که مبارا طائفه بهائیان جلوگیرشان شوند و
حیدرقلی خان که حاکم بارفروش بود پحمدید خان
پیغام نمود که داخل بازار نمایند و پشت بازار
پهلوی داخل سبزمیدان کنند که مبارا خلق ازدحام
کنند که آن مظلوم را بهلاکت پرسانند، بعد وارد
سبزمیدان نمودند و سبزمیدان از کثرت ضوضا و
غوغای خلق بهقیقی بود که این چهارصد سوار خلق
نتوانستند جلوگیرشان نمایند حیدرقلی خان با
اجزایش با این چهارصد سوار جلوگیر خلق نمودند
و این مظلوم با سایر مظلومان را در میان این
جمعیت خارج نمودند و از بارفروش خارج کردند
و دو فرسخ خروج از شهر بارفروش در ترک محله
حیدرقلی خان پرای حمید خان ناهار فرستاد و آن
ترک محله نیز ضوضاء نمودند و از آن جا در
آمل، سه روز در آمل نگهداشتند و بسی اذیتها

پرند و چهار نفر دیگر اغیار اهل کسبه پودند
سر مزرعه خود میرفتند و در این محل عبور
میکردند پعنوان احباب دستگیرشان نمودند، اینها
را نیز پهراهیشان وارد ساری نمودند و در مقارن
غروب، حکومت ولی نام کلائیتر ساری را با پنجاه
شصت نفر سوار پی این کمینه فرستاد آن شب تا
صبح نهایت اذیت و صدمه وارد آوردند کمال صبر
و تمکین در سبیل جهان آفرین حاصل و هرقدر اده
و پراهین پر مظاهر قدسیه الهیه قبلیه دلالت
میشدند فائده نبخشید بلکه سبب ازدیاد بغض و
عداوتشان میشد و آنچه اموال و کتب رسمی زیاد
و آیات و فرمایشات آله بود کلائیتر بغارت پرد.
کمینه با پنج نفر امام الرحمن دور هم جمجم
بودیم و با دو نفر مرد یکی آقا سید خلیل مذکور
بود و دیگری آقا حاجی آقا نام بود و احباب نبود
که پس چندی تصدیق امر الله نمود و دو طفل
نیز بودند یکی پسر بود نامش آقا شیاء الدین
بود و دیگری دختر بود اسمش بقائیه بود، پسر
 محل دیگر آواره بود دختر نزد کمینه بود.
کلائیتر علی الصباح این کمینه با آن پنج نفر
امام الرحمن با یک طفل با مشقت تمام گاهی
سواره گاهی پیاده وارد شهر ساری نمود از ضوضا
و همه خلق، کلائیتر در عبوری که خطر کشتن
اسراء بود مواظبی پرقرار نمود تا وارد خانه خود
نمود و در آن جا دو ساعت متوقف، و کلائیتر پس
از حصول اذن حکومت، کمینه با این امام معدوده
را در محضر حکومت حاضر نمود و خلق کثیری
جمع شدند، مکاله نمود و پر طبق مکالمه و
سؤال جواب شنید و اذن پرگشتن نمود و حضرت
شهید با سایر مظلومان ایدهم الرحمن بیست و شش
روز در ساری حبس بودند و حکومت چند نفر
علیای ساری را حاضر نمود که این احکام و
فرمایشات را ملاحظه نمایند که حقیقت این امر
میرم را معلوم و محقق نمایند، حضرات پر تحقیق
این امر منیع رأی ندادند، و تشخیص دادن پر
حق و باطل مائل و نائل نبودند خلاصه امر سلطان
پر برد آن مظلوم با سایر مظلومان پشتر طهران
صادر، حکومت پدولت چهارصد سوار خواست دولت

مذکور عودت دادند. بعد از یک یوم دیگر در پیست دوم شهر شعبان المطعمن مطابق ۹ شهرکمال در یوم جمعه و یوم الاستقلال چهار ساعت پغروب ماهه عوایان غیور با طبل و طنبور میدان شهادت پرندند. بعد از ورود محل مقتلش از میرغضب مهلت خواست، آب طلبید، وضو نمود، تلاوت آیات و مناجات نمود، به میرغضب مبالغ وجه نقد تقدیم نمود، بعد به میرغضب اظهار نمود حال آنچه مأمورید معمول نما. پس از شهادت نعش مبارکش تا مدت سه روز در محل مقتلش ماند، نفسی چرئت حمل نعش نداشت و دو امام الرحمن حمل نعش مبارک نمودند و پس از این واقعه نایب‌السلطنه آمد با اجزاش در میدان مشق بازماندگان را احضار خواست، اسامی‌شان را ثبت نمود حکم پردن با انبار دولت نمود و دو سال در آن محبوس بودند و یکی از آن چهار نفس مذکوره محمد تقی شام در محل محبس مقرر و معترف به ایمان و ایقان موجد امکان، موئیّد و مستغیض گردید، استاد نورالله سلامی علیه بهاء الله و میثاقه در زیر کند و زنجیر پر رحمت حق پیوست که او قلم مرحمت شیم جمال قدم روح العالم فدا کلمه شهادت در پاره‌اش نزول و صدور یافت، سایر بازماندگان بعد از مدت دو سال از حبس رها شدند، رجوع بوطن مؤلف نمودند و این نفوس مقدسه دار فنا را وداع نمودند و پیاله پتا متوجه و متصاعد و یکی از آن وجود مقدسین جناب آقا سید حسین پرادر آقا میرعبدالله مرحوم مغفور علیهم بهاء الله که سابق مذکور شد، ایشان در قید حیاتند، زیاده چه چمارت نمایم.

كتبيته كمترين كعيته امة البهاء ضلع من استشهد في سبيل الله جمال اقدس الابهی، في مورخ ۱۶ شهر ذيقعدة الحرام سنة ۱۲۲۱ مجری نبوی مطابق ۱۶ شهر العلم.

نوصح

جناب ملا علی جان ماهفروزکی مازندرانی که از قلم جمال قدم و اسم اعظم بلقب "علی اعلیٰ"

وارد شمودند. پنجاه خروار قورخانه که از طهران حرکت دادند ده خروار را وارد آمل نمودند و آن مظلوم را هم وارد آمل نمودند مابقی دیگر در وسط راه ماند. میرزا احمد خان لاریجانی پیغام نمود که دیگر آوردن قورخانه لزوم ندارد و قورخانه را پس از آمل با سایر مظلومان سه شب در لاریجان متوقف، حمید خان قطع آب و نان نمود جعفر قلی بیک نامی در خفیانه در نیمه‌شب رسیدگی آب و نان مینمود، نهایت احترام و پذیرائی و مواقبت را مجری میداشت، حتی پسرش چون در اردو بود تا طهران از برای رسیدگی و مواقبت آن مظلوم سفارش نمود ولی از خوف نتوانست درست رسیدگی نماید. خلاصه حضرت شهریاری عزیمت سفر خراسان نمود پس از خروج از طهران در بومهن چندی متوقف بود. حضرت شهید پحمیدخان اظهار نمود که ما را در محضر شاه حاضر نمائید که هر قسم رأی موكب همایوی فی قرار گیرید مجری پدارد. حمید خان مصلحت نمیداشت، مذکور نمود که شاید در جمیع این اسراء بعضی مسلمان باشند که مبادا پموجب غصب سلطانی اینها نیز مقتول شوند و باشد عذاب و خطاب وارد طهران نمود. پایشان از صدمه کند تا سینه ورم نمود، بعداز ورود طهران پحسب امر نایب‌السلطنه پرند نزد وزیر نظام، به حکم وزیر نظام، آن مظلوم را با چراحت پا با کند و زنجیر با سایر مظلومان با مشتت تمام پرند انبار نایب‌السلطنه، بیست و شش روز در آن انبار بودند. نایب‌السلطنه در خصوص قتل حضرت شهید متواتر میرفت نزد حاجی ملا علی کندی اجازه خواست و حاجی ملا علی کندی اجازه نداد، گفت من در خصوص این شخص فتوی نمیدهم. خلاصه آنکه شاه برای قتل آن مظلوم در طهران پنایب‌السلطنه تلگراف نمود، نایب‌السلطنه آن مظلوم را احضار حضور نمود مخاطب نمود که پخدای خود بگو که ترا نجات بدهد در چوایش عنوان نمود جان که در سبیل دوست ایثار میشود عین حیات و نجات است و پس از عنوان سوال و چواب بمقام

نقل از صفحه ۶

حضرت ولی امرالله عبارت THE PAINFUL SLOWNESS را در باب کیفیّت ظهور مدنیّت جهانی بهائی بکار برده اند.

۲۵ - رجوع فرمائید به اثر حضرت ولی امرالله A DIVINE ECONOMY در نشریه WORLD ORDER مارچ ۱۹۳۵ میلادی .

۲۶ - رجوع فرمائید از جمله به کتاب مبارک مفاوضات ، بحث اعتصاب .

۲۷ - مأخذ بالا.

۲۸ - مأخذ بالا.

۲۹ - توقيعات مبارکه حضرت ولی امرالله ، جلد دوم ، مؤسسه ملی مطبوعات امری ، طهران ، سنه ۱۲۹ بدیع ، صفحات ۲۷۰ - ۲۷۱ .

۳۰ - توقيعات مبارکه حضرت ولی امرالله ، جلد یکم صفحه ۱۴۳ .

۳۱ - رجوع فرمائید از جمله به صفحات ۱۲۸ ، ۱۲۷ ، ۱۲۲ ، ۲۶ ، ۴ توقيع مبارک حضرت ولی امرالله THE PROMISED DAY IS COME طبع سال ۱۹۴۱ . بیان مبارک در صفحه ۲۶ توقيع مذکور دقیقاً توضیح تفاوت صلح اصغر و صلح اکبر است.

۳۲ - توقيع مبارک سنه ۱۰۵ بدیع ، لجه نشر آثار امری ، طهران . صفحات ۶۲ - ۶۱

۳۳ - مأخذ بالا صفحه ۷

۳۴ - مأخذ بالا.



مفخر شده از شهدای سال ۱۳۰۰ هجری است. سالی که شاهد یکی از دهها بار توطئه و تزویر و اذیت و آزار بهائیان در ایران بوده است.

جناب ملا علی جان را در طهران شهادت رساندند. سن ایشان در هنگام شهادت ۳۸ سال بود. ملا علی جان در معارف دینی و اسلامی مقامی والا داشت با این همه مراتب ایمان و شهامت و روحانیت چنابش دیگر شئون و مقامات او را از یادها برده است. شرح حیات و خدمات شجاعانه جناب ملا علی جان در ستون تواریخ امر بهائی ثبت است. از جمله میتوان به کتاب مصابیح هدایت جلد چهارم مراجعه نمود.

شرح بالا یادداشتی است که توسط همسر غیور و فداکار آن شهید بزرگوار نوشته شده و اگر چه انشای آن خالی از نارسائی و ناروائی نیست با این همه از لطفتی نهانی بر خوردار است که از انجداب ایمانی نویسنده حکایت میکند. اهمیت این سند تاریخی از دو جهت است. نخست آنکه نویسنده خود در همه موارد حاضر و ناظر بلکه شخصیتی مؤثر و فعال در آن گیرودار بوده و دیگر آنکه نویسنده از طبقه نسوان است. یعنی در زمرة چنان زنانی است که در این دور اعظم مظہر خلق و خلق جدید شده و در همه شئون پاپای دیگر عزیزانشان بخدمت برخاسته اند.

علویه خانم همسر جناب ملا علی جان دختر دائم ایشان نیز بود و در هنگام شهادت همسر فقط ۲۳ سال داشت. جناب حاج میرزا حیدر علی اصفهانی در بهجت الصدور (ص ۲۳۸) بیانات حضرت بهاء الله را راجع به شخصیت مشاراً الیها چنین نقل کرده است: "طلع آن حضرت امة البهاء حضرت علویه خانم را والی مازندران وقتی که اسیر کرده بود پرسید. تو گفته ای من حضرت صدیقه طاهره هستم؟ فرموده بود نگفته ام و حال میگویم یقین نمودم که ذریّه حضرت صدیقه هستم که فی سبیل الله اسیر شده ام"

بیاد مهاجرین عزیز

«از جان ب ہو شکت گھریز»

برمohaایشان حکایت از عمری مملو از اتعاب و اصعب مینمود آهسته و آرام نزدیک شده دیر حالیکه دستهایشان بهم گره خورده بود با تائی روی تخته سنگی بفاصله کمی از من نشستند معلوم بود که سالهاست باهم انس و الفت دارند. از نگاهشان بیکدیگر دریافت که مخمور باده عشق و صفائید و سرمست جام وفا، از طرز صحبت و نگاهشان برミآمد که عاشقان مستی هستند که از رحیق مختار و کاوس ما ظهر جرعه ها نوشیده و سرمست جام محبت و وفایند. معلوم بود که از سرزمینهای دور بعنوان مهاجر و میسیون مذهبی به این جزیره آمده اند.

بی اختیار بیاد آن زوج عزیز در ایران افتادم، به شیراز مدینه عشق و گل سفر کردم ، بیاد روزی افتادم که همراه آن عاشق دلداده و فارس دلباخته برای زیارت روی مهاجرین عزیز به میمند میرفتیم. در کنارهم گفتان و خندان راه طولانی شیراز به میمند را طی کرده از هر دری صحبت بمیان میآوردیم. او از مهاجرتش بکشور ایطالیا صحبت میکرد و شادو خندان مانند گل صدبرگ قهقهه سرمیداد و دشت و صحراء را معطر مینمود. صدایش که در جاده بین کوهها می پیچید به جاهای دور دست رفته انکاسش شنیده میشد. وقتیکه از مشکلات واستعماش در نقطه مهاجرتی صحبت میکرد چشمانش برق خاصی داشت. نمیدانستم که روزی این شهید عشق چراغ جانباختگان صدر ظهور را فروزان میکند و بهمان خلعت سرخ شهادت مشرف و مفتخر میگردد.

امروز صبح آسمان بشدت میبارید. هوا منقلب بود. ابرهای ضخیم و تیره در پهن دشت آسمان مانند پهلوانان کوه پیکر در کشاكش میدان رزم برهم تاخته یکدیگر را در هم میکوتفند و از برخورد آنها صدای رعد آسائی آفاق را میلرزاند. اما بعد از ظهر آفتاب جهانتاب سحاب تیره را برهم زد و خورشید عالمتاب بر سقف نیلگون آسمان بدرخشش پرداخت و دیده شیخ و شاب را بانوار گرم خود روشنی بخشید.

برای اینکه ساعتی را دور از غوغای شهر و قیل و قال زمانه بگذرانم به صخره های کنار جزیره پناه برده روی تخته سنگی نشستم. دریا که تا لحظاتی قبل پر تلاطم بود و امواج کف آلودش با عجله بجنو آمده با قوتی بیمانند خود را بر صخره های ساحل کوفته بعمق نیستی فرومیرفتند اکنون آرامتر شده اما امواجش بدون وقفه در تکاپوست و جوش و خروشش باقی و مداوم.

این امواج همانند انسانهای حریصی هستند که در اقیانوس بی انتهای وجود سائر گشته خود را بر صخره های ساحل جهان فانی مادیت میکوبند و از شدت و ضربت و حدت آن درهم خرد و متلاشی شده بدیار نیستی برمیگردند. آنان در ظلمت مدنت مادی و شئونات فریبنده دنیای ترابی سرگردانند و نمیدانند که "حرص را باید گذاشت و بقیاعت قانع شد زیرا که لازال حریص محروم بوده و قانع محبوب و مقبول " (۱)

همچنانکه بامواج دریا و افق دوردست خیره شده بودم زن و شوهری پیر که گرد سفید کهولت

آن صفاتی لاهوتی محل و منزل نموده.

او مانند هدّه سبای عنایت و حمامه گلشن محبت از رائجه قمیص بها از رضوان بقامور نمود و بر سدره افنان بقا جالس گشت و به مقامی واصل گردید که طیر اندیشه انسان بدان راه نیا بد و چگونگی آن به قلب احدي خطور ننماید.

دریا همچنان زیبا و آرام و پر صلابت و اطمینان است. مرغان دریائی صف در صف آسمانها را شکافته چون برق در گذرند و بدیار دور دست کوچ مینمایند. زن و شوهر پیرهمچنان برجای خود جالس و مشغول صحبت اند. میدانم که آنها برای تبلیغ باین جزیره مهاجرت کرده اند از خانه و کاشانه خود دور شده اند تا پیام مسیح صبح را بمدمان جزایر بیشماری که در این اقیانوس بیکران پراکنده هستند برسانند. در قبال این خدمت به نان و آبی رسیده اند، مال و منالی اندوخته اند، و از حطام دنیا تا توانسته اند پشت خود را بسته اند. بهمین خاطر است که در نهایت رفاهیت و جلال زندگی میکنند.

اما حال مهاجرین دلیر و مجاهدین شجیع امرالله که در اطراف و اکناف گیتی بفرمان سردار جیش عمرم بهاء پراکنده هستند طور دیگری است. آنها هفت وادی عشق را یک شبه پیموده . مانند نسیم صبابه امر خالق الاصلاح در هیوب و مرورند و باین مناجات دمساز: "سبحانک اللہم يا الهی استلک باسمک المهيمن على الاسماء بان تجعلنى متمايلاً به ارياح مشيتک و متحرکاً بسلطان ارادتك ثم اجعلنى راضياً بما قدرته لي بجودك و فضلک و مستقيماً على امرک بين خلقك انک انت المقتدر المتعالى العلی العظيم " (۸)

خیلی جوان بود که به ندای مهیمن سردار جند هدی و بفرمان قائد مقتدر ملکوتی خویش لبیک وفا گفت که فرمود : "البدار البدار يا معشر الابرار قوموا عن مقاعدكم و انفقوا ما وهبتكم ربکم و اهجروا دياركم و اوطانکم و انصروا ايارئکم و بلعوا الناس ما بلغکم محبوبکم و مولکم " (۲)

لذا در عنفوان جوانی و شباب زندگانی ترك يارو دیار نمود و سرگشته اقلیم عشق و انقطاع و گمگشته کشور تسلیم و رضا شد و مصدق این بیان جمال قدس جانان گردید که در حق چنین نفوسي فرموده . "طوبی از برای نفسیکه در اول جوانی و ریحان شباب برخدمت امر مالک مبداء و مآب قیام نماید و به حبیش مزین شود ظهور این فضل، اعظم از خلق السماوات و الارض است طوبی للراسخین و نعیماً للثابتین " (۳)

چون میدانست که " این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه ای نبوده و نیست " (۴) عاشقانه از وطن مألف دور شده روانه میدان هجرت گشت . او پیام الهی رالبیک وفا گفت تا تشنگان وادی حربان را از سرچشمہ تعالیم الهی سیراب نماید او میدانست که " عالم تشنه تعالیم الهی است چشمہ زلال هدایت را در یک محل سد بستن و از جریان و سریان بازداشت خلاف عدل و انصاف است " (۵)

او میدانست که "قطعی زدکان مائدہ آسمانی در هر دیار در حال احتضارند رزق معنوی را باریار بیک انبار تهادن شرط مروت و وفانیست " (۶) اکنون سالهاست که آن فرید قربانگاه عشق و وفا لانه و آشیانه کرده . آن مرغ چمنستان حقیقت و رضا در رضوان خوش لامکان سکنی گزیده، و در آن فضای ملکوتی و

دادند، که آنان را بخروج و کفاح لشگر نجاح فرمان داد. سر تسلیم باراده مالک ابداع سپردند و اراده مشیت خود را فانی و تفویض به اراده حق نمودند. با اینکه در این رهگذر زهر هر بلائی چشیدند و رنج و تعجب فراوان دیدند اما از وفای بعهد جمال ابھی چشم نپوشیدند زیرا میدانستند که "پروانه جان سوخته باید حول شمع رضا پرواز گیرد نه آنکه در تار عنکبوت این دنیا بیهوده و ناروا دست و پازند. بلبل خوشنوا باید در گلستان وفا نعمه دلنشیں سرآید نه آنکه در قفس زرین ناله حزین سردهد" (۱۱)

دریا همچنان زیبا و آرام است هزاران بل میلیونها امواج کف بربل چون لشگریانی که برخوان یغماً میشتابند به عجله خود را بر ساحل میکوبند. زن و شوهر در حالیکه دستهایشان بهم گره خورده بارامی از جا پرخاسته با تأثیر برآ افتادند. نگاه جانانه بمن کرده لبخندی زدند و آهسته و آرام از راهی که آمده بودند برگشتند. هنوز هم مهر و وفا از رفتارشان پیدا بود و معلوم بود که سالهاست باهم انس و الفت دارند.

یاد عاشقان جمال رحمن و مهاجرین عزیز پراکنده در جزایر این اقیانوس پهناور روح را شاد و قلب را امیدوار و انسان را ببر چه هست خوشبین میسازد. زیرا آنان را کبوتران سفید بالی دانسته که پیام عشق و محبت سلطان احادیث را زیر بالهای خود داشته بنقطاط دور دست جزایر و ممالک بعیده آفاق میرسانند آنان میدانند که . "نفس حرکت لوجه الله در عالم مؤثر بوده و هست و در کتب قبل مقام توجّه مخلصین به اطراف لاجل هدایت عباد مذکور و مسطور" (۱۲)

لذا با اجنه تقدیس و انقطاع و پرهای تسلیم و

انان همچون یکه سواران مضمار وفاق و فارسان دلیر میدان تسلیم ورضا مانند اوراق اشجار در همه دیار چون هبوب اریاح در حرکتند تا بجان تازه در کالبد این جهان افسرده دمیده مردم را از لوه لوه حبّ الهی که در خانه قلب بودیعه گذارده اند نصیبی رسانند و از درّ و مرجان تعا لیم الهی که در وجود خویش پنهان دارند بر ساحل امکان ریزند. تاشاید گمگشتنگان بیداء ضلالت را به ساحل مقصود رسانند.

این طیور ملکوت و این حمامه های عشق که پیام الهی را با خود دارند میدانند که " به دو عنایت اعظم لاظریلهم و لاشبیه لهما فائزند اول بذكر الله جل جلاله که مقصود از خلق عالمیان است و ثانی هجرت در سبیلش" (۹)

لذا در هوای قدس جانان پرواز کرده ، بہر بوم و برکه میرسند مشام جان مشتاقان و پویندگان راه حق را از استنشاق رضوان خوش لامکان معطر نموده ، مانند مرغ چمنستان عشق و انقطاع و بلبلان گلشن عنایت و وفا خود را فدای اهل عالم مینمایند، و توجه باین بیان جمالقدم دارند که بآنان فرموده . " مشاهده در اوراق اشجار نمائید که نزد هبوب اریاح چکونه خاضع و خاشع و با تسلیم مشاهده میشوند اگر از جنوب در هبوب است باجهت مایل كذلك بجهات اخرب انسان نماید کمتر از اوراق مشاهده شود انساء الله كل نزد هبوب اریاح مشیت الهی بکمال تسلیم و رضا ظاهر شوند یعنی به اراده او حرکت نمایند و به مشیت اوناطق و ذاکر و عامل " (۱۰)

بهمین سبب در نهایت تسلیم و رضا چون ابطال میدان اطمینان گوش بفرمان سپه سالار عشق

و آرامش وجودان معدهم. محال است کسی احساس سورر نماید و قلبش راحت گیرد، زیرا آنچه متعلق باین جهان فانی است موجب رحمت و مشقت است و عاقبت حسرت اندر حسرت " (۱۴)

جمال اقدس ابی عزیزان مهاجر خویش را باین عنایت عظمی مفترخ و متباهی فرموده . "امر مهاجرت یکی از بدایع عنایات الهیه در این عصر اعظم است کسی بحقیقت آن واقف نگردد و اثرات سریه غیبیه آنرا کمتر نفسی است که ادراک کند " (۱۵)

عزیزان دل و جان اگر باین ندا توجه داشته باشند که "امر اصیل مهاجرت از امور اساسیه بلکه اولین وظیفه مقدسه یاران " (۱۶) است باقلب ظاهر و منیر و صدر مقدس موقعیت کنونی عالم امر را مورد توجه و دقت و عنایت خاص خود قرارداره، ایام معدوده حیات را بر محور تحقق نوایای معهد اعلی وفتح روحانی مراکز و نقاط لازم المهاجرت صرف کرده ، بیقین مبین تأییدات ملء اعلی و امدادات غیبیه الهیه شامل حالشان گردیده، شاهد مقصود را در آغوش خواهند گرفت، و پیوسته این پیام مرجع اعلی را در نظر دارند که میفرمایند: " ای یاران میدان مجاهدت مفتوح است و تأیید چند ملء اعلی محتوم و سپاهیان ملکوت مستعد کفاح و هجوم. نظر به ضعف و ناتوانی خود و شدت مواقع مقابله مفرمائید شمع منیر اگر چه حقیر است بزم افزوز است و آتش سرکش هر چند شدید است خرمن سوز.

به وعود مصّرّحه در آیات الهیه مطمئن باشید و نظر به الطاف جمال ابی فرمائید که با صريح بیانات مبارکه" عنایاتش قطه را موج دریا دهد و ذره را اوج ثریا بخشد مور نحیف

رضاء پرواز باوج فلك اثیر کرده ، در هوای قدس جانان طائرشده، قدم در میدان مجاهدت گذارد، و آستین توکل برکل تعلقات موجود افسانده، قلوب یخ زده اهل عالم را با حرارت تعالیم الهی مشتعل کرده گرمی می بخشن. آنان که فریدان قربانگاه عشق و صفايند و وحیدان میدان انقطاع مأمورند تا قلوب افسرده اهل عالم را با حرارت محبت الله و گرمی آفتاب نفحات الله بظهور رب الارباب بشارت دهن.

آنان میدانند که رضای خود را نباید ببرضای دوست اختیار کنند، لذا خود را پای بند شؤونات ظاهر فریب این دنیاى ترابی نکرده ، بقوا دم توفیض در هوای مالک ائم طائر گشته ، برشحه ای از بحر انقطاع فائز شده اند.

آنان میدانند که "اگر نفسی قطه ای از بحر محبت بیاشامد و یا برشحه ای از بحر انقطاع فائز شود جمیع عالم را شبه یک کف تراب مشاهده نماید و آنچه در آسمانها و زمین است او را از سبیل سالک سبیل وفا و مجاهد میدان صفا شده اند.

حال که عندلیب بقا بر افنان سدره منتهی ندا میدهد که ای مقتبسان ثار محبت الله، وای مجاهدان دلیر میدان انقطاع، با قلب پاک و نیت خالص توجه باشطار بعیده نمائید، تا از بحر وصالش بیاشامید و از رحیق مختومش قسمت برید، خود را بزیور این جهان فانی میارائید و به آلیش دنیاى بیهوده تن درندهید، وظیفه ما ستایندگان اسم اعظم آنستکه این مسئول را مستجاب نمائیم تا "مبادا که اشتغال بامور نالایقه و تعلقات بشیون ثانویه ما را از کسب سعادت ابدیه محروم دارد و سلب تأیید نماید. در جائیکه رضای الهی نباشد آسايش جان مفقود است

- ۱۶ - توقیعات مبارکه جلد ۳ صفحه ۳۱۱
- ۱۷ - پیام نوروز ۱۳۱ بدیع صفحه ۴۹
منتخباتی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الٰی
- ۱۸ - پیام ۹ شهر الشرف ۱۳۱ بدیع صفحه ۳۹
منتخباتی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الٰی

اطلاعیه

استمداد از احبابی عزیز ایرانی مقیم ممالک غریبیه

برای تدوین و انتشار مجموعه آثار شهید مجید
جناب بدیع الله فرید اعلی الله مقامه به آخرین
اثر ایشان ، رساله " عرفان و عمل " که در
اواخر سال ۱۳۵۲ شمسی در طهران منتشر شد ،
احتیاج داریم .

از احبابی عزیزی که این رساله را در اختیار
دارند استدعا میشود یک نسخه چاپی یا فتوکپی
رساله فوق الذکر را به دفتر مجله " عندليب "
یا آدرس ذیل ارسال فرمایند . هرگاه نسخه
چاپی را ارسال فرمودید ظرف یک هفته عیناً
جهت فرستنده عودت داده خواهد شد .

از مساعدت شما کمال امتنان حاصل است .

PLK.010095B

آدرس :

61-DARMSTADT

W. GERMANY



را جلال سلیمانی عطا فرماید و پشه ضعیف را عقاب آسمانی سارد همت کنید . قیام فرمائید که دور دور شماست و شاهد مقصود در انتظار شما و طبی لفائزین " (۱۷)

• چه شبها که رفت و چه روزها که درگذشت
و چه وقتها که با آخر رسید و چه ساعتها که با انتها
آمده و جز باشتعال دنیای فانی نفسی برنیامد
سعی نمائید تا این چند نفسی که باقیمانده باطل
نشود عمرها چون برق میگذرد و فرقها بر بستر
تراب مقر و منزل گیرد دیگر چاره از دست
رود و امور از شست " (۱۸)

مأخذ و منابع

- ۱ - کلمات مکثونه صفحه ۲۵
- ۲ - توقیع مبارک ۱۱۰ بدیع - توقیعات مبارکه صفحه ۲۲
- ۳ - پیام رضوان ۱۹۸۲ بیت العدل اعظم الٰی
- ۴ - لوح دنیا صفحه ۵۰
- ۵ - ۶ و ۷ - پیام ۹ شهر الشرف ۱۳۱ بدیع صفحه ۳۶
منتخباتی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الٰی
- ۸ - کتاب آنچه کند او کند صفحه ۱۶۲
- ۹ - نفحات قدس صفحه ۲
- ۱۰ - آثار قلم اعلی جلد ۶ صفحه ۱۶۶
- ۱۱ - پیام ۹ شهر الشرف ۱۳۱ بدیع صفحه ۳۹
منتخباتی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الٰی
- ۱۲ - ظهور عدل الٰی صفحه ۱۷۱
- ۱۳ - گلزار تعالیم بهائی صفحه ۲۹
- ۱۴ - پیام ۹ شهر الشرف ۱۳۱ صفحه ۳۷
منتخباتی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الٰی
- ۱۵ - مجله آهنگ بدیع شماره ۳۳۷ صفحه ۵۶

«از تغیرات استاد علیراد اودمی هی به مقام»
«فرستنده جانب مژوی»

جمال و وقار

سازند نه از این روست که آنانرا از زیبائی و زیبا نمائی دور سازند بلکه آنچه میخواهند این است که روی آوردن به سوی زیبائی را با ترک عفت و وقار و ادب به یک معنی نگیرند. ملاحظه فرمائید آنچه که قلم اعلی در وصف یکی از عالیترین مظاهر جمال تغّنی میکند و موسیقی را نرdban روح آدمی در عروج به عرش اعلی می شمارد، چگونه ما را به لزوم ادب متذکر می سازد و هر جای دیگر نیز فرستی دست میدهد ما را به ادب وصیت می نماید و آنرا سرور اخلاق می شمارد.

پس بزرگتران شما که خود را مکلف به اطاعت قلم اعلی میدانند بربخود واجب میگیرند که از یک سوی شما را به زیبائی بخواهند و از سوی دیگر به ادب محدود سازند. از یک سوی شما را در میان مردم عنصر لطافت جلوه دهنده و از سوی دیگر مانع از این شوند که سبکسر و بی وقار باشید. شما عزیزان مائید. مایه آرایش گلشن ابهائی باید چنان باشید که هم به زیبائی شما ببالیم و هم از پاکی شما دم بزنیم. لطافت را با متنانت الفت بخشید، آراستگی را با سنگین بیامیزید آنگاه بچشم خود ببینید که با چه شکوهی در انتظار خاص و عام به جلوه درمیآید و چگونه جمال شما که با کمال اهل بها آمیخته شده چشمها را خیره میسازد و زبانها را در ستایشتان به نغمه سرائی و ترانه سازی وامیدارد.

آیا شما جز این می خواهید؟

کسی منکر آراستگی نیست، آراستگی شرط زیبائی است و زیبائی از عالیترین جلوه های حیات آدمی است.

امر بهائی زیبائی را ستوده و در بزرگداشت آن کوشیده است، به شیواترین بیان دروصف جمال و مظاهر آن سخن رانده و قدر آن را به عرش اعلی رسانده است.

لوح رویا را بخوانید لوح حوریه را از نظر بگذرانید تا ببینید قلم اعلی در تمثیل به آیات جمال چه ها فرموده است. جمال را فخری برتراز اینکه مظہر کلی الهی را جمال قدم و جمال مبارک و جمال ابھی می خوانیم و از این راه قدر جمال را چندان فرا میبریم که آن را همچون تاج بر تارک هستی می نشانیم، نیست پس بجاست که اگر اهل پها بگویند که باید خود را به مقام جمال نزدیک ساخت و از آنچه مناسب با جمال نیست روی گردان بود. مگر نه اینکه جمال قدم به صریح بیان می فرمایند. « میخواهم که جلوه گاه بهشت برین در روی زمین باشید و عنصر لطافت در میان مردم بشمار آئید »

(تفقیقی از مضمون دو آیه کتاب اقدس) اهل بها بحکم چنین اعتقادی نمی توانند از جوانان خود بخواهند که پشت پا به آراستگی زنند و از این راه در میان خود و زیبائی جدائی اندازند. پیروان اسم اعظم و دلدادگان جمال قدم هرگز نمی توانند آنچه را که منافی زیبائیست خواهستان باشند. راهی را که پسوی رشتی میرود برگزینند و درس کثر طبعی بیاموزند. پس اگر بخواهند که جوانان خود را در پوشش و آرایش محدود

ورو دل جوانان

بهمانگونه از شدت عمل و تحميل عقاید ما را منع میکنند و در اينخصوص ميفرمایند "بهائیان باید همت در ترويج و اقتباس از حسنات اهل غرب نمایند نه تقليد سیئات آنان". بسياري از اشتباهات جوانان از کمبود محبت است: البته منظور ابراز محبت از طرف مادر و پدر هردو میباشد. شاید تصور شود جوان بیست ساله نیازی به نوازش محبت آمیز ندارد حال انکه محبت گرمی بخش و روشنائی ده خانواده است.

مسئله مهم دیگر تشویق آنان به خدمات امریه است پدر و مادر روش فکر ضمن اینکه اهمیت درس و مدرسه را به فرزندان خود گوشزد میکنند باید به او تفہیم نمایند که مقصود از تحصیل در مدرسه و دانشگاهها موقفیت در خدمات امریه است و اگر موردی پیش بباید که ترک تحصیل لازم باشد اقدام باینکار خواهد کرد و همچنین والدین باید با عشق سرشار منازل خودشان را در اختیار فرزندان خود جهت برگزاری تشکیلات امریه قرار دهنده چه چیز لذت‌بخش‌تر از این میباشد که در خانه ما قیافه‌های شاد و بشاش جوانانی را ببینیم که در عوض رفتن به مجالس و میهمانیهای غیر اخلاقی گرد هم جمع شده از عشق و محبت و خدمت به آستان الهی حرف میزنند حضرت عبدالبهاء جل ثنا نه ميفرمایند" از قرار معلوم شما را نیت چنان که خانه خویش را کاهی به اجتماع بهائیان قرین نمائید تا بعضی به تمجید رب مجید پردازند. اینقدر بدان که اگر چنین بنمایی آن خانه تراپی آسمانی گردد و آن هیكل سنگی محضر رحمانی شود" و همچنین ميفرمایند "چنین وقت و زمانی را باید بسیار غنیمت شمرد و دقیقه ای فتور نباید کرد تا تواتید بکوشید تا قوای ملکوتیه شدت نفوذ یابد و اشعه ساطعه در این عصر جدید عالم افکار و عقول را روشن نماید ."

جوانان با شما درد دل میکنند با شمائی که آنان را بوجود آورده اید با شما که عمری را صرف تربیت آنان نموده اید بگذارید بگویندو اینبار با سمع قبول بپذیریم باید راهی برای مشکلات آنان پیدا کنیم جوانان سرمایه های ما، اثمار و نتیجه مهاجرت بوده و دنیای آینده امر از آنان انتظارات زیادی دارد.

رسم باعیان این است که جوانه های نوخاسته و گیاهان از زمین رسته را به زمینهای جدید میبرد تا باغ و بوستان های تازه ای پدید آید گل هائی که تهیه میکند از شاخه های جوان است حال چگونه سر سبزی و لطفت این درختان را حفظ کنیم.

خانواده اولین نگاهدارنده لطافت و زیبائی دهنده این درختان تازه رس هستند چون اجتماع بزرگ آینده از همین تشکیلات کوچک درست میشود اگر به این عزیزان نرسیم چگونه میتوانیم امیدوار باشیم که دین خودمان را به جمال مبارک ادا کرده ایم. بفرموده مبارک "اليوم خدمتی اعظم از تربیت اولاد نبوده و نیست "بطور قطع و یقین اولیاء محترمی که در بهترین لحظات زندگی خود تنها بعشق مولای مهربان قدم در راه خدمت گذارده اند عامل این مسائل میباشند لکن باید قبول کنیم که افکار در گذشته و حال تغییر کرده از امر بهائی بیش از ۱۴۶ سال نمیگذرد ولی تغییرات عجیبی در عالم عقول و افکار پدید آمده حال چگونه میتوانیم ایدهها و افکارمان را بر رویه آنان تحميل کنیم باید همواره اصل اعتدال را که یکی از اساسی ترین مسائل در این دیانت است در نظر داشته باشیم حضرت ولی امرالله همانگونه که مخالف بی بند و باری و لجام گسیختگی غرب میباشند

انجمن شور روانی ملی بهاییان کانادا

رمضان ۱۴۶ بیان

میفرمایند: " سوف تشق یدالبیضاء جیباً لهذه اللہ اللھۃ الدلماء و یفتح اللہ لمدینة باباً رقاجاً یومئذ یدخلون فیها الناس افواجاً . . . (۲) و همچنین به واقعه ای تاریخی مربوط به شهید مجید حضرت ورقا اشاره نمودند که از محضر جمال مبارک در باب میقات اقبال جمعی باامراللهی سؤال کرده بودند و هیکل مبارک در چواب باین مضمون میفرمایند: آن هنگام که امور جهان به پستی گراید و یوماً فیوماً برپی نظمی ، اختلال، اغتشاش و سفك دماء افزوده شود. در آن وقت است که ناس متوجه خواهند شد عامل و مسبب اصلی این سیئات و ناملایمات تعصّب است و اشد تعصّبات همانا تعصّبات مذهبی است. در نتیجه ترك دین خواهند کرد ولکن نابسامانی و هرج و مرج همچنان ادامه خواهد یافت و مجدد

بحث اصلی چهل و یکمین کانونشن ملی کانادا : "تفییر و تحول (۱)" بود که از پیام رمضان معهد اعلیٰ گرفته شده که فرموده اند: " تغییر و تحول مقصد اساس امر حضرت پباء الله است و حصول آن به اراده و مجاهدت فرد بستگی دارد که در لوای اطاعت از عهد و میثاق بدست آید. "

این مؤتمر با حضور سه تن از حضرات ایادی امرالله جناب جان ریارتز، جناب ویلیام سیرز و جناب دکتر علی محمد ورقا و مشارکت مؤثر ایشان از رونق خاص وی سابقه ای برخوردار بود. جناب دکتر ورقا بدفعات در جلسات کانونشن ، بویژه در باب اقبال فوج فوج بامر اللهی سخن راندند و در این قسمت به بخشی از لوح منیع سلطان ایران استناد نمودند که



متحده امریکا، بجهت تشویق و ترغیب آنان به سفرهای تبلیغی در ممالک بلوک شرق، مذاکره و تبادل نظر نمایند. ایشان تأکید نمودند که اقدام به این عمل مبیرو خاصه در این ایام که ابواب این ممالک روز بروز بروجه یاران گشوده تر میشود، برای دستیابی به فرصت های بی نظیر و طلائی ابلاغ کلمة الله به تشنگان آن سامان پرارزش و مغتنم است. شرکت جناب دکتر دیوید اسمیت مشاور قاره ای امریکا از کشور کانادا نیز بر رونق جلسه افزود و حضار از نظرات آموخته ایشان محظوظ شدند.

باید خاطر نشان ساخت که یکی از بانوان کهن سال کانادائی که تا چند سال قبل عضویت هیئت معاونت را در کانادا بر عهده داشتند و در تمامی چهل کانونشن ملی کانادا در سالهای ۱۹۷۰، بدون استثناء، شرکت نموده اند، در این مؤتمر نیز حضور داشتند و بر روحانیت و صفا و هیجان آن افزودند. نام ایشان خانم پگی راس (۳) میباشد. قابل توجه و ذکر است که در کانونشن سال جاری نحوه و اسلوب مشاورات و سالهای ۱۹۷۰ قبل تفاوت داشت، باین معنی که برای اولین بار از روش مذاکرات دایره ای یا حلقووار (۴) (که در آن اعضای شرکت کننده در دوایر متعدد مرکز، حلقه وار قرار میگیرند) که ملهم از سنن یومیان است، استفاده شد که بسیار مفید و موثر و در نهایت سور و بهجت برگزار گردید و در مجموع تعدادی که توانستند در مباحثات شرکت نمایند بیش از سالهای ۱۹۷۰ گذشته بود و تقریباً به هر داوطلب شرکت در مشاورات، فرصت داده شد.

۱ - ترجمه Transformation ۲ - اصل بیان مبارک از لوح سلطان ایران تنظیم : عزیزالله سلیمانی اردکانی ، مؤسسه ملی مطبوعات امری ، ۱۳۲ پدیدع صفحه ۸۶

Peggy Ross - ۳
Talking Circle - ۴

آتش حب دینی در قلوب افروخته خواهد شد و در آن زمان مردمان به امرالله اقبال خواهند نمود.

جناب ویلیام سیرز بجهت آنکه میباشستی در کانونشن ملی بهائیان امریکا نیز شرکت نمایند فقط مدّت کوتاهی در انجمن شور روحانی ملی کانادا حضور داشتند و دوبار سخنرانی نمودند که اهم مطالب ایشان حول ثمرات مشارکت های موثر یاران کانادائی در اقدامات و فعالیت‌های امری دور میزد. ایشان نام چند تن از یاران نام آور بهائی اعم از ایادی و غیر ایادی را بدون رعایت ترتیب و یا رجحان ذکر نمودند که عبارت بودند از : لوئی بورژوا ، سادرلنڈ ماکسول ، ماریون جک ، می ماکسول ، امة البهاء روحیه خانم و زیکفرید شافلآخر. سپس با لحنی مزاح آمیز عنوان نمودند که حضرات ایادی امرالله وقتی بحدی از کهولت و ضعف بررسند که قادر به راه رفتن نباشند، خواهند ایستاد. هنگامی که یارای ایستادن نداشته باشند می نشینند و چون قادر به نشستن نباشند دراز میکشند و نقشه طرح میکنند.

بالاخره جناب جان ربارتز با کمک دوستان به جلسه هدایت شدند و علیرغم ضعف و ناتوانی که بعلت کهولت بایشان دست داده است با ذکر مطالبی توأم با مزاح موجبات سرور و نشاط روحانی یاران حاضر در انجمن را فراهم ساختند. حضور ایشان در جلسه موجب و موحد چنان حالتی از وحدت و ارتباط روحانی و قلبی یاران حاضر بود که بوصف در نیاید.

از دیگر وجوده متمایزه این مؤتمر شرکت و سخنرانی پرهیجان ، آموخته و بسیار مهم جناب هارتмот گروسمن مشاور و عضو دارالتبليغ بین المللی بود که از سوی مرکز جهانی بهائی مأموریت داشتند با یاران کانادا، آلاسکا و ایالات

خبر و پیشگفتار امریکا

شرکت داشتند تا مسائل مربوط به صلح را از نظر سوابق مختلف فرهنگی و دیانتی مورد بحث قرار دهند.

بعد از تشکیل "کنفرانس جهانی دین و صلح" در اوخر ۱۹۶۰ این پنجمین مجلس بود که منعقد گردید. اکثریت نمایندگان و حاضرین نفووس مهمه از طبقات مختلف جامعه بودند. نخست وزیر استرالیا مستر باب هاک BOB HAWKE مجلس را افتتاح کرد. عنوان مذاکرات را "بنای صلح بوسیله اعتماد : نقش دیانت" قرار دادند و در چهار موضوع صحبت شد از اینقرار:

- ۱ - ایجاد اعتماد بوسیله خلع سلاح و اتخاذ تصمیم در مورد نزع و جدال.
- ۲ - ایجاد اعتماد بوسیله حقوق و مسئولیت بشری در خانواده و جامعه بهائی.
- ۳ - ایجاد اعتماد بوسیله بسط و توسعه اجتماعی و اقتصادی و تعادل در مرز و بوم.
- ۴ - ایجاد اعتماد بوسیله عدم خشونت و تربیت برای صلح.

سیزده و سفر دکتر عبدالمحیّث قدریان در امریکای مرکزی و جنوبی دکتر عبدالمحیّث قدریان که استاد دانشکده طب در دانشگاه مک گیل MC GILL UNIVERSITY و روانشانس ارشد در بیمارستان معروف مونترال کانادا ROYAL VICTORIA و مشاور جامعه بین المللی بهائی در ایالات متحده امریکا میباشد به سفری تبلیغی تحت اشراف هیئت مشاورین قاره ای در ممالک امریکای جنوبی و مرکزی میادرت نمود.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی شماره ۲۰۰ - ۳۰ ماه می ۱۹۸۹

اسفار بین المللی حضرت ایادی امرالله دکتر یوگو جیاگری - ایادی امرالله دکتر یوگو WESTERN SAMOA ۱۶ آوریل وارد ساموا مالیتواتانومافیلی MALIETOA TANUMAFILII II رسماً ایشان را خوش آمد گفت در راپورتی که ۸ آوریل از طرف هیئت مشاورین قاره ای بارض اقدس واصل شده راجع بموضع مینویسند : " عالیجناب مسافت بعیدی را تا هواپیما پیاده طی نمود در حالی که جمعیت مسافرین و دوستانشان در فرودگاه مشاهده میکردند. نخست وزیر و وزیر عدیله نیز که بهمراه عالیجناب بودند دکتر جیاگری را خوش آمد گفتند و حلقه گل بگردن او انداختند. لیموزین پادشاهی در فرودگاه منتظر بود دکتر جیاگری را سوار کرده با تأثی از فرودگاه بیرون بردن در حالی که جمع کثیری از بهائیان طرفین جاده خروج با احترام ایستاده بودند. مالیتوا از افتخاری که با تشریف فرمائی دکتر جیاگری با و اهالی ساموا عنایت شده تشکر نمود. نایب نخست وزیر وضعیت را بسیار مؤثر و فراموش نشدنی توصیف کرد."

بهائیان استرالیا در کنفرانس جهانی دین و صلح ابراز فعالیت میکنند اوایل سال جاری از طرف کنفرانس جهانی دین و WORLD CONFERENCE ON RELIGION صلح AND PEACE در شهر ملبورن استرالیا مجلسی جهانی منعقد گردید که ششصد (۶۰۰) تن نمایندگان ده مذهب از شصت مملکت در آن

در کشور ترینیداد و توباگو

دکتر قدیریان همراه هیئتی

نماينده بهائيان بدين رئيس جمهور عاليجناب نور حسنعلی رفته يك ساعت با او در موضوع های : " مقام انسان و شرافت و روحانيت او " و " خشیة الله " و " لزوم تطابق علم و دین " صحبت نمود. رئيس جمهور از مساعدت بهائيان در تأمین خوشحالی و تدرستی ملت ابراز مسّرت کرد و در پایان ملاقات تقاضا نمود بهائيان مناجاتی تلاوت کنند.

علاوه بر اين دکتر قدیریان موفق شد با چند تن از اوليای امور دولتی تماس حاصل نماید از جمله منشی نخست وزیر و وزیر امور خارجه و مأمور عالی رتبه طب در وزارت بهداشت و رئيس کمیته تعلیم و تربیت در وزارت بهداشت و اسقف اعظم کاتولیک در پایتخت کشور و سایر پیشوایان قوم در ممالک خودشان. در اخبار رادیو وتلویزیون و در روزنامه ها سفر دکتر قدیریان به ترینیداد و توباگو منعکس شد و در يك مصاحبه تلویزیون خبرنگار دکتر قدیریان را بعنوان يك بهائي روانشناس معرفی کرد و نظریه بهائي را در مورد الكل و مواد مخدر سؤال نمود.

بافتخار دانشمند معروف بهائي دکتر اگوست فورل

دکتر اگوست فورل اولین بهائي در کشور سویس طبیی متخصص در تشريح و روانشناس و در ضمن اصلاح کننده جامعه و صلح طلب بوده در دوران عمرش (۱۸۴۸ تا ۱۹۳۱) از دانشمندان درجه يك سویس بشمار ميرفت. اخيراً نمايشی بافتخار دکتر فورل تحت اشراف دانشگاه زوریخ در مرکز طبی دانشگاه در ژنو ترتیب یافت که از ۱۲ آوریل تا ۱۲ ماه می ادامه داشت. جزو اشیائی که به نمایش گذاشته شده بود لوح حضرت عبدالپها بافتخار دکتر فورل بود و نیز

نامبرده در کشور بلیز BELIZE مدت چهار روز گذرانده راجع به سوء استفاده از الكل و مواد مخدر و طریقه جلوگیری از آن بعنوان يك متخصص نظر خود را چنین بیان نمود : " استعمال الكل و دواهای غير قانونی در بسیاری ممالک دنیا رو بازدیاد است. هر سال تصادفات حاصل از استعمال الكل و مواد مخدر جان نفوس کثیری را بخطر میاندازد. هزاران طفل از مادرهای معتاد تولد میشنوند. بخصوص بین جوانان این خطر شیوع دارد."

فعالیت دکتر قدیریان مورد تائید و حمایت وزارت امور خانواده در بلیز واقع شد. ایشان در سه احتفال عمومی نطق کرده و نیز در يك جلسه خصوصی برای اولیاء امور بهداشت صحبت نمودند و با نایب نخست وزیر و رئیس اداره جلوگیری از سوء استعمال الكل مصاحبه ای بهمتر نیمساعت در رادیو و تلویزیون داشتند که شرح آن در جرائد درج گردید.

در کستاریکا دکتر قدیریان سه روز گذرانده دو مصاحبه در رادیو و تلویزیون داشت که در ضمن مصاحبه اول خبر نگار چند سؤال راجع با مر بهائي نمود. و مصاحبه دوم در دانشگاه صلح RADIO FOR PEACE متعلق به دانشگاه برای صلح کستاریکا بود. هر دو مصاحبه در کاست ضبط و روز بعد جزو اخبار روز پخش شد.

علاوه بر اين دکتر قدیریان شش دفعه در مجلس عمومی که بعضی از اوليای امور دولتی از جمله وزیر تعلیم و تربیت و وزیر بهداشت حضور داشتند در موضوع های : "سوء استعمال الكل و ادویه و طریقه جلوگیری از آن " و " سوء استفاده از الكل و ادویه بین اطفال و جوانان " و نظیر آن صحبت نمود.

جنگ و تجاوز در فکر انسان شروع میشود و بنا بر لین اجتناب پذیر است.

اقبال دسته جمعی نقوس یکی از اهداف نقشه "مهاجر"

در ساحل شمالی کشور هندوراس (امریکای جنوبی) قبیله ای با اسم گاریفونا GARIFUNA وجود دارد که مخلوطی از سیاهان افریقائی و بومیان هندی میباشند و در حدود ۱۷۹۸/۱۷۹۲ گروهی از آنان باین ناحیه هجرت کرده اقامت گزیده اند و با ماهی گیری امراض معاش میکنند. اکنون بین هشتاد تا نود هزار نقوس در قریه های کوچک ساحلی زندگی میکنند و چند هزار از آنان بهائی شده اند.

یکی از اهداف نقشه شش ساله تحقق اقبال دسته جمعی در قبیله گاریفونا میباشد. یک راه برای نیل باین مقصد اجرای نقشه "مهاجر" PROJECT MUHAJIR پنج نفری تشکیل شد که طی یک هفتۀ بملات جامعه های گاریفونا رفته باعلان و ترویج امر و تزئید معلومات بپردازند و تا آخر هفتۀ عده ای مومنین جدید در ظل امر وارد کنند. کلاس درس اطفال دائیر نمایند و انعقاد ضیافت نوزده روزه را تضمین کنند و چند نفر را تعلیم دهنند که در آتیه باین خدمات پردازند. جنبه قابل ذکر نقشه این بود که هیئت پنج نفری بعداً به قریه های مربوطه سرزده مساعی سابق را تقویت و جریان تحکیم را ادامه دهنند.

مسابقه دو برای اتحاد در قسمتی از جبال آند (امریکای جنوبی)

در قسمتی از جبال آند ANDES MOUNTAINS در امریکای جنوبی جشن نوروز بهائی طبق سنت قدیمی با مسابقه دو MARATHON برگزار شد. دوندگان از ایستگاه فرستنده رادیو اکووا در راه افتادند تا پیام اتحاد را منتشر نمایند.

وصیت نامه دکتر فورل که در آن ایمان خود را با مر بهائی تصدیق میکند و یاد داشتی برای توضیح ضمیمه آن بود بدین مضمون : " در سال ۱۹۲۱ اگوست فورل کتابی اظهار داشت که آئین بهائی دیانت حقیقی برای خیر نوع بشر است. از کشیش ها و روحانیون مذهبی و اوهام و خرافات عاری و میری است. تمام ملل را که در این کره ارض ساکنند باهم متحد میکند. من بهائی شده ام و امیدوارم این دیانت به فتح و ظفر برسد. این منتهی آرزوی من است"

موفقیت قابل ملاحظه نقشه تبلیغی در کشور نیجریه

نقشه تبلیغی که از ۲۹ ژانویه تا ۱۲ فوریه در یکی از ایالت نیجریه اجرا گردید نتیجه اش اقبال ۳۲۳ نفر مومنین جدید با مر و تشکیل هفت محفل روحانی محلی و فتح ده مرکز جدید با مر بود. مبلغین سیار بدیدن ۴۶ جامعه رفتند ده کلاس برای اطفال منعقد کردند، بیانیه صلح را به مدیر یک مدرسه و امیر قریه لافیا (LAFIA) دادند.

جشن نوروز بهائی وحدت و یگانگی در کشور را نشان میدهد.

در یکی از بلاد کشور ترانسکی TRANSKEI افریقای جنوبی جامعه بهائی دوستان و خیرخواهان را دعوت کردند که در جشن نوروز بهائی شرکت کنند. بیش از دویست و پنجاه ۲۵۰ نفر مهمانان دعوت را پذیرفته جمعی از افراد بومی و افریقائی نژادهای مختلف و اروپائی و امریکائی و ایرانی و پیروان ادیان مختلف بكمال مسّرت و انبساط با یکدیگر آمیختند و نفس تنّوع شرکت کنندگان جشن نوروز را قرین موفقیت نمود. مراسم سال نو با تلاوت مناجات برای صلح بچند زبان توسط نسوان بهائی شروع شد. برنامه شامل موسیقی و رقص بود و یک استاد دانشگاه ترانسکی نطقی کرد که در ضمن آن اظهار داشت

دانشجوی بهائی در هندوستان جایزه افتخار میگیرد دوشیزه گیسو بهروزی GISOU BEHROUZI در مسابقه سخن رانی که بمناسبت صدو بیست و پنجمین سال تولد سوامی ویوکاناندا SWAMI VIUEKANANOLA سخن ران معروف هند و در اوآخر قرن نوزدهم ما بین دانشکده های هند تربیت یافته بود از طرف فرماندار دهلی جایزه اول را گرفت. این دختر مقابل پانصد نفر محصلین و اولیای آنها چهار دقیقه نطقی راجع به لزوم نظم جهانی بهاء الله ایجاد کرد و در ضمن از سوامی ویوکاناندا برای مساعدت او با مر صلح تمجید و تقدير نمود.

ارسال کارت تبریک عید نوروز در کشور ترینیداد و توباگو (آنتیل های صغیر) بهائیان ترینیداد و توباگو بمنظور اعلان امر الله تبریک عید نوروز به پنجاه شخص شامل وزرای دولت و قضات و اطباء و سایر فنوس عالی رتبه در سراسر کشور ارسال داشتند.

دائرة المعارف كوتاه آئین بهائی در جریان تهییه است.

یک جلد کتابی است که با حمایت و بخرج محفل روحانی ملی ایالات متحده امریکا اخیراً تهییه شده و قرار است بموقع برای کنگره جهانی در ۱۹۹۲ طبع و نشر گردد. در این کتاب فهرستی از مراسلات و خلاصه مذاکرات لجنه های تبلیغ امریکا و اروپا و افریقا و آسیا در سنین ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۴ درج خواهد شد.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۲۰۱ - ۱۵ ژوئن ۱۹۸۹

ایجاد رابطه عملی بین جامعه بین المللی بهائی و سازمان بهداشت جهانی
در ۱۲ مارچ بین جامعه بین المللی بهائی و سازمان بهداشت جهانی WOLRD HEALTH

مسابقه با هشت نفر دونده شروع شده بود و بهر جامعه ای که رسیدند چند دونده دیگر اضافه شد تا مجموع به قریب دویست دونده رسید و بعضی از آنان با لباس های بومی قبیله اینکا INCA بودند. دوندگان از ۴۵ جامعه عبور کرده نسخه هایی از ملخص پیام صلح جهانی با جزوی ای بزبان اسپانیولی موسوم به " طریق عظیم بهاء الله توزیع کردند GREAT PATH اتحاد در رادیو بهائی اکواذر تمام روز پخش شد اواخر شب قسمتی از برنامه توسط گروه های افراد بومی اجرا گردید.

اخبار و بشارات کوتاه و مختصر

اقدام به توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور ساحل عاج (افریقای غربی) بهائیان شهر کوادیا نیکرو KOUADIANIKRO یکی از بلاد ساحل عاج از حظیره القدس محلی برای دبستان استفاده میکنند. سیزده شاگرد در کلاس اول و ۱۲ شاگرد در کلاس دوم درس میخوانند.

در شهر دیگر با اسم دانان DANANE محفل روحانی محلی سومین سال است که اقدام به کاشتن برج نموده تا بهره آن بصندوق محفل برسد.

جوانان هلندی امر صلح را به استادان دانشگاه پیشنهاد میکنند.

طبق راپورتی که ۲۴ مارچ در جریده یومیه شهر DELFT یکی از بلاد هلند درج شده محفل جوانان بهائی در دانشگاه فنی به تمام ۳۱۹ استاد دانشگاه نامه ای نوشته تقاضا کرده اند برای نیل به صلح جهانی اقدام به تطبیق علم و دین نمایند و همراه هر نامه یک نسخه از بیانیه صلح بیت العدل اعظم را فرستاده اند.

ترویج همکاری و تشریک مساعی بین سازمان‌های غیر دولتی مختلف بود قریب صد و بیست نفر (۱۲۰) در کنفرانس حضور داشتند بعد از معرفی‌های مقدماتی هیئتی از نمایندگان گروه‌ها تشکیل شد تا جنبه‌های مختلف لوازم صلح را از قبیل لزوم تعلیم و تربیت مناسب و توسعه و تکامل وفاداری محلی به وفاداری جهانی مورد بحث و گفتگو قرار دهند.

جناب عزیز یزدی عضو سابق دارالتبیغ بین المللی به ملاقات احباب در برزیل می‌روند

جناب عزیز یزدی مشاور محترم و عضو سابق دارالتبیغ بین المللی همراه قرینه محترمه سرکار ثریا خانم از حیفا سفری به برزیل برای ملاقات احباب نموده یک ماه در آن کشور بودند و در نقاط مختلفه از جمله دو ایالت دوردست پارائیب و پرنامبوکو PARAIBA AND PERNAMBUCO بهائیان را تجدید حیات بخشیدند. قسمت قابل توجه در سفر جناب عزیز یزدی سیر و سفر در ایالت ماناوس MANAOS ناحیه آمازون بود. و نیز در بندر سالوا در ایالت SALVADOR، BAHIA باهیا که در تهیه یک نهضت تبلیغی عظیمی هستند. طبق راپورت محفل روحانی در زمان حاضر "دو ایالت باهیا و آمازون ناحیه هائی هستند که دوستان چنان مجدوب تائیدات روح القدس می‌باشند که امیدوارند در آتیه فتوحات غیر قابل تصور در میدان تبلیغ تحقق یا پد".

دیدار نقوس از مشرق الاذکار هندوستان ادامه دارد

در ماه آوریل تعداد کل نقوس که بدیدار مشرق الاذکار هندوستان آمدند به ۳۰۹۱۴۵ بالغ گردید که بیشتر شان از نقاط مختلفه هندوستان برای دیدن نمایشگاهی در نزدیکی معبد آمده بودند چنانکه یکی از روزها ۴۹۶۷۵ نفر بدیدن مشرق الاذکار آمدند. جشن عید رضوان با

ORGANIZATION که یکی از دفاتر نمایندگی ملل متّحد می‌باشد و در امور بهداشت بین المللی اختیارات دارد رابطه عملی ایجاد گردید. سازمان بهداشت جهانی برای ده سال آخر قرن بیستم هدف مبارزه طلبی اتخاذ نموده که عبارتست از : " بهداشت برای عموم تا سال ۲۰۰۰ از طریق مراقبت ابتدائی در بهداشت PRIMRY HEALTH CARE بهائی موافقت کرده است برای اجرای این هدف با انجام دادن چند برنامه تشریک مساعی نماید. از جمله : چهلمین سال تأسیس سازمان بهداشت جهانی را به جوامع بهائی در سراسر عالم گوشزد نمایند و جوامع بهائی را تشویق کنند که مراقبت ابتدائی در بهداشت را جزو مساعی تربیتی خود قرار دهند و از هفت رادیو بهائی در مورد برنامه‌های بهداشتی حمایت نمایند و مواد تحصیلی بهداشت را ترجمه و طبع و نشر نمایندو کارکنان بهداشتی جامعه بهائی را که در برنامه مصنونیت PROGRAMME OF IMMUNIZATION وزارت بهداشت کنیا شرکت کرده اند مساعدت نمایند.

آخر سنه ۱۹۹۱ نتیجه همکاری جامعه بین المللی بهائی با سازمان بهداشت جهانی تعیین و ارزیابی خواهد شد.

کنفرانس "پیمبران صلح" در بروکسل بلژیک

بین گروه‌های مختلف ایجاد همکاری می‌کند. جامعه بهائی بلژیک ۲۵ آوریل در پایخت کشور (بروکسل) کنفرانسی در موضوع "صلح و توسعه و ترقی PEACE AND DEVELOPMENT" ترتیب دادند. شرکت کنندگان در کنفرانس شامل نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی در بلژیک بود که از ملل متّحد بعنوان پیمبران صلح برای ۸۸ - ۱۹۸۷ انتخاب شده بودند. جامعه بهائیان بلژیک یکی از این سازمان‌ها بود که باین افتخار نائل شده بود. منظور این کنفرانس

اعتیاد به مشروبات الکلی در نواحی شمالی فنلاند و نروژ یکی از مسائل اجتماعی است که حل آن بسیار مشکل بلکه محال است. مهاجر بهائی تاد نولان TOAD NOLAN که قبلاً در آلاسکا مشاور اعتیاد بالکل بوده داوطلب شد در فنلاند و نروژ نیز این خدمت را انجام دهد. چون شنیده بود مساعی بهائیان در کانادا در این مورد نتیجه مطلوب را بخشیده است توسط محفل روحانی ملی فنلاند از محفل روحانی ملی کانادا تقاضا کرد یک کپی از ویدیوئی که تحت عنوان HONOUR FOR ALL افتخار برای همه بفرستند. مجمعی از افراد علاقه مند از جمله دو مشاور خانواده یک متخصص بهداشت روانی، مدیر یک خانه برای معتادین بالکل و مأموری از رادیو و چند تن پرستاران و کارکنان اجتماعی تشکیل گردید. هیجده نفر مدعوین از LAPLAND نواحی سرد سیر شمالی نروژ و فنلاند بودند که بعضی از آنان مسافت (۲۵۰) دویست و پنجاه کیلو متری کردند که به محل مجمع در نروژ برسند. ابتدا ویدیوی فوق الذکر نشان داده شد و با نشان دادن آن نتیجه مطلوبی حاصل گشت ۹۵ درصد حاضرین از ذوق مستی به حالت هوشیاری گرویدند. سپس راجع به طریق جدیدی برای مبارزه با سوء استفاده از الکل مشورت نمودند.

نقشه تبلیغی وسیعی در جمهوری افريقا مرکزی سبب اقبال دسته جمعی نقوص میشود.

در جریان یک نقشه تبلیغی وسیعی که در جمهوری افريقا مرکزی طرح و اجرا گردید بیش از دویست نفر از اهالی شامل رئیس ناحیه و کخدای یک قریه در ظل امر وارد شدند پعلاوه سی مرکز جدید امری فتح گردید و شش محفل روحانی محلی جدید تأسیس شد. این نقشه تبلیغی از طرف لجنه ملی تبلیغ طرح شده بود و

برنامه مخصوص روزهای اول و نهم و دوازدهم رضوان در معبد برگزار شد و روز نهم که بهائیان از سراسر کشور برای شرکت در انجمن شور روحانی ملی به دهله آمده بودند تعداد حاضرین به حد اعلی رسید. مشاور قاره ای دکتر فرزام ارباب و مشاورین برهان الدین افشن و زینا سهرابچی و اعضاء محفل روحانی ملی نیز حضور داشتند. عده ای نقوص مهم نیز در ماه آوریل بدیدن مشرق الاذکار آمدند، از جمله رئیس پارلمان جمهوری کره که با سایر مأمورین عالیرتبه کره ای در سالون دعا و مناجات و کتابخانه معبد مدتی صرف وقت کردند و کنسول سفارتخانه اندونزی مستر سیاوان

آلن آرن رامسلین ALF ARNE RAMSLIEN از سفارت نروژ در کتاب توریست ها این عبارت را نوشت: "ما آرامش خاطر و محبت مخصوصی از دیدار این مکان حاصل کرده ایم . . ."

گروهی شصت و شش نفر بودهایان چینی از تایوان توسط پیشوای گروه که خود قبلاً بدیدن معبد آمده و تحت تأثیر واقع شده بود بدیدن مشرق الاذکار آمدند. چند نسخه بیانیه صلح بزبان چینی به پیشوا داده شد که با فراد علاقمند بدهد. سی و دو نفر از ممالک آسیائی و افريقا شامل کنیا و زیمبابوه که در دهلي انجمنی داشتند تصمیم گرفتند بدیدن معبد بهائی بیانند. بعد از آنکه اطلاع مختصری راجع باامر بآنان داده شد علاقه مند شدند و بیشتر خواستند و بعد از مذاکره ممتدی یک شخص که اهل زیمبابوه بود جداً گفت "ما این پیام را در زیمبابوه لازم داریم لطفاً آن را برای ما آنجا بیاورید." (از راپورتی که از مشرق الاذکار ۱۸ می بارض اقدس وصل شده)

مساعی جامعه بهائی فنلاند در مورد سوءاستفاده از الکل

را در این مسابقه برد چنین نوشته بود: "صلح فقط وقتی ممکن است که هر فرد انسانی ملتفت اعمال خود باشد و بخواهد سهم خود را در تأسیس صلح ایفا نماید. حتی ممکن است در یک دبستان کوچک شروع شود. اگر ما شاگردان با یکدیگر مهربان باشیم و نظر باختلاف نزد نداشته باشیم و بین فقیر و غنی تفاوتی قائل نشویم ما بصلح کمک کرده ایم . این ابدًا مشکل نیست. ما نباید مسئولیت عده تامین صلح را بعده صاحبان قدرت بگذاریم ..."

از بین برندگان جائزه نسیم طلوعی انتخاب شد که نوشته خود را در جلسه ملل متحده با حضور تمام اعضاء بخواند.

محفل روحانی ملی در جزیره موریس بیست و پنجمین سال تشکیل خود را جشن میگیرد. بیست و پنجمین سال تشکیل محفل روحانی ملی در جزیره موریس (اقیانوس هند) جشن گرفته شد و از این راه اعلان امرالله بنحو احسن تحقق یافت. نمایندگان محفل روحانی ملی بدیدن فرماندار موریس و نایب نخست وزیر و وزیر عدیه و وزیر امور خارجه و شهردار بندر پورت لوئی PORT LOUIS و نفوس مهمه دیگر رفتند تا علت جشن گرفتن را توضیح دهند. در انتهای مراسم جشن یک کنفرانس ملی در سالن دارالتعلیم ماهاتما گاندی با حضور ششصد نفر بهائیان و نخست وزیر موریس و سفیر فرانسه و نمایندگان چند سازمان مذهبی و نفوس مهمه دیگر منعقد شد و نخست وزیر در نطق خود اصول آئین بهائی را بیان نموده از جامعه بهائی برای آنکه به ترویج وحدت و یگانگی و صلح در جزیره موریس معهده شده حیات خود را وقف اجرای این مرام نموده اند تشرک نمود. نطق نخست وزیر در اخبار یومیه تلویزیون و چند روزنامه منتشر گردید.

در طی آن یک " دارالتعلیم بهائی متحرک " MOBILE BAHAI INSTITUTE تعیین شده رفته برای بیش از پنجهزار ۵۰۰۰ اهالی اسلام نشان دادند و صد نسخه از بیانیه صلح بیت العدل اعظم و دویست چزوہ اطلاعات بهائی بین اولیای امور محلی در آن نواحی توزیع کردند.

صعود یکی از مومنین قدیمی مجمع الجزائر فیجی (اقیانوس کبیر)

یکی از مومنین قدیمی مجمع الجزائر فیجی SEKOVE TASOQOSOQO هشتاد و یک سالگی طی سفر تبلیغی در داخل جزیره ای فوت کرد. او چند هفته قبل از فوتش به سیر و سفر در داخل جزیره پرداخته بود با آنکه باوسفارش شده بود از رفتن باین سفر پر محنت خود داری کند ولی او مصمم بود تا دقیقه آخر عمر خود بخدمت حضرت بهاء الله پردازد. این بزرگوار بسیاری از نواحی فیجی را با مرفتح کرده بود. او مسبب تشکیل اولین محفل روحانی محلی در یک قریه بود و خود شاهد تشکیل اولین محفل روحانی ملی ناحیه ای در پاسیفیک جنوبی. اولاد و نواحه های او اکنون در یکی از جزائر فیجی عضو محفل روحانی محلی هستند و در اقدامات تبلیغی آن ناحیه ساعی و جاهدند.

دختر یازده ساله بهائی در لوگزامبورک جایزه اول را در انشاء میبرد. در لوگزامبورک بلژیک از طرف جامعه اروپائی EUROPEAN COMMUNITY مسابقه ای برای دانش آموزان دبستان ها ترتیب داده شد که در آن هر یک از دانش آموزان بایستی جواب این سؤال را بنویسد: " شما یک طفل چگونه میتوانید به صلح کمک کنید؟ ".

نسیم طلوعی دختر یازده ساله بهائی که جائزه اول

احبّار مُصوّر



ایادی ام والله جناب دکتر یوگو چیاکری در ساموا با حضرات مشاورین سرکار خانم ویولت هاک و جناب سهیل علائی. جناب دکتر چیاکری بعد از یک جلسه دعا در مشرق الاذکار در تاریخ ۳۰ آبریل خطابه ای ایجاد فرمودند.

جناب دکتر عبدالهیتاق قدیریان (سمت چپ) هنگام ملاقات با دکتر ه - علیمحمد وزیر بهداشت سورینام.

دکتر قدیریان طی اسفار خود به هفت کشور، نظریات جامعه بهائی را در مورد سوء استفاده از مواد مخدر و طریقه جلوگیری از آنرا به اطلاع عموم میرسانند.



تعداد یک میلیون نفر تخمیناً در ماه آبریل از نمایشگاه کتاب در بوئنس آیریس دیدن کردند. این ششمین سالی است که مؤسسه مطبوعات امری آرژانتین در این نمایشگاه شرکت مینماید و غرفه آنان مورد توجه فوق العاده قرار گرفته است.

جناب ماهنده را سینگ از احیای دهکده راجاکاپورا از کمر و هر دو با معلوم هستند. ایشان موفق در خدمت به جامعه از طریق جمع آوری موقعیت اخبار کشاورزی از رادیو و مجلات هستند که مورد استفاده کشاورزان منطقه قرار میگیرد.



خانم آبی آهی از دهکده هیسیو در استان مرکزی گینه جدید اطلاعاتی در مورد تضییقات احیای ایران در اختیار نخست وزیر کشور جناب ناماlio قرار میهند.

خانم آبی یکی از سه نفر عضو نمایندگان جامعه بهائی هستند که در تاریخ ۲۳ مارس با نخست وزیر ملاقات کرده و بیانیه صلح را تقدیم ایشان نمودند.

احیای جدید دهکده دیاکوی در منطقه زیگو اینکور در کشور سنگال برای فرا گیری بیشتر مواضع امری مجتمع گردیدند. این عده از جمله ۲۱۹ نفر احیای جدیدی هستند که در خلال برنامه تعلیمی ویرا تصدیق امر مبارک را نموده اند.





دو کوک از محصلین مدرسه منتسوری در آپیا، ساموای غربی مشغول تحصیل هستند. این مدرسه در جوار شرق الاذکار قرار گرفته و تحت سرپرستی هیئتی منتخب بوسیله محفل روحانی ملی اداره میشود. دانش آموزان این مدرسه از ملت های مختلف تشکیل شده و عده بسیاری از آنها افراد غیر بهائی میباشند.



عدد ای از احیای جدید دهکده لیوفیو در منطقه زیگو انکور در کشور سنگال برای گرفتن عکس مجتمع گردیدند.

این عدد در خلال برنامه تبلیغی و پیرا تصدیق امرالله نموده اند. کیفیت بارز این برنامه صداقت و جدیتی بود که اهالی در استقبال به امر مبارک نشان دادند.



دکتر اتل مارتزن، کانادائی خدمتکار بین المللی بهداشت جامعه، در حال توجه به مترجم خود در انجمن فراکمیری برای خدمتکاران بهداشت جامعه در مؤسسه بهائی مینو در استان غربی کنیا.

این انجمن به سرپرستی دکتر مارتزن در تاریخ ۱۹ تا ۲۰ دسامبر تشکیل گردید.

شرکت کنندگان دوّمین کنفرانس منطقه‌ای جوانان جزائر کارابین برای عکس پردازی مجتمع گردیدند. این کنفرانس از اجتماع ۶۲ نفر از ۱۷ جزیره و کشور در گرانادا در تاریخ ۱۴ - ۱۲ آگوست تشکیل گردید. پیشرفت فعالیت‌های جوانان در کارابین مورد بحث و برنامه‌های آینده طرح ریزی گردید، ۲۴ نفر از سخنرانان صلح برای برنامه تبلیغی جوانان گزارش‌های خود را عرضه نمودند.



چهار جوان شرکت کننده در برنامه تبلیغی مونا بعد از تقدیم ۱۰ نسخه از بیانیه صلح برای کارمندان، به فرماندار کل گرانادا با ایشان عکس گرفتند. پنجاه جوان از ۱۹ جزیره در دوّمین نقشه تبلیغی بین الجزایر کارابین (مونا) شرکت نمودند، این نقشه از تاریخ ۱۷ جولای تا ۱۴ آگوست بمورد اجرا گذاشت شد.

تعدادی از ۸۲ نفر شرکت کنندگان در کنفرانس اروپائی برای تبلیغ افراد چینی در کنار محل کنفرانس در دبورت هلند اجتماع نموده اند. نمایندگان ۱۴ کشور اروپائی در این جلسه که اولین کنفرانس از نوع خود در اروپا بود شرکت نمودند.



نامه های از جسته

۴ - جناب علی توانگر که از همکاران بسیار عزیز عندیلیب هستند شعری بیاد مادر گرامیشان که اخیراً در ایران صعود نموده اند سروده که چند بیت آن ذیلاً درج میگردد.

ای مادر ای فرشته دوران
تو هدیه ای زجانب یزدان
هم معدن محبت و مهری
هم منبع عواطف شایان
آنکونه ای که باید و شاید
وصف کمال و قدر تو نتوان
اندر جوار مهر تو بُد جنت
اندر رضای خاطر تو رضوان

TUGO ۵- جناب دکتر سیروس همایون ضمن سفر به افريقيا غربي با ارسال دو عکس شرح اسفار تبلیغی و موفقیت هائي که بتائید الهی بدست آورده اند نوشته و اضافه کرده اند که در ظرف ده روز از جنوب تا شمال اين مملكت را طی نموده و از اكثراً افراد رسمي و دولتي و سرشناسان ديدن نموده و ابلاغ کلمه الله نموده اند. دو عکس ارسالی ذیلاً چاپ ميشود. در عکس جناب KOMLA AGBETIFA وزير کشور توکو و جناب همایون دیده ميشوند.



۱ - جناب حسين مير كاظمي با ارسال نامه اي محبت آميز خبر سمینار اطفال دروس درس اخلاق جزیره تاسمانيا را که با شکوه فراوان و در عین حال بسیار ساده برگزار شده با دو عکس برای عندیلیب فرستاده اند از لطف ايشان ممنونيم و دو عکس مزبور را عیناً چاپ مينمائيم.

۲ - جناب بهرام شميري ضمن نامه اي از مقاله "اسپرانتو زبان مشترک" منتشره در مجله عنديلیب تعريف و اظهار داشته اند که مشتاق فرا گيري زبان اسپرانتو مibashند مشروط بر اينکه مجله عنديلیب اقدام به آموزش آن نماید. دوست عزيز: محدودیت صفحات و کثرت کار و از همه مهمتر عدم اطلاع کافي بزبان اسپرانتو ما را از اقدام به تعلم زبان مزبور معذور میدارد.

۳ - سرکار قدسیه خانم و جناب احمد مهدب ضمن تبریک عید اعظم رضوان قطعه اي سروده اند که بيتی از آن چنین است :

ذات قدم تازفضل گشت مضم
زنده نماند عظام مرده عالم
کرد مهیا زنور جیش عمرم
قا که منور کنند عالم مظلم
عالی ادنی شود چو منظر اکبر

ضمناً قطعه اي منظوم از يکی از زندانيان اخير مهد امرالله که باستقبال شعر معروف " مزه دارد" از لقائی کاشانی شاعر معروف بهائي سروده ارسال داشته اند که ضمن تشکر باطلاعشان ميرسانيم که اين شعر قبلًا بواسطه يکی از دوستان بدفتر عنديلیب رسیده و در موقع مقتضى مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

عندلیبیان گلشن اسنند
ساکنان حظیره القدسند
آنچه در صحن آن مکان دارد
تا به سنگ و کلوخ جان دارد

یکی از معانی حظیره القدس بیشتر است، و منظور از جمال قدم حضرت بهاء اللہ است که حکیم سنائی هشدار میدهد که عظمت جمال قدم به گونه ایست که حتی به سنگ و کلوخ هم جان میدهد!

موقعیکه حضرت رب اعلی روحی لمالفدا در قلعه ماکو محبوس بودند و جناب ملاحسین بشرویه افتخار حضور داشت، روزی در پشت بام قلعه رود ارس را که در آن حوالی جاری است به ایشان نشانداده و اشاره به این شعر معروف حافظ فرمودند.

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسوزن برخاک آن وادی و مشکین کن نفس
منزل سلمی که دارد هردم از ماصدسلام
پر صلای کاروان بینی و آهنگ جرس!

سعدي شاعر شيرين گفتار زبان فارسي در
كتاب طيبات ميفرماید.
جز آستانه فضلت که مامن امم است
کجاست در همه عالم وثوق اهل بها!

مولوی شاعر بزرگ و معروف که در قرن ششم
میزیسته چنین جالب و غرّا سروده:
ما پها و خون بها را یافتیم
از پی جان باختن بستافتیم
این همه گفتیم لیک اندر بسیج
بی عنایات خدا هیچیم هیچ
بی عنایات حق و خاصان حق
گرملک باشد سیه هستش ورق



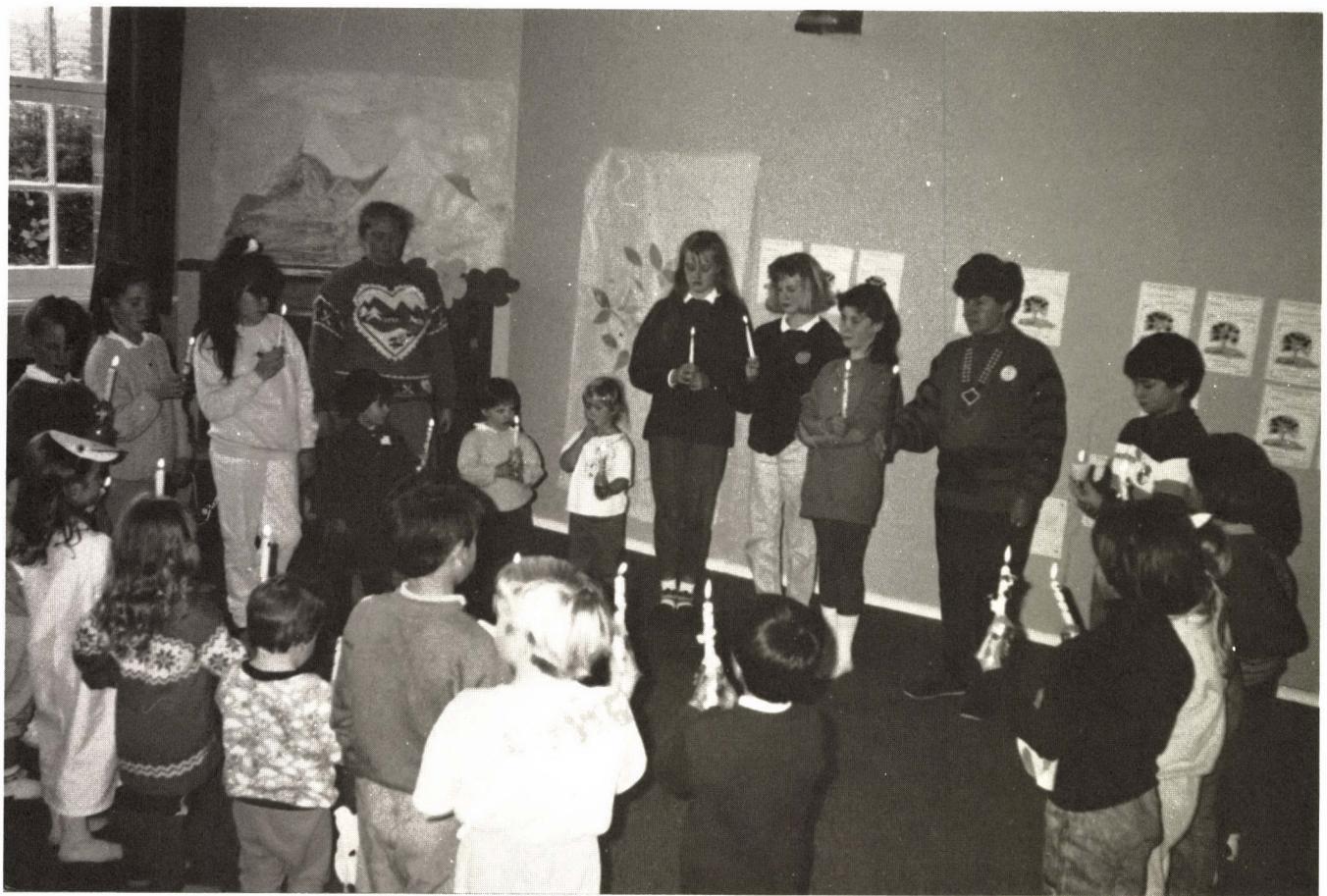
۶ - جناب دکتر منصور برجیس اشعاری چندار شعرای نامدار که در توصیف این ظهر اعظم سروده اند برای عندلیب فرستاده اند. از لطف ایشان ممنونیم و عیناً قسمتی از نامه را ذیلاً نقل مینماییم.

جمالی یکی از شعرای بنام قبل از ظهر حضرت رب اعلی بوده و مقبره او هم اکنون در اردستان است در مورد شیراز و آتیه آن چه جالب سروده:

جمالی زشیراز و شیرازیان
همان روح خیزد که از تازیان
که شیراز دارد نشان از حجاز
حقیقت شمر این سخن نی مجاز!

جمالی به وضوح اشاره کرده که شیراز مثل خانه
کعبه قبله گاه عالمیان خواهد شد.

حکیم سنائی در کتاب معروف خود
حدیقه الحقيقة که حائز اهمیت است نکته هائی
اشارة باین امر اعظم نموده که هم اکنون بین ما
اصل بها مصطلح و کاملاً روشن است:
همه مستغرق جمال قدم
فارغ از فکر عالم و آدم



‘ANDALÍB

